

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خیمه

صاحب امتیاز: محمدرضا زائری
مدیر مسئول: مرتضی وافی

همکاران این شماره:

محمدجواد اسماعیلی نژاد
فاطمه ایدوست
جلال بیطرفان
محمدعلی بیطرفان
یدالله جباری
جواد جواهری
الهام حسینی
فرامرز رحمانی
جواد محمدی
حسین سخنور
مجید سلیمیان
مرتضی کاردر
ابراهیم مرتضی قاسمی
سیدجلال محمودی
امیر عیسی ملکی

گروه ویرایش و تصحیح:

داود بهلولی، سید حجت سجادی زاده
صفحه آرا:

حمید یزدان خواه - فرید مستوفی

طراح نامواره:

حمید عجمی

طرح روی جلد:

سامان گلستانی

* مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید

* خیمه در ویرایش و تلخیص آزاد است

* عودت مطالب ارسالی امکان پذیر نمی باشد

* بهتر است جهت مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید
دفتر ماهنامه خیمه:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع استاد نجات اللهی، ساختمان

شماره ۲۱۳، طبقه چهارم، واحد ۹

تلفن: ۸۸۹۳۴۹۷۰ - ۰۲۱

آدرس الکترونیک:

www.kheimeh.com

پست الکترونیک:

info@kheimeh.com

چاپ: رواق

تیراژ: ۳۰۰۰

با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه



با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی
معاونت پژوهشی و آموزشی

فهرست

خطبه / ۲

هیأت / ۳

پیرغلام / تجلیل از پیرغلامان ابا عبدالله (ع) / ۴

پرچم / انفجار دوزمانه / ۶

هیأت / انا مظلوم حسین / ۸

منبر / دوراندیشی عجیب و معصومانه! / ۱۰

زمینه / بهشت: هفت برابر دنیا / ۱۲

پرچم / سفر به کوفه کوچک / ۱۶

هنر و ادبیات آیینی / ۱۷

نینوا / مرثیه سازها / ۱۸

پرچم / اخبار موسیقی / ۲۱

خیمه هنرمندان / قافله غربت / ۲۲

خیمه هنرمندان / راه طی شده / ۲۴

پرچم / اخبار سینمایی / ۲۶

روی پیشانی / ۲۷

حدیث باب عشق / به یمن بارش احساس در مساحت ظهر / ۲۸

زمزمه / دریایی از حماسه و شور / ۳۰

زمینه / مادر شعرهای عاشورایی / ۳۲

اندیشه و تاریخ / ۳۵

از پنجره نگاه شما / تلاش برای کشته نشدن / ۳۶

مقتل / سیری در مقتل و تاریخ نگاری عاشورا / ۳۹

زمینه / رابطه ارکانیک عاشورا و فتوحات اسلام / ۴۰

کوچه / آینه داران آفتاب / ۴۴

پرچم / چهل منزل تا اربعین / ۴۸

جامعه / ۴۹

اطلاعیه / خبرهای خوب محرم / ۵۰

پرچم / مناسک آیینی و ارزش های اخلاقی / ۵۱

زینبیه / آسیب شناسی مجالس عزاداری بانوان / ۵۴

کوچه / شیوه کنونی استفاده از ادوات عزاداری خالی از اشکال نیست / ۵۶

بیش از پنجاه درصد موقوفات کشور در جهت تبلیغ نهضت عاشورا / ۵۷

از پنجره نگاه شما / نظرسنجی تلفنی درباره محرم و عزاداری / ۵۸

پرچم / یقه بندان / ۵۹

پیرغلام / استادالشعرا والمادحین، مرحوم حاج ملا حسین مولوی / ۶۰

پیرغلام / به یاد حاج هاشم فیاض / ۶۱

خبر و گزارش / ۶۳

کوچه / تصویر واقعی اسلام / ۶۴

پرچم / فتنه دیگری با فتنه به پا شد / ۶۵

پرچم / فعالیت ما قانونی است / ۶۸

تا کریلا / گزارشی تصویری از ساخت ضریح امام حسین (ع) / ۷۰

پرچم / ۷۲

منبر / مهجوریت ارزش های محرم / ۷۴

تورکجه خیمه / گلدی فرمان شهادت بو گتجه / ۷۶

معرفی کتاب / ۷۸





سنت‌های آیینی آیین‌های سنتی



* ... فرهنگ به عبارتی مجموعه رویدادها و یادبودها و میراث‌های اسلامی ایرانی است که بنایی امروزی را بر اساس سنت‌های دیروز استوار می‌سازد. همان که گاه به هویت فرهنگی تعبیر می‌شود. هویت فرهنگی که حفظ آن با برقراری یک گفتگو با خاطره ازلی سنت شکل می‌گیرد.^۱

سنت در لغت گرچه به معنای سیره و روش است اما از نظر مفهومی به مراسم، آیین‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌شود که^۲ بنا به اعتقاد برخی، دارای منشأ الهی و از طریق شخصیت‌های مختلفی معروف به رسولان و پیامبران برای بنی آدم در دوره‌های مختلف آشکار شده است. لذا می‌گویند، سنت گاه متضمن حقیقتی باطنی است. سنت‌ها همان آداب و رسوم‌اند که ریشه‌های خود را از گذشته می‌گیرند، آداب و رفتاری که در گذر تاریخ همراه با تغییرات در باورهای توده مردم و خصلت‌های اجتماعی رنگ عوض می‌کنند و شکل می‌گیرند.

برخی در بازشناسی سنت و رفتارهای سنتی به چند نکته توجه دارند:

۱. رفتار سنتی به رفتاری اشاره دارد که در حوزه‌ای معین تکرار و باز انجام می‌شود.
 ۲. در رفتارهای سنتی، جمعی بودن آن رفتار شرط است لذا بر حرکت‌ها و خصلت‌های فردی معنای سنت اطلاق نمی‌شود.
 ۳. سنت‌ها هم خود نگهبان‌اند و میراث‌دار و هم در د رون خود نگهبانانی دارند که کارشان تفسیر، تبیین و ترویج سنت‌هاست.
 ۴. رفتارهای سنتی با احساسات و هیجان همراه است و از آن‌جا که با هویت اشخاص درگیر است، از خود حالت‌های عاطفی احساسی بروز می‌دهند.^۳
- این‌گونه رفتارهای سنتی را به معنایی «آیین‌های سنتی» نیز می‌نامند.
- آیین‌هایی که به نوعی استمرار یک خاطره‌اند و در حقیقت نوعی سنت برگزیده. این آیین‌ها در ایران اسلامی با برخورداری از قالب‌های فکری، مذهبی،

هنری به عنوان یک سنت زاینده و پیش‌برنده از تمامی ظرفیت‌های لازم جهت اعتلای فکری و فرهنگی جامعه برخوردار و اسیر کهنگی و پوسیدگی برخی مقولات سنتی دیگر نمی‌گردند.^۴

حفظ، ترویج و اشاعه‌ی این‌گونه آیین‌های سنتی تا جایی که با باورها و اعتقادات جامعه، هنجارهای اجتماعی و قانونی، تعلیمات اخلاقی و دستورات دینی منافاتی نداشته باشند، جزو فرهنگ و جلوگیری از تحریف و انحراف آن خود پاسداشت میراث فرهنگی است.

* ... از مهم‌ترین نمونه‌های آیین‌های سنتی همان رفتارهایی است که هم توسط جامعه (عرف) پذیرفته شده و هم با اعتقاد به یک امر قدسی و فراطبیعی وظیفه اجرایی کردن تعالیم دینی که باعث تکامل و تعالی افراد جامعه می‌شود را عهده‌دار است. همان که ما از آن با عنوان مناسک آیینی نام می‌بریم.

در این مناسک آیینی، رفتارها هم‌چون ظرفی است که پیام و شعاری را در خود جای می‌دهد، بیانی که هدف اصلی آن رفتار سنتی به حساب می‌آید.

از جمله این آیین‌ها بلکه فراگیرترین و بارزترین سنت‌های آیینی، همان عزاداری ابا عبدالله الحسین سیدالشهدا (ع) است.

و در این میان ذکر چند نکته ضروری می‌نماید:

۱. در مناسک آیینی هرگونه رفتاری که آن مراسم را از اصالت و هویت خویش دور سازد مذموم و یک نوع انحراف به شمار می‌آید. همان که در استفاده از برخی آلات موسیقی و یا قمه‌زنی در معرض عموم، خواندن سبک‌های آن‌چنانی و اشعار کم‌محتوا و ... می‌بینیم.

۲. در سنت‌های آیینی (یا همان مراسم مذهبی) برخی رفتارهای کهن و ریشه‌دار به ویژه آن‌ها که به نوعی با باورهای اعتقادی مردم گره خورده است به چشم می‌خورد که به عنوان یک حرکت نمادین و نمایش ساده به شمار می‌آید. این‌گونه رفتارها نه تنها مطرود نیست بلکه حفظ و جهت‌دهی به آن‌ها خود نوعی فرهنگ‌سازی است و البته برخورد دفعی،

غیر کارشناسانه و بخشنامه‌ای با آن‌ها به نوعی فرصت‌سوزی و از دست دادن موقعیت‌هاست.

۳. در مناسک و سنت‌های آیینی گاه پیام اصلی تحت‌الشعاع قرار گرفته و ظواهر سنت‌ها مانع انتقال و دریافت بار معنوی آن رفتار می‌شوند. نذر و وقف گرچه سنتی برخاسته از متن دین است. عزاداری و تعزیه‌گردانی، گرچه دارای ثواب و اجر می‌باشد، راز و نیاز، توسل و زیارت، گرچه ممدوح است و مطلوب، اما آن‌چنان درگیر مسائل حاشیه‌ای و پیرایه‌ها و خرافات می‌گردد که ...

و در این میان آن‌چه مهم است بازشناسی و درک عمیق و جامع از آن نوع رفتارهایی است که در جامعه و در انجام مناسک آیینی و پاسداشت آیین‌های سنتی رواج داشته و دارد، د رکی که متولیان فرهنگی ما را در سال جدید به یک جهت‌گیری صحیح و کلان در عرصه فرهنگ دینی، ساماندهی نمادهای مذهبی مردمی، ساماندهی شئون فرهنگی به ویژه د حوزه امام حسین (ع)، عاشورا و مناسک آیینی در مناسبت‌های مذهبی، حمایت از برنامه‌های فرهنگی و پژوهش‌های اندیشه دینی به یک نوآوری رهنمون سازد.^۵

ان شاء الله

پی‌نوشت

۱. پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، پرویز ورجاوند
۲. غلامرضا اکرمی به نقل از سید حسین نصر، مقاله سنت و هنر اسلامی
۳. جهان رها شده، آنتونی گیدنز
۴. آسیا در برابر غرب، داریوش شایگان
۵. اشاره به سیاست‌های کلان سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان اوقاف و امور خیریه بر اساس بند سوم سند راهبردی



ہیات



حلاوت کرپلا

گزارشی از پنجمین دوره تجلیل از پیرغلامان

شما بدانید این گونه مراسم، آیین داری می‌خواهد و شیوه و روش خود را می‌طلبید. هر کس که صدایش را بلند کرد، معلوم نیست نوکری‌اش پذیرفته شود. وی تصریح کرد: همه افتخار من این است که از دوران کودکی نفسم به نفس شما گره خورده است. ما در دوره‌ای هستیم که هم خنجر شمر تیز شده و هم مکر عمروعاص فراوان شده است. به نظر من امروز روحانیت است که راه را روشن می‌کند. بسیاری از جنجال‌ها در دنیا می‌خواهند روحانیت را حذف کنند، در حالی که شما راه حقیقی را نشان می‌دهید. وی ادامه داد: شما با مکر عمروعاص در دنیای امروز هم رو به رو هستید. این مکر نه تنها منجر به خانه‌نشین شدن علی (ع) شد بلکه بلاهای بسیاری به وجود آورد و هنوز هم با مشکل‌هایی دیگر ادامه دارد. در این مراسم همچنین شهرام گیل‌آبادی دبیر همایش گفت: به لطف خداوند و با یاری بندگان عاشق او توفیقی یافتیم که پنج دوره تجلیل از پیرغلامان عاشورایی را برگزار کنیم و گامی هر چند کوچک برای تجلیل از حنجره‌های عاشورایی و اشاعه فرهنگ حسینی برداریم. وی افزود: در پنج دوره این مراسم، از افزون بر ۹۰ نفر از پیرغلامان عاشورایی در حسینه جماران

پنجمین دوره تجلیل از پیرغلامان حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) عصر روز سه شنبه هفتم اسفند ۸۶ با حضور حسن خجسته معاون صدا، شهرام گیل‌آبادی دبیر این همایش و مدیر رادیو جوان، محمد نوریان رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و جمعی از مداحان در حسینه جماران برگزار شد. بنا بر این گزارش در این مراسم معاون صدای جمهوری اسلامی گفت: حضرت رسول (ص) فرموده: حلاوتی از کرپلا در سینه شیعیان است که همه چیز را کنار می‌زند. وی خطاب به پیرغلامان حاضر در مراسم گفت: ما شیعیان از طریق شما به آسمان وصل می‌شویم. خجسته اظهار داشت: این مجلس حتماً مورد توجه است. شما نسلی بوده‌اید که خداوند به خانواده‌هایتان موهبت عطا کرده است. شما افرادی هستید که برای خدمت در این راه انتخاب شده‌اید. او در ادامه خطاب به شنوندگان رادیو جوان نیز گفت: شنوندگانی که در حال حاضر صدای مرا می‌شنوید، به این مجلس متوسل شوید. این مجلس شفادهنده و مشکل‌گشاست. وی در ادامه به فلسفه برگزاری این همایش اشاره کرد و گفت: این کار توسط دکتر شهرام گیل‌آبادی آغاز شد و دلیل آن، این است که

دکتر شهرام گیل‌آبادی، مدیر شبکه رادیویی جوان و دبیر همایش تجلیل از پیر غلامان اهل بیت (ع) مهم‌ترین اهداف برگزاری این همایش را توجه به مراثی صحیح، ترویج و تکریم عزاداری سنتی و اصیل ایرانی، تکریم ذاکران اهل بیت به عنوان الگوهای مناسب در جامعه و معرفی مداحی و مراثی مورد قبول در اسلام از رسانه ملی می‌داند و اعتقاد دارد استفاده از پیرغلامان اهل بیت (ع) در صدا و سیما در سال‌های اخیر، تدوین ملاک‌های مورد قبول در مداحی، جلوگیری از پخش مداحی نامناسب از صدا و سیما و شکل‌گیری اداره کلی به نام اداره کل نغمات آیینی در سازمان از نتایج برگزاری این همایش در پنج سال گذشته بوده است.

وی درباره این همایش می‌گوید: از زمانی که رادیو پایه این مراسم را بنا گذاشت، یکی از دغدغه‌های جدی‌اش رسیدگی به امور مداحی و رفع شبهاتی بود که برخی علما نسبت به مداحی داشتند. هدف از این حرکت ابتکاری ترویج معارف جدی عزاداری و ارائه الگوهای مناسب بود.

همچنین ایجاد انگیزه برای ارتقای کیفی فضای عزاداری اباعبدالله‌الحسین (ع) در ماه محرم یکی از سیاست‌های رادیو جوان در برگزاری این همایش است. بازگویی ملاک‌ها و نمونه‌های برجسته عزاداری امام حسین (ع) در صدا و سیما، احیای واژه پیرغلام در هیأت‌های مذهبی با ارجاع به این مراسم در میان مردم و جلوگیری از پخش الگوهای نامناسب از دیگر سیاست‌های رادیو جوان و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در برگزاری همایش تجلیل از پیرغلامان اهل بیت (ع) است.

دکتر گیل‌آبادی در مورد خروجی‌های این همایش می‌گوید: قصد داریم کتابی از همایش تجلیل از پیرغلامان چاپ کنیم. علاوه بر آن با همکاری اداره نغمات رادیو، سی‌دی‌هایی از این همایش و گفتگوهای پیرغلامان تهیه می‌کنیم و در اختیار برنامه‌سازان و مردم قرار می‌دهیم.



در سال ۸۲ در اولین دوره برگزاری همایش، از ۲۰ مداح و دو شاعر اهل بیت (ع) در سطح تهران، سال ۸۳ از ۱۶ مداح در سطح کشور، سال ۸۴ از ۱۵ مداح و دو پیشکسوت، سال ۸۵ از ۱۹ مداح و پیرغلام اهل بیت (ع) و در سال ۸۶ از ۱۶ پیرغلام از استان‌های تهران، گلستان، گیلان، لرستان، بوشهر، مرکزی، زنجان، خراسان و همدان تجلیل شد.

سه ماه قبل از برگزاری همایش، مراکز استان‌ها با تشکیل کمیته‌های متشکل از مراکز فرهنگی، اسامی پیرغلامان را بر اساس ملاک‌هایی چون سن، سابقه فعالیت، رعایت اصول فنی و سبک‌شناسی، خوشنامی و اخلاق و منش تأثیرگذار، داشتن مؤلفه‌های شناختی از بحث‌های تاریخی و دینی، تربیت شاگردان متعدد و داشتن تألیفات و تصنیفات به همراه بیوگرافی یا زندگی‌نامه آنها به رادیو جوان ارسال می‌کنند. هیأت خبرگان که متشکل از هفت نفر از بزرگان مداحی از جمله حاج علی آهی، حاج علی انسانی، غلامرضا سازگار، حجت‌الاسلام سید قاسم شجاعی و ... هستند در جلسات متعددی با بررسی زندگی‌نامه این پیرغلامان تعدادی را از میان آنها انتخاب می‌کنند.

در طول پنج دوره برگزاری این همایش، حدود هزار پیرغلام در سطح کشور و حدود هزار مبلغ اهل بیت (ع) در جهان با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شناسایی شده‌اند.

میانگین سنی پیرغلامانی که در این سال‌ها از آنها تقدیر شده ۶۵ سال بوده است. در میان برگزیدگان افرادی هستند که بیش از ۹۰ سال از زندگی خود را صرف ترویج معارف اهل بیت کرده‌اند یا تألیفات بسیار در این زمینه دارند.

اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران، خبرنگاران خبرگزاری‌ها و جراید تشکر کرد. در این مراسم که قرار بود سید عزت‌الله ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما نیز حضور داشته باشد، علی انسانی، محمد موسوی و مشکینی به اجرای مداحی در رثای سالار شهیدان پرداختند. در ادامه این مراسم از پانزده تن از پیرغلامان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) با اهدای لوح تقدیر و تندیس ویژه به شرح زیر تجلیل به عمل آمد:

اسامی برگزیدگان امسال

حاج ابوالقاسم شیخی از تهران، حاج محمد اسماعیل خدای از تهران، حاج احمد اکبری از تهران، حاج علی بهاری از تهران، حاج علی مقدم از تهران، حاج رضا مهاجرانی از تهران، حاج حسین زارع از تهران، حاج جواد متشعر ملک از تهران، حاج محمد حسین زبانی از گلستان، حاج احمد صومی از گیلان، حاج محمد فطرس از لرستان، حاج جعفر عباسی از استان مرکزی، حاج محمدعلی نقدی از زنجان، حاج غلامعلی عسگری از مشهد و حاج حسن افلاکیان از همدان.

تجلیل به عمل آمد. اکنون که پنجمین دوره از تجلیل از پیرغلامان، این چهره‌های ماندگار جنت در حال برگزاری است به مدد خبرگان این مراسم، مشخصات ۶۰۰ پیر غلام اهل بیت در چندین نشست مورد بررسی قرار گرفت و امروز از ۱۵ پیرغلام از سراسر کشور تجلیل به عمل آمد. وی تصریح کرد: این کار سترگ با پایمردی و همت و پشتیبانی عزیزانی برگزار شد که خود از عاشقان و دلباختگان مکتب حسینی هستند. عزیزانی همچون مهندس عزت‌الله ضرغامی، دکتر حسن خجسته، دکتر محمدباقر قالیباف و احمد نوریان که بنده سپاسگزار پایمردی این بزرگان هستم. اما بر خود لازم می‌دانم از اعضای خبرگان تجلیل از پیرغلامان اهل بیت، حجت‌الاسلام سید قاسم شجاعی، حاج علی آهی، حاج سید محمد موسوی سجادی، حاج علی انسانی، حاج غلامرضا سازگار و حاج محمد بازوبند، تقدیر و تشکر کنم. وی در پایان از همکاران خود در شبکه رادیو جوان صدای جمهوری اسلامی ایران، سیمای جمهوری اسلامی ایران، معاونت سیاسی صدا و سیما، بنیاد دعبل، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، معاونت



انفجار دوزمانه!!

وقایع نگاری انفجار حسینیة شهد ۴ هیأت رهپویان وصال شیراز

کانون رهپویان وصال شیراز بزرگترین مراکز فرهنگی غیر دولتی جنوب کشور است و هر هفته هزاران نفر از جوانان شیراز در جلسات آن شرکت می کنند. ۲۴ فروردین گذشته، انفجاری مهیب در حسینیة متعلق به این مرکز فرهنگی، باعث کشته و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ نفر شد. انعکاس رسانه ای این واقعه و موج های ایجاد شده از اظهار نظر های مختلف در مورد آن، دست کمی از موج اصلی انفجار نداشت. در ادامه در قسمت اول از این نوشتار مروری بر این واقعه خواهیم داشت.

۲۴ فروردین: انفجار شدید در شهر شیراز این انفجار بعد از ماوربوشد قایقی پس از ساعت ۱۳ قسمت مردانه حسینیة شهد ۴ شیراز مربوط به هیئت رهپویان وصال و علما و خنرا نی حجت الاسلام جوی نژاد بیستاد و هفتم و معلمان فارس و هنگام مراسم عزاداری رخ داد. ۲۵ فروردین: تعداد مجروحان حادثه دیشب شیراز به ۱۸۳ نفر رسید.

اول مصدومان این حادثه ۱۶ نفر به صورت تسریعی درمان شدند و ۸ تن دیگر به همان موقعیة تاق عمل رفتند و شب بیدار ماندن و استانهای مازنی فقیهی قطب الدین و... و موبولانس های شیراز به درمان مجروحان حادثه پرداختند.

انفجار قطعا بمب گذاری بوده است علیرضا ریاسنول کمیته اطلاع رسانی کانون رهپویان وصال اعلام کرد طبق بررسی های انجام شد توسط نیروهای امنیتی و سوولین و یربط استان فارس بمب دست ساز و یک ریگ کف سامسونت و زنها حسینیة قسمت برادران جاسازی شد بمب دوزمانه انفجار شد است. انفجار عمدی نبوده است

ابراهیم عزیزی فرماندار شیراز بلخود جمع خبرنگاران احتمال انفجار بمب را رد کرد و گفت بر اساس بررسی های اولیه انفجار «احتمالاً تله های دیگری داشته است».

۲۵ فروردین: ما را تا انفجار شب گذشت شیراز را محکوم کرد

وزیر و خارجیه را متبالبه مردمی خانواد های قربانیان انفجار شب گذشت شیراز محکوم کرد.

و لاشناسان خشیای مختلف اتم انفجار همتا بیشتلر حادثه دیگری و ملغز ابرکاری می دانند. ۲۵ فروردین: شملگشت شدگان حادثه شب شیراز به ۱۲ نفر افزایش یافت ابراهیم عزیزی فرماندار شیراز افزایش شمار مصدومان حادثه شب شیراز ۲۰۴ نفر کشته شدگان به ۱۲ نفر خبر داد.

۲۵ فروردین: وضعیت مصدوم حادثه شب شیراز وخیم اعلام شد رئیس دانشگاه علوم پزشکی شیراز اول مصدومان ۲۵ نفر بخش مراقبتهای ویژه بیمارستانهای شیراز به سوی بیمارستان کویت منتقل شدند. ۲۵ فروردین: نماینده کمیسیون امنیت ملی امور پیگیری انفجار شیراز شدند

محمداشوریان رئیس کمیسیون امنیت ملی و غلامرضا رمینی نمایندگرمایه کمیته فاعی کمیسیون اسویمجلس مامور شد و منتبلا حضور در استان فارس و جلسات شورای تأمین و ستار موضوع انفجار را پیگیری و نتیجه را اختیاجلس قرار دهند.

۲۶ فروردین: شهیدانمیدرگشت شدگان انفجار شیراز برعهده شورای تأمین است

سعید کردشیمشاورستاندافارس داولرشارگران توافقاتی برای اختصاص قطعه ای بخش شهدای دارالرحم شیراز گشت شدگان صورت گرفته است. ۲۶ فروردین: سازمان تبلیغات اسلامی حادثه لخراش انفجار شیراز را تسلیت گفت

دلیل اطلاعیه آمد دست سانساحه لخراش و رشنه در مسجد سیال شهد (ع) شیراز محفل مناجات و

۲۵ فروردین: حدامدل خواستار تحقیق علت انفجار در شیراز شد

وی با اظهارات اسفعمیق این واقعه ابرامیدواری کرد ستگاه های مسئول هم در باره لحت حادثه تحقیقات دقیق کنند و هم سید کی در ستفوری به مجروحان داشته باشند.

۲۵ فروردین: امنیت کامل در شهر شیراز برقرار است ابراهیم عزیزی فرماندار شیراز گفت به مکاری و امل انتظامی امنیت کامل در منطقه حادثه انفجار شب گذشت شیراز برقرار است و شهر و ندان این بابت نگران نباشند.

۲۵ فروردین: انفجار شیراز قطع حادثه ای اتفاقی است / علت مشخص نیست

عباس محتاج معاون امنیتی انتظامی وزیر کشور: واقعه شب گذشت حسینیة شهیدالشهدا شیراز قطعاً یک حادثه اتفاقی است.

۲۵ فروردین: تروریستی بودن انفجار شیراز نمی توان تایید کرد

دادستان عمومی انقلاب شیراز گفت تلامنتایج و بررسی های کارشناسان تروریستی و تروریستی بودن حادثه شب شیراز نمی توان تایید کرد.

۲۵ فروردین: احتمال انفجار و انتظامی حادثه شیراز منتفی نیست ۱۷ شهید و ۲۰۰ مجروح محمدمیری و کی نمایند شیراز و مجلس شورای اسلامی در انتها ی این حسینیة پنجم سال پیش یک نمایشگاه انیمیمربوطه و ران فاع مقدس قرار داشت که آزاد و اتوهمات جنگی و خمپاره ها و مهمات جنگی نگهداری می شد.

بررسی های تخصصی بر و رادامید اخواه کرد

نیایش جمعی کثیری از زنان نوردان مو من و آزاد مود بر ملت شریف ایران سخت ناگوار آمد.
۱۶ فروردین با سامی آخرین مافو تشدگان در انفجار حسینیة شهد اشیر از اعلام شد به نبال و قو غ انفجار حسینیة شهد اشیر از الجسد به زشکی قانونی را جاعشد دستک سامیوسن آنان شهر چلیست عرفان نظامی ساله علی رضا انتظامی ساله غلامو سوئی (تبعه فغانی) ۴۰ ساله علی نوروزی ۹ ساله محمد مهدوی ۲ ساله مسعود ضایعی ۲۰ ساله محمد جواد اقاوند ۳ ساله نجمه قاسمی پور ۳ ساله محمد جواد ۲۰ ساله علی نصیری ۳۸ ساله، محمد جواد علوی.

۱۶ فروردین نتیجه های تحقیقات انفجار شیراز ناشی از مواد نظامی نمایشگاه بود دست یک مقام گام گرفت که خبرنگار خبرگزاری مهر ضمن اعلام این خبر افزود جمعی دیگر رسیه ها تحقیقاتی و راه های متعدد را شناسایی شده که علت اصلی انفجار محل هیات تره پویان وصال شیراز بعد از حدودی و اولو جهیز نشانی نظامی مستهلک بود که برای مدتید از بنا حسینیة سید الشهدا را استفاده های نامی شکارهای نگه داری می شده است.

۱۶ فروردین چهارشنبه فارس عزای عمومی اعلام شد

استاند افراس به ناسبت اتحاد شه لخر اش انفجار شیراز چهارشنبه ۱۶ فروردین مامد این استان عزای عمومی اعلام کرد.

۱۶ فروردین پیام تسلیت به موجب عظم انقلاب پی حادثه شیراز

... حادثه انگیز و تاسف بار کانون رهپویان وصال که بهر اولو شهادت گون و نغمه ای شیفگان وصال دوست و خمی شد جمعی شتری انجامید این جانب به صیبت زد کرد تسلیت می ریزد اران این حادثه تلخ و نینا سیدید کار و عیداد اش الهی به صابران است که فرمود اولو نک علیهم صلوات من ربهم ورحمه...

۱۷ فروردین مرد فارس با چارباختگان حادثه انفجار شیراز و داع کردند

آیین تشییع جنازه آچارباختگان انفجار شیراز بحضور شما کثیری اورد فارس در محضر حاضران مابین موسی (شاه چراغ) (ع) برگزار شد.

۱۷ فروردین ختایچر رسیه ای حادثه شیراز هفته آیند اعلام می شود

رئیس هیئت عزای مجلس برای پیگیری حادثه شیراز بنواکته تایچر رسید به این حادثه هفته آیند اعلام خواهد شد.

۱۷ فروردین عهد مگیری مسئولیت انفجار اسوی برخی سایت ها معتبر نیست

محمد رضا زاد باستاند افراس ملت نظر کمیته ارشناسی هستی و قتی این خطر صورت رسمی اعلام شود ادعای این سایت هلمی تواند معتبر باشد.

۱۷ فروردین به شفع علی غواملیر و واد شیراز باید از تکرار آن جلوگیری کرد

رئیس جمهور در پیامی و قو عداد شه حسینیة سید الشهدا (ع) شیراز را غناد جانباختگان مردم شیراز تسلیت گفت و برای امیدواری که به شفع علی غواملیر و ولین حادثه تکرار چنین وقایع تلخ خسارت با جلوگیری شود.

۱۸ فروردین علت حادثه شیراز انفجار ناشی از وجود برخی اقلام جنگی در حسینیة اعلام شد دبیر خانشورای امنیت کشور اطلاعیه ای ضمن ابراز اسفند و تمیق و واد شه انفجار شیراز علت اصلی این حادثه لخر اش انفجار ناشی از وجود برخی اقلام جنگی در نمایشگاه ادما ن شه لمر حل حسینیة سید الشهدا اعلام کرد.

۳۱ فروردین : قضاوت عجولانه نکنید آیت الله محی الدین حائری شیرازی هم اکنون کارشناسان خبرهای ایران در این شهر حضور پیدا کرده اند و مشغول تحقیق و بررسی هستند و باید منتظر نظرهای کارشناسان بود و زمانی که خبرها بدون ملاحظه را عایت نامینان و اعتماد منتشر شوند اصلیت شکار کاذب و شایعات تبسته می شود. ۱۸ اردیبهشت: انفجار شیراز سهل انگاری نبود حجت الاسلام جویری زلمسونل کانون رهپویان وصال شب گذشت و مراسم شب هفت شهید ای کانون رهپویان وصال لگسانی که بر واقعه لاشی ار سهل انگاری می خوانند گلا یه کرد بخشی از سخنانش گفت: ... پروند ما است و بنا بر سردار رود کی که خودشان هم تشریف دارن فرمودند که نتیجه ای حاصل نشد هر وند و لظ قضای پیاز است و اگر کسی هرچا ی کشور دارا اعلام منظومی کند برای خودش دارا اعلام منظومی کند... ۱۸ اردیبهشت شما چارباختگان حادثه شیراز ۱۳ نفر رسید

دو تن لوچر و جان و صد و مان حادثه انفجار شیراز فوت شدند غلام رضا شاهی به علت سوختگی ۷ درص و زهای اولیة کاد شه بهیمارستان صفهان منتقل شد که هلمت شد تسوختگی لمر و فوت کرد و حم علی شاه چراغی نیز هلمت شد تجراحات وارده در بیمارستان نمازی جان سپرد. ۱۸ اردیبهشت تیم کارشناسی مشغول بررسی حادثه

شیراز است لاریاره خرابکاری تردید داریم معاون سیاسی امنیت استیکیل کشور گفت بررسی های کارشناسی و فنی درباره جزئیات وقعه لک حسینیة سید الشهدا ی شیراز کماکان ادامه دارد هنوز نتیجه قطعی دلیری مینکاصل نشده است.

۱۱۳ اردیبهشت: یکم چرو و دیگر انفجار شیراز جان سپرد راضیه کشاورز؛ ۱۶ ساله در

بیمارستان نمازی شیراز استری و و کبه هلمت شد و تعدد جراحت وارده جان سپرد. ۱۸ اردیبهشت عامل اصلی انفجار شیراز سوختگی شد/ انفجار شیراز بمب گذاری بود هاست حجت الاسلام غلام حسین محسنی اژای وزیر اطلاعات انفجار شیراز بمب گذاری بود هرخی عوامل اصلی این فاجعه ستگی شد هاند در این جریان بر اساس اقدامات صورت گرفته پنج تنش نفوذ ستگی شد نهوامل اصلی که سیرل ارتباطا خارج کشور و حسو بمی شو و عصر و و هنگامی که قصد فرار کشور داشت و از ندران د ستگیر شده است.

۱۹ اردیبهشت حادثه شیراز بمب گذاری بود؛ ترور بستهاراد ستگیر کردیم و یک کشور دید اهلخانواد می شهد ای حسینیة رهپویان وصال شیراز طبق رسیه ها کارشناسی های انجام شد قبل از لحظه واقعه حسینیة شیراز یکم بمب گذاری است بمب گذاری این حادثه ترور بستیرل ستگی کردیم و دلیند می نه چندان د و رانها را به سزای اعمالشان می رسانیم. و یک کشور دید اهلکف حادثه لسهل انگاری اعلام کردیم تا بمب گذاری را راد ستگیر کنیم.



انا مظلوم حسین

مروری بر زندگی نزار القطری،
پدیده مداحی امسال ایران

اشاره: محرم سال گذشته، شاهد پخش مکرر نوحه «انا مظلوم حسین» که توسط «حاج نزار القطری» در کربلا اجرا شده بود، از شبکه‌های مختلف صداوسیما بودیم. نزار القطری در خارج از ایران شخصیتی چندان ناشناخته نیست. اسم اصلی او نزار فضل‌الله است (یعنی اسم پدرش فضل‌الله است)، و در تاریخ پنجم ژوئن ۱۹۷۱ در قطر به دنیا آمده است. او به زبان‌های عربی، فارسی، انگلیسی و اردو تسلط دارد. نزار القطری اولین کسی نیست که با اتکا به ویژگی‌های فردی و به مدد رسانه‌ها یک شبه ره صدساله شهرت را در ایران پیموده است و البته بعید نیست مانند همتایان قبلی خود (همچون ملا باسم کربلایی) بعد از مدت کوتاهی به فراموشی سپرده شود. بررسی این موضوع و کارکرد رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما در حوزه مناسک و ادبیات آیینی خود بحث مستقل و مفصلی را می‌طلبد. در ادامه با پدیده امسال مداحی ایران بیشتر آشنا می‌شویم.



نزار القطری از شش سالگی به مدرسه رفته و در هشت سالگی شروع به حفظ قرآن کرده و توانسته نیمی از قرآن را حفظ کند. مداحی را از هشت سالگی با دوبیت از قصیده‌ای که مادرش زمزمه می‌کرده، آغاز کرده است. و جالب این‌جاست که به خاطر این که فقط همان دو بیت از آن قصیده‌ی معروف را حفظ کرده بود، در مداحی‌هایش همان دو بیت را نزدیک به بیست بار می‌خواند! او می‌گوید: در همان دوران، روزی قصیده‌ی مشهور «خیرة الله من الخلق ابی» را خواندم و از آن زمان تاکنون پایان تمام مجالسی که مداحی می‌کنم، این قصیده را تکرار می‌کنم. نزار القطری ۲۸ سال است که این قصیده را می‌خواند.

همین یک نوحه آن هم در محرمی که سرمای بی‌سابقه‌اش مشتریان عزاداری‌های تلویزیونی را بیشتر از هر سال کرده بود باعث گل کردن آن شد و بلافاصله نسخه‌های ضبط شده در سایت‌ها و وبلاگ‌های فارسی راه پیدا کرد. استقبال قابل توجه از نوحه‌ی «انا مظلوم حسین» یادآور استقبالی است که سه سال پیش از نوحه‌ی «لش تأخر عباس؟» (چرا عباس برنگشت؟) شده است. نوحه‌ای با صدای باسم کربلایی، نوحه‌خوان عراقی ایرانی‌الاصل که با پخش از صداوسیما حسابی گل کرده بود. نوحه‌ای با زبان حال اهل حرم کاروان کربلا.

نام **نزار القطری** برای اولین بار با پخش نوحه دو زبانه فارسی، عربی در تاریخ ۲۴ دی ماه از سیمای جمهوری اسلامی ایران، بر سر زبانها افتاد. این نوحه دو روز قبل از این تاریخ در یکی از حسینیه‌های شهر کربلا خوانده شده بود، بعد از آن بود که به فاصله کمی، فایل صوتی و تصویری این نوحه به سرعت در ایران منتشر شد و حال اگر در اینترنت جستجو کنید نوحه‌های بسیاری از نزار پیدا می‌کنید که عربی، فارسی و یا عربی، انگلیسی هستند.

مضمون حماسی نوحه، اجرای خاص نزار القطری به لحن فارسی در کنار پخش گسترده‌ی تلویزیونی

نزار بعد از پایان تحصیلات اولیه برای آموختن علوم دینی به نجف رفت و در درس آیت الله سیستانی هم شرکت کرد. او پنج سال هم در انگلیس برنامه ریزی تلویزیونی خواند و پس از آن در کویت اجرای برنامه ی کودک را بر عهده گرفت و از آن تاریخ به بعد یک عمومی تلویزیونی شد و چهره ی محبوب بچه های عرب. اما معروفیت نزار وقتی به اوج رسید که یک پسر بچه ی هفت ساله به اسم سجاد را که از نوعی سرطان رنج می برد، و در سفری به مدینه در کنار قبر حضرت ام البنین (س) به طرز معجزه آسایی شفا گرفته بود، به برنامه ش آورد و با مدارک پزشکی سجاد، ماجرای شفای او را به بینندگان شرح داد.

این ماجرا سبب تحول روحی نزار شد و از طرف دیگر باعث شد برنامه اش را در تلویزیون دولتی کویت از دست بدهد. پس از آن، او قصیده های در مدح حضرت ام البنین (س) سرود و شروع به مداحی

برای ائمه (ع) کرد. نزار به دعوت شیعیان کربلا به آنجا رفت و فارسی را هم در همانجا یاد گرفت. امروز نزار ساکن کربلاست. او در کنار مداحی، همچنان علاقه ی اصلی اش یعنی برنامه سازی کودک را دنبال می کند. سال گذشته یک سریال چهارده قسمتی به اسم «قطار سریع» ساخت که با دو عروسک به اسم های فرح و مرح به شهرهای مذهبی شیعیان می رفت و برای همین سریال به ایران و مشهد هم آمد و قرار است خود نزار در این سریال، پدر فرح و مرح باشد.

امیدواریم تجربه ی نوحه ی «انا مظلوم حسین» برای بسیاری از مداحان گویای این حقیقت باشد که ذائقه ی محبین اهل بیت (ع) شور عاشورایی را تنها در کنار شعور عاشورایی می پسندد

نزار القطری مداح محبوب محرم گذشته ی ایرانی ها یک سایت کودکانه با آدرس shiakids.net دارد. همچنین مدیریت پایگاه اینترنتی «اطفال الشیعه» که پایگاهی ویژه ی کودکان و نوجوانان و به زبان عربی است و شامل بسیاری از تعالیم دینی می باشد به عهده ی اوست.

نزار می گوید: «من همیشه می گم اینجا توی ایران هر کوچه و پس کوچه یک امامزاده ای دارد. امام هست یعنی. اونجا نه امامی هست و نه امامزاده ای. هیچی نیست. همه اش بیابون. شما اینجا امامزاده دارید، برید یه دعایی کنید برای ما که برگردیم ایران».

امیدواریم تجربه ی نوحه ی «انا مظلوم حسین» برای بسیاری از مداحان گویای این حقیقت باشد که ذائقه ی محبین اهل بیت (ع) شور عاشورایی را تنها در کنار شعور عاشورایی می پسندد و آن شاء الله از این پس شاهد نوحه هایی با مضامین عالی تر و سبک هایی مناسب تر در میان هیأت های عزاداری باشیم.

شاعر این نوحه یک ایرانی به نام محمد باقر، معروف به صامت بروجردی است که دیوان شعرش «ریاض الشهاده» می باشد. میرزا محمد باقر صامت شیرازی معروف به صامت بروجردی و متخلص به صامت (۱۳۳۳-۱۳۶۳ هـ). ق) یکی از شاعران مذهبی و از مدیحه سرایان قرن سیزدهم و چهاردهم ایران است. بیشتر آثار صامت بروجردی را مرثیه های مذهبی در ستایش امامان شیعه و نیز نوحه ها و اشعاری در توصیف عاشورا تشکیل می دهد. دیوان وی مشتمل بر انواع شعرها مانند غزل، قصیده و رباعی است. وی همچنین اشعار مذهبی در قالب بحر طویل دارد. شعرها و نوحه های صامت هنوز هم در سوگاری ها و مراسم بزرگداشت حادثه عاشورا خوانده می شوند:

لم یاقوم تریدون بیغی و فساد
لم تسعون بقتلی بلجاج و عناد
(ای قوم! برای چه می خواهید به من ظلم و ستم کنید.
و چرا بالجبازی می خواهید مرا بکشید؟)

لیس واللّه سوانا خلف بعد النبی
فرض الله علی طاعتنا کل عباد
(به خدا به جز ما، پیامبر (ص) خاندانی ندارد
و خداوند اطاعت از ما را بر همه بندگان واجب کرده
است)

من له جد کجدي فی الوری
او کشیخی فانابن العلمین
(برای چه کسی در این عالم، جدی مثل جد من است،
او کشیخی فانا بن العلمین)

یادگیری مثل پدر من دارد! من پسر دو مرد شاخص هستم)

فاطمه الزهرا امی و ابی
قاصم الکفر بید روحین
(فاطمه زهرا مادر من است و پدر من
در هم شکننده کفر در بدر و حنین است)

عبدالله غلاما یافعا
و قریش یعدون الوثنین
(پدر من خدا را می پرستید در زمانی که پسر ی جوان
بود
در حالی که قریش بتها را می پرستیدند)

یعدون اللات والعزی معا
و علی کان صل قبلتین
(قریش لات و عزی را می پرستیدند
و پدر من به سوی هر دو قبله بیت المقدس و مکه نماز
می گذاشت)

وابی شمس امی قمر
فانا الکوکب و ابن القمرین
(پدر من خورشید است و مادر من ماه
پس من ستاره ای هستم، فرزند دو ستاره نورانی)

چیست تقصیر من ای قوم که امروز جهانی
شده آماده به قتل همه با تیغ و سنانی
در شما نیست ز اسلام نه نامی و نشانی

انا عطشان و قد احرق نطقی و لسانی
انا ظمئان و قد احرق قلبی و فؤادی
(من تشنه ام و حرق و زبانی می سوزد
من تشنه ام و قلبم و جگر من می سوزد)

زیر خنجر شه لب تشنه حسین می گفت:
توای شمر ستمکار!
توای ملحد مکار!
توای کافر غدار!

اگر من شناسی، بگویم شناسی

حسینم و ضیاء القمرینم، قتیل الودجینم
امام الحرمینم انا الفضة و ابن الذهبینم
(من حسینم و روشنائی ماه و خورشیدم و کشته حسابتم
من امام دو حرم مکه و مدینه هستم. من گوهر و فرزند
دو جواهرم)

منم شهیر جبرئیل، منم آیمی تقدیر
منم نحله ی خویان، منم زاده زهرا

منم عرش و منم فرش
منم کرسی و لوح و قلم
و باعث ایجاد دو عالم

انا مظلوم حسین
انا محروم حسین



و معصومانه! دوران‌دیشی عجیب

منبر و مدح تأثیرگذارترین رسانه جامعه شیعی

عجیب و معصومانه، که گفته‌اند برای همیشه این چاشنی را شما از دست ندهید.^۱

منبرها برپا شده‌اند تا وسیله‌ای باشند برای برپایی دین خدا در دل‌ها. در همه ادوار و اعصار کسانی از بندگان خدا هستند که در فهم معارف ربانی و تفقه در دین خدا کوشاترند و در جستجوی نازکاندیشی‌ها و اشارت‌های بصیرت‌بخش امامان معصوم(ع)، استوارتر و خستگی‌ناپذیر. هم آنانند که واسطه انتقال این معارف به خلق خدا هستند تا مردم را به بصیرت و معرفت که مقدمه عبودیت است، هدایت کنند. هدف نهایی مکتب جز عبودیت نیست و معرفت، سوار بر مرکب عواطف ره به سوی عبودیت می‌سپارد. کار مداحان، جلب این عواطف به سوی حقیقت مکتب و تزریق این چاشنی در جان طالبان معارف شیعه است.

وقتی عبودیت غایت همه آموزه‌ها و آرزوهای مکتب باشد، بدیهی است که اسوه‌ها و امامان و پیشاهنگان مکتب، نمونه‌های بی‌بدیل و مظاهر تام و تمام عبودیت خواهند بود:

«ارزش فاطمه زهرا(س) به عبودیت و بندگی خداست... نه فقط فاطمه زهرا(س) بلکه پدر فاطمه هم (که مبدأ و سرچشمه فضایل همه معصومین(ع) است. و امیرالمؤمنین(ع) و فاطمه زهرا(س) قطره‌هایی هستند از دریای وجود پیغمبر(ص) ارزشش پیش خدا به خاطر عبودیت است...»^۲

گاه می‌شود که مداحان ما در ذکر مناقب حضرت صدیقه اطهر(س) یا دیگر معصومین(ع) از مرز

تعلیم و تهذیب مردمان می‌شدند. اکنون سالیانی است که این سنت پسندیده دگرگون شده و در برخی از محفل‌ها و هیأت‌ها جایگاه منبری و مداح جا به جا است. اصل، مداحی بوده و خطیب و واعظ، گویی صرفاً برای پاسداشت صوری همان سنت پیش گفته به منبر می‌رود و دیگر هیچ. در بعضی تکایا و مجالس که اصلاً نشانی از منبر نیست و هر چه هست مدح و مصیبت است و بس.

باید پرسید سخنوران شهیر شهرها و خطیبان پرمخاطب جماعات مذهبی را چه نیازی به گرمی بازار مرثیه‌گویان و مدیحه‌سرایان؟ قرار است مداحان شیعه با هنرمندی خود، برداشت بهینه از محصول منبر را که چیزی جز آموزه‌های وحیانی جاری بر لسان عالمان دین‌اندیش نیست برای مردمان کوچه و بازار ممکن سازند تا مکتب اهل بیت(ع) در جان‌هایشان ماندگار شود:

«هر مکتبی اگر چاشنی‌ای از عاطفه نداشته باشد و صرفاً فلسفه و فکر باشد، آن‌قدر در روح‌ها نفوذ نمی‌کند و شانس ماندگاری ندارد. ولی اگر چاشنی‌ای از عاطفه داشته باشد، این عاطفه به آن حرارت می‌دهد. آن مکتب را منطقی می‌کند. بدون شک مکتب امام حسین(ع) منطق و فلسفه دارد... اما اگر دائماً این مکتب را صرفاً به صورت یک مکتب فکری بازگو کنیم، حرارت و جوشش آن گرفته و کهنه می‌شود. این بسیار نظر بزرگ و عمیقی بوده است؛ یک دوران‌دیشی فوق‌العاده

اشاره: هیأت‌ها و مجالس روضه‌خوانی تأثیر عمیقی بر تحولات اجتماعی و رفتارهای سیاسی دارند و دشمنان در صدد تضعیف و تحریف این نهاد ریشه‌دار تمدن ایرانی شیعی هستند. نویسنده این مقاله ضمن خطیر خواندن وظیفه و مسئولیت این دو نهاد تأثیرگذار شیعی به برخی از آسیب‌های آن پرداخته و خواهان هوشیاری مردان منبر و مدح در برابر توطئه‌های دشمنان شده است.

ایرانیان شیعه، دین خود را اعم از احکام و اعتقادات و اخلاقیات، همواره از منبر گرفته‌اند و هیچ یک از دیگر وسائل نشر و ترویج معارف دینی از حیث دامن‌گستری هم‌وزن و هم‌پای منبر نبوده است. مداحی نیز از جمله نهادهای دیرپای جوامع شیعی است و این مداحان بوده‌اند که از دیرباز تاکنون منبر دانایان دین‌گستر شیعه را در نشر معارف حقه اهل بیت (ع) گرمی بخشیده‌اند.

سنت چنان بوده که مداحان، هنر خود را در جلب عواطف و احساسات مردمان به خدمت می‌گرفته‌اند تا آنان را به پای منبرها بکشانند و حسب وضع و موقع، با مرثیه‌سرایی و مولودی‌خوانی، قلوب مستمعین را مستعد دریافت حقایق دین و معارف اهل بیت(ع) کنند چندان که کار سخت عالمان دین‌شناس و مبلغان سنت نبوی و سیره علوی در القای آن حقایق و معارف، آسان شود.

چنین بود که مداحی در خدمت منبر قرار می‌گرفت و مداحان رونق‌بخش کرسی دانشمندان دین در



بی تقصیر و بی جهت کشته و نفل و ضایع شد و هدر رفت، حال آن که به عکس این انگاره باطل که اتفاقاً از سر دوستی سیدالشهداء(ع) ساخته شده هر قطره خون امام حسین(ع) یک دنیا ارزش دارد و زلزله حماسه او در عاشورا پایه‌های کاخ ستمگران را متزلزل کرد.^۳

نیز برخاسته از حس اصیل اسطوره‌سازی خود، توانمندی‌های عجیب و غریب مادی و جسمانی را به وجود مقدس آن حضرات نسبت

می‌دهیم که نه اثبات آن توانایی‌ها در وجود مبارکشان موجب فضیلتی است و نه اعتقاد ما به وجود آن اوصاف، مهم و مفید و لازم است، از آن روی که هیچ نقشی در تربیت اخلاقی و رشد فضایل انسانی ما ندارد.

دین خالص را امروز فقط از عالمان امانتدار علم جعفری می‌توان گرفت که فقیهان صیانت کننده بر نفس و حفاظت کننده از دین خدایند و هوا و هوس را مغلوب ساخته‌اند و جز پیروی از صاحب شریعت، سودایی در سر ندارند؛ از مراجع معظم شیعه که پیرایه‌های نشسته بر دامن دین را می‌شناسند و مجالس مدح و مصیبت ما را خالی از معصیت خدا می‌خواهند.

وعاظ و مداحان بزرگ اکنون مرجع و مراد بسیاری از مؤمنان و شیفتگان اهل بیت(ع) مخصوصاً جوانان و دانش‌آموزان و دانشجویان‌اند. جوانانی که مشتری دائم مجالس معظم مصیبت‌سرایی و

گاه «تصغیر و تضییق مرتبت معصومین(ع) در ذکر مراثی و مدایح، رایج‌تر از گزافه‌گویی است»

مولودی‌خوانی در تهران و شهرهای بزرگ هستند، اغلب تکالیف عملی خود را از خلال سخنان واعظ یا مداح مورد علاقه خود اخذ می‌کنند و اگر بگوییم کثیری از جوانان مؤمن و باصفا، دین خود را از این جلسات می‌گیرند، گزافه نگفته‌ایم. هم از این روست که انتظار سلوک مرجعانه از وعاظ و مداحان نامدار و پرطرفدار، انتظار نابجایی نیست.

توحید می‌گذرند و در ورطه شرک در می‌غلطند. حال آن که در زیارت‌های معتبره مأثوره، به رغم انتساب عالی‌ترین و شگفت‌انگیزترین مقامات معنوی و اوصاف الهی به وجود مقدس حضرات معصومین(ع)، بر عبودیت آن بزرگواران تأکید تمام شده است. از آن جمله است این فراز شریفه از زیارت رجبیه که به خداوند متعال عرضه می‌داریم: «لا فرق بینک و بینهم الا انهم عبادک»؛ هیچ فرقی بین تو و اینها (حضرات معصومین(ع)) نیست غیر از این که اینها بندگان تو هستند.

متأسفانه دامنه انحراف در برخی مداحی‌ها در مسیر تعالیم نورانی اهل بیت(ع) محدود به مبالغه‌گویی از مقام و منزلت معصومین(ع) نیست. گاه از این سوی بام افتاده‌ایم؛ تصغیر و تضییق مرتبت آن بزرگواران

«دین خالص» را امروز فقط از عالمان امانتدار علم جعفری می‌توان گرفت که فقیهان صیانت کننده بر نفس و حفاظت کننده از دین خدایند

در ذکر مراثی و مدایح، رایج‌تر از گزافه‌گویی است. این آفت البته ناشی از قصور فهم ما از مقام حقیقی وجود مقدس و شریف آن حضرات است که سطح عقول و عرفان و آمال آنان را با خود قیاس می‌کنیم و امتیازاتی نظیر قدرت مادی و جسمانی یا زیبایی بی‌نظیر ظاهری را که ممکن است منتهای آرزوی خود و مخاطبانمان باشد به آن بزرگواران نسبت می‌دهیم بی‌آن که این امتیازات ظاهری در نظام ارزشی دینی ما واجد ارزش حقیقی باشد:

دوستی و دشمنی و اسطوره‌سازی را سه عامل تحریف حقایق و وقایع دانسته‌اند و منشأ انگاره‌سازی مجلس گردانان مجالس مدح و مصیبت را دو عامل از این سه عامل؛ دوستی و اسطوره‌سازی.

چون دوستدار اهل بیت(ع) هستیم، زیبایی ظاهر را که به خیال خود عالی‌ترین عامل در کشش به سوی محبوب و تهییج احساسات عاشقانه می‌پنداریم در وجود آن بزرگواران برجسته می‌کنیم و باز از سر دوستی و به قصد برانگیختن عواطف در مواقع مرثیه‌سرایی هر جا لازم باشد از هیچ تحقیق در مکان و منزلت شأن فروگذار نمی‌کنیم، آنچنان که به تعبیر استاد شهید مطهری، شهادت امام حسین(ع) را چنان جلوه می‌دهیم که مظلوم و

مهم‌ترین شناسه در مشی و مرام مرجعانه، رعایت نهایت احتیاط در بیان معارف و احکام و دستورهای دین در عرصه‌های فردی و جمعی است و نیز در حوزه‌ها و حیطه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی؛ خصوصاً در موضوعاتی که این عزیزان احیاناً ورود و تخصصی ندارند و برای بیان دقیق و درست مطلب، ناگزیر از استمداد و استشاره از اهل فن‌اند. اکنون که تأثیر عمیق و منحصر به فرد هیأت‌ها و مجالس روضه‌خوانی در تحولات اجتماعی و رفتارهای سیاسی مردم آشکارتر از گذشته شده است، بی‌گمان تلاش و تمرکز دشمن برای تضعیف و تخریب این نهاد مدنی ریشه‌دار تمدن ایرانی شیعی بیش از پیش خواهد شد. به شرط هوشیاری مرجعانه مردان منبر و مدح، این پایگاه پایدار عرصه روشنگری و ارشاد، تا همیشه، تأثیرگذارترین رسانه جامعه شیعی ما باقی خواهند ماند.

پی‌نوشت:

۱. استاد شهید مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۵۸.
۲. رهبر معظم انقلاب، در دیدار مداحان و شاعران
۳. حماسه حسینی، جلد ۳، ص ۸۴



سید احمد محمود زاده

هفت برابر دنیا بهشت؛

نقش شاعران و مداحان در رند فکلاشتن
نهضت حسینی

امام صادق(ع) فرمود: هر کس درباره ما یک بیت شعر
بسراید، خداوند در ازای آن، سرایی در بهشت برایش
می‌سازد.

مقدمه

«کلام»، قالب مفاهیم ذهنی است. سخن، ترجمه‌ی اندیشه‌ها
و احساس‌هاست، و الفاظ، بار معانی را به دوش می‌کشند، و...
شعر که از جوهره‌ی تخیلی قوی و ترسیمی زنده و تصویری
جاندار، نسبت به آنچه در دل و جان می‌گذرد، برخوردار است،
رساتر، نافذتر و ماندگارتر است.
ارزش شعر خوب و متعهد، وقتی روشن‌تر می‌شود که به تأثیرات
منفی شعر هجو، لغو و فاسد توجه کنیم.

اشاره: نویسنده، سروده‌های شاعران را در دو محور
اساسی مدایح و مراثی طرح نموده و می‌گوید: شعرا،
در اشعار خود، به ذکر فضایل ائمه و شهادت مظلومانه‌ی
آنان پرداخته‌اند. همچنین به نقش شعرای معروف عصر
ائمه معصومین(ع)، مانند کمیت، سیدحمیری و دعبل
اشاره نموده و می‌افزاید: شعرایی که به بیان و نشر و
اشاعه‌ی فضایل امامان(ع) همت گمارده بودند، زندگی
توأم با سختی و فشار و هراس داشتند، و تولی و تبری
را در قالب اشعارشان بیان می‌کردند و همواره مورد
تأیید ائمه(ع) بودند.

شهدای مظلوم خاندان پیامبر(ص) است. و روشن است که جهت‌گیری این مرثیه‌های سوزناک، و بیان شهادت‌ها چه به صراحت و چه با کنایه متوجه خلفا و والیان وابسته به قدرت‌های مسلط بود که شهیدان، کشته‌ی کین و عداوت آن‌ها بودند.

اشعاری هم که در ستایش و مدح امامان شیعه و اولیای دین و عترت پیامبر(ص) سروده می‌شد، صرفاً مداحی و تملق و ثناگویی نبود، چرا که این‌گونه مدح‌های تملق‌آمیز، معمولاً برای خودشیرینی و کسب زر و سیم و رسیدن به دنیا و دینار بود، و نه شاعران شیعه، اهل این کار بودند، و نه چنین سروده‌هایی مورد حمایت ائمه (ع) بود. انگیزه و هدف و محتوای آن اشعار، با آن‌چه در دربارهای سلاطین و خلفا و امیران، مرسوم و متداول بود، فرق می‌کرد. استاد محمدرضا حکیمی در این باره می‌نویسد:

سروده‌های شاعران درباره‌ی اهل‌بیت(ع)، عمدتاً دو محور اساسی دارد: مدایح، مرثی. در مدایح، فضایل ائمه مطرح می‌شود و مرثی، در سوگ و رثای شهدای مظلوم خاندان پیامبر(ص) است.

«... شاعران سلف اسلام که در دامان این تعالیم، تربیت یافته بودند، هرگز به سوی مدح‌گویی، به معنای متعارف نمی‌گراییدند و آن را مذموم می‌دانستند و از نظر شرع، منهی. بعدها

سود و تأثیر شعر حق، هنگامی آشکار می‌شود که به تباه‌گری سروده‌های منفی و اشعار ویرانگر و قالب‌های ادبی که در استخدام کفر و ستم و گناه هستند، دقت شود.

در هر صورت، هر دو، سلاح است، یکی با حق، یکی بر حق. هر دو شمشیر است، یکی بر فرق باطل، دیگری بر چهره‌ی حق. و شعر بد، منفی و ضدارزش را جز با شعر خوب و پرمحتوا و آرمان‌گرا و حق‌گو نمی‌توان پاسخ گفت. قول خداوند است که: «ادفع بالتی هی احسن السيئة...»

اگر شعرهای لغو و مبتذل و در خدمت فساد و طغیان، «سیئه» باشد، شعر خوب و استوار و زیبا و در دفاع از حق، «حسنة» است و «سینات شعری» را که باید با «حسنات شعری»، از میدان به در برد.

مدایح و مرثی

سروده‌های شاعران درباره‌ی اهل‌بیت(ع)، عمدتاً دو محور اساسی دارد: مدایح، مرثی. در مدایح، فضایل ائمه مطرح می‌شود و مرثی، در سوگ و رثای

بیشتر شاعران مذهبی، بویژه در زبان فارسی، از اصالت کار دور ماندند و در مدایح دینی نیز غرض اصلی را رها کردند.

باری، در شعر مذهبی، نظر کلی بر نشر مبادی دین و احیای حقایق ایمان و زنده کردن دل‌ها و جان‌ها، و جاری ساختن خون حماسه و تعهد در رگ‌هاست.

از این رو شاعران بزرگ شیعه، همیشه برای حکومت‌های فاسد، خطری بزرگ محسوب می‌شدند، زیرا آنان در خلال مدح آل محمد(ص)، حقایق دینی و صفات لازم حاکم دینی را عنوان می‌کردند و با ذکر صفات اسلامی امامان، و مقایسه و تحقیر زمامداران، دل‌ها را به حق، و حکومت حق توجه می‌دادند...^۱

این شیوه و پیمودن این راه، الهام گرفته از رهنمودهای خود ائمه(ع) بود و آن حضرات، هم با صراحت، مشوق و فراخوانده‌ی صاحبان این هنر به دفاع از حق و فضیلت بودند، و هم رفتار و سیره‌ی عملی آنان در زندگی، مؤید این‌گونه شاعران بود. ائمه‌ی شیعه، لفظاً و عملاً، با صراحت و کنایه، مدافع شاعران متعهد و مدیحه‌سرایان متقی و مرثیه‌خوانان حق‌شعار بودند.

امام جواد(ع)، به عبدالله ابن صلت نوشت که: «در

سوگ من و پدرم امام رضا(ع) مرثیه بسرای». ^۲ امام رضا(ع) فرموده است: «هیچ مؤمنی در ستایش ما شعری نمی‌گوید، جز آن که خداوند در بهشت برای او به اندازه‌ی بیش از هفت برابر دنیا بنا نهد».

پیشوای ششم حضرت امام صادق(ع) فرموده

داستان خون‌بار شیعه در ادبیات و شعر، فقط در مدح و رثای ائمه(ع) خلاصه نمی‌شود، بلکه به بیان فضایل علویان دیگر هم که در مبارزه با امویان، شریعت شهادت می‌نوشتیدند، پرداخته است.

است:

«هرکس درباره‌ی ما یک بیت شعر بسراید، خداوند به پاداش آن، خانه‌ای در بهشت برایش می‌سازد»^۳

توجه و عنایتی که در این‌گونه روایات، مکرر نقل شده به عبارت «فینا» است؛ یعنی درباره‌ی ما و در حق و شأن ما، بعد تعهد و حماسه، بدین ترتیب، جنبه‌ی حق‌گرایانه‌ی شعر را نشان می‌دهد که ارزش‌دهنده شعر و بیان ادبی است.

تجلیل شعری از ائمه(ع)، تجلیل و ستایش حق و

اسلام و عدالت و بیان مظلومیت‌های آنان است. مرثیه‌سرایی برای شهیدان اهل‌بیت(ع)، به طور ضمنی، مبارزه با ستم و خفقان حکام جور بوده، و آن‌چنان مقدس و ارزشمند است که هم‌تراز و هم‌پایه با عبادت، در ارزشمندترین لحظه‌ها و مکان‌های مقدس عبادت به حساب آمده و گوش کردن به آن عبادت است.

«کمیت»، در موسم حج و ایام تشریق، در «منی» خدمت امام صادق(ع) می‌رسد و از حضور امام اجازه می‌طلبد تا شعری را که سروده است، بخواند. امام می‌فرماید: «این ایام، ایام بزرگی است». (یعنی، شعر خواندن در این موقعیت عبادی و حساس، مناسب نیست).^۴ کمیت می‌گوید: شعر درباره شماست. امام می‌فرماید: بخوان.

چنین برخورد و اجازه‌گرفتنی را هم در «ایام‌البیض» با امام محمد باقر(ع) داشت و سروده‌ی خویش را درباره‌ی شهدای کربلا خواند و حاضران گریستند و امام محمد باقر(ع)، او را دعا کرد.^۵

سید حمیری، یکی از این مردان وارسته و مخلص اهل‌بیت(ع) و از شاعران نام‌آور، توانا، بلندپایه، چیره‌دست و پاکدل شیعه، و یادآور بزرگ حماسه‌ی عاشورا بود. هم‌چنین نزد امام صادق(ع) نیز منزلتی عظیم داشت و سروده‌های انقلابی و مرثیه‌های



سوزناک و پرمحتوایش از نفوذ، شهرت و قوت کم‌نظیری بهره‌مند بود. علامه امینی درباره‌ی ایشان می‌گوید:

«... از بسیاری از شاعران، در جدیت و دعوت به بنیاد استوار، پیشی گرفت و در ستایش عترت پاک پیامبر (ص)، فراوان شعر گفت. با ایثار جان و هستی، در راه تقویت روح ایمان در جامعه و احیای دل‌های مرده، با نشر فضائل «آل‌الله» و گسترش فضایل این خاندان و نکوهش و انتقاد از دشمنان‌شان، از دیگر شاعران، برتر و بالاتر گشت...» و به قول ابوالفرج اصفهانی، شعرهایش یا آمیخته به مدح بنی‌هاشم، یا بدگویی و انتقاد از دشمنان و مخالفان‌شان بود...»^۶

این نمونه‌ای از تولی و تبری در محتوای شعری اوست. البته تنها به مرحله‌ی قلبی و زبانی بسنده نمی‌کرد و این موقع، در عمل و رفتار اجتماعی و گسستن‌ها و پیوستن‌های او مشهور بود.

«دعبل» نیز یکی از این شاعران والامقام و بلندپایه است که سروده‌هایش، آوازه و شهرت و نفوذ خاصی داشت و مورد تکریم ثامن‌الائمه (ع) بود.

قصیده‌ی معروف «مدارس و آیات...» او، که در سوگ شهدای آل محمد (ع) و به خون خفتگان دشت کربلا و بیان فضایل اهل بیت (ع) است، یکی

از بهترین و زیباترین شعرهای اوست.^۷ در دیگر مسائل، به خصوص در مرثیه‌ی اباعبدالله (ع) و ستایش ائمه (ع)، شعرهای فراوانی دارد.^۸

روشن است که حرکت در چنین خطی و داشتن موضعی چنین متعهدانه، قاطع و صریح، برای شاعران گران تمام می‌شده است و زندگی سراسر سختی، فشار و هراس این‌گونه فرزنانگان و شعرای شیردل و بی‌باک، نشانگر این حقیقت است.

برای این سخن، نمونه‌های فراوان می‌توان یاد کرد. «کمیت بن زید»، شاعر معروف اهل بیت (ع) یکی از آنان است.

کمیت، به جهت قصیده‌ی بلندبالایی که در بعضی از ابیات آن به مدح بنی‌هاشم و سوگ «زید بن علی»، و پسرش یحیی بن زید پرداخته بود، شهرت یافت. وقتی گزارش این قصیده‌ی تعهدبار به «هشام بن عبدالملک» رسید، به والی آن روز کوفه، «خالد بن عبدالله قیسری» نامه نوشت و او را سوگند داد که دست و زبان کمیت را قطع کند... دیری نگذشت که کمیت، خانه‌ی خود را در محاصره‌ی نیروهای سواره‌ی والی دید. کمیت را دستگیر کردند و به زندان افکندند.^۹

می‌بینیم که داستان خون‌بار شیعه در ادبیات و شعر، فقط در مدح و رثای ائمه (ع) خلاصه نمی‌شود، بلکه

به بیان فضایل دیگر علویان هم که در مبارزه با امویان، شربت شهادت می‌نوشیدند، پرداخته است. نام و چهره‌ی کسانی هم چون «عبدی کوفی»، «سید رضی» و ده‌ها تن دیگر، در این رواق می‌درخشد و آثارشان، سرشار از لطافت، ظرافت و زیبایی و در سوگ شهیدان و مدح ائمه (ع) است.

پی‌نوشت

۱. ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، ص ۲۷۴
۲. وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۸، ح ۵
۳. وسائل‌الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۷، ح ۱. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۹۱
۴. الغدیر، ج ۲، ص ۱۹۲
۵. همان، ص ۲۰۲
۶. همان، ص ۲۴۰
۷. همان، ج ۲، ص ۳۵۰
۸. برخی از آن اشعار، در کتاب الغدیر، ج ۲، ص ۳۸۱ آمده است
۹. همان، ص ۱۹۵
۱۰. برای آشنایی با شعر و زندگی‌نامه‌ی این شاعران، به کتاب الغدیر، جلد‌های ۲، ۳ و ۴ مراجعه کنید



سفر به کوفه‌ی کوچک



هستند

پس از حضرت امام رضا (ع)، در میان فرزندان امام موسی بن جعفر (ع)، والاترین مقام علمی و اخلاقی، از آن حضرت فاطمه معصومه (س) است. نقل کرده‌اند که روزی در غیاب پدر بزرگوار خویش،

حضرت معصومه (س) پاسخ سؤالات شیعیانی را که برای دیدار امام خود و پرسیدن سؤالاتی به مدینه آمده بودند، نگاشته و به ایشان دادند. از قضا در بین راه آن‌ها با امام خویش مواجه شدند و ماجرا را تعریف کردند. امام (ع) با مطالعه پاسخ پرسش‌ها، سه بار فرمودند: «پدرش فدایش باد».

یکی از القاب آن حضرت، «معصومه» است. بر اساس پاره‌ای از روایات، این لقب توسط حضرت امام رضا (ع) به ایشان داده شده است. لقب دیگر ایشان «کریمه اهل بیت» است که بنا بر اظهارات مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی، این لقب از سوی حضرت امام صادق (ع) بر حضرت معصومه (س) اطلاق شده است.

القاب دیگر حضرت که در دو زیارت‌نامه غیر مشهور ایشان آمده عبارتند از: طاهره، رشیده، تقیه، رضیه، مرضیه، سیده صدیقه، سیده نساء العالمین، محدثه و عابده.

امکان ادامه راه به خراسان میسر نبود، ایشان فرمودند: مرا به شهر قم ببرید زیرا از پدرم شنیدم که می‌فرمود: شهر قم آشیانه آل پیامبر است.

وجود مزار شریف ایشان در قم، تا چه حد در تحول شهر و تبدیل آن به یک شهر مذهبی تأثیرگذار بود؟

همانگونه که در تاریخ قم مطرح شده، قم مرکزی بوده که شیعیان اهل بیت (ع) و اصحاب‌شان در این شهر فراوان بودند، به همین دلیل این شهر از جایگاه خاصی برخوردار بود. اما اعتبار اصلی و برجسته این شهر، وجود مزار شریف حضرت فاطمه معصومه (س) است که موجب گردیده «قم»، حرم اهل بیت (ع) شود.

حضرت امام صادق (ع) درباره این حرم مطهر می‌فرمایند: خداوند حرمی دارد که مکه است؛ و رسول خدا حرمی دارد و آن مدینه است؛ امیرالمؤمنین حرمی دارد که کوفه است و قم، کوفه کوچک است که از هشت درب بهشت، سه درب آن به قم باز می‌شود. زنی از فرزندان من از دنیا می‌رود که نامش فاطمه دختر موسی است و به شفاعت او همه شیعیان من وارد بهشت می‌شوند. حضرت امام جواد (ع) نیز می‌فرمایند: هرکس عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.

ضمن تشریح فضائل و مناقب آن حضرت، بفرمایید لقب «کریمه اهل بیت» از ناحیه چه کسی به حضرت معصومه (س) اطلاق شده است؟

شرافت خانوادگی، سرچشمه فضائل و کمالات معنوی و روحانی آن بزرگوار است. ایشان «دختر رسول خدا»، «دختر ولی خدا»، «خواهر ولی خدا» و «عمه ولی خدا»

گفت‌وگویی کوتاه با مجتهد الاسلامی موسوی‌هاوایی، معاون پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی

انگیزه حضرت معصومه (س) از سفر به ایران چه بود و آیا ایشان با این اقدام، هدف خاصی را دنبال می‌فرمودند یا سفر، تنها جنبه شخصی داشت؟

از جمله عواملی که انگیزه سفر حضرت فاطمه معصومه (س) را به ایران تشکیل می‌داد، شوق زیارت برادر خویش، حضرت امام رضا (ع)، انجام رسالت زینبی و ابلاغ پیام ولایت بود. در سال ۲۰۰ هجری قمری، در پی اصرار و تهدید مأمون عباسی، سفر تبعیدگونه حضرت امام رضا (ع) به مرو انجام شد و آن حضرت بدون آن که کسی از بستگان و اهل بیت خود را همراه ببرند، راهی خراسان شدند. یک سال بعد، خواهر والامقام ایشان حضرت فاطمه معصومه (س) به شوق دیدار برادر به همراه عده‌ای از برادران و برادرزادگان به طرف خراسان حرکت کردند. ایشان نیز همچون عمه بزرگوارشان حضرت زینب کبری (س)، پیام مظلومیت و غربت برادر خویش را به گوش مسلمانان و مؤمنان می‌رساندند. به همین علت، با رسیدن کاروان به شهر ساوه، عده‌ای از مخالفان اهل بیت (ع) با پشتیبانی مأموران حکومت، با همراهان حضرت وارد جنگ شدند. تقریباً همه مردان کاروان را به شهادت رساندند و حتی بنا بر قولی، حضرت معصومه (س) را نیز مسموم نمودند. بدین ترتیب، بر اثر غم و اندوه زیاد و یا مسمومیت، ایشان بیمار شدند و پس از مدتی بر اثر همین بیماری وفات یافتند.

علت انتقال حضرت به قم چه بود؟

حضرت معصومه (س) را بنا به فرمایش خودشان به شهر مقدس قم منتقل کردند. پس از بروز بیماری در شهر ساوه، دیگر





هنر وادبیات آئینہ



مرثیه‌ی سازها

همنشینی سنت و مدرنیته دکنسرت هلال کاروان

سال‌هاست که در کشور ما بین سنت و مدرنیته جدال است و هیچ یک نتوانسته آن دیگری را از میدان به در کند. ظهور این دو پهلوان در میدان، جامعه ما را به تلفیق دو قشر اجتماعی تبدیل نموده است، گروهی که دل در گرو سنت دارد و دیگری که دل داده تجدد شده‌اند، در این میان همیشه گروه‌هایی خواهان آشتی این دو بوده و هستند. این ناجیان جدال اجتماعی ما، برای دست یازیدن به آرمان خود حیل‌های فراوان افکنده‌اند و آزمون‌ها از سر نهاده‌اند. اما تلاش انبوهی از اینان، جز مضحکه کردن خود و سرگردانی گروهی چیزی به میان اینان ننهاده است.

مناسک آیینی یکی از جلوه‌های سنت در جوامع هستند. لذا آنان که می‌خواهند چهره سنتی این جامعه را مدرن نمایند، این آداب مذهبی را وسیله مناسبی برای تحقق اهداف خویش می‌یابند. به همین سبب بارها این رسومات سنتی از جهات مختلف بزرگ شده تا شاید در عین سنتی بودن، ما نیز مدرن شویم. استفاده از برخی تجهیزات در عزاداری‌ها از مصادیق این مدرنیزاسیون ظاهری می‌باشد که می‌توان استفاده از سازهای غربی و انواع سیستم‌های صوتی را به عنوان نمونه نام برد. ابزارآلات مدرن تنها رنگ و لعابی نیست که به

ارکستر هلال کاروان با اجرای نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران، گروه کر به رهبری رازمیک اوهانیان، و مداحان گروه نغمه‌سرایان عاشورایی به سرپرستی محمد سراج به آهنگسازی سعید ذهنی از تاریخ ۲۹ بهمن تا ۴ اسفند ۱۳۸۶ در تالار وحدت اجرا شد. سعید ذهنی آهنگساز این اثر که سرپرستی این ارکستر، اولین کار او در کسوت رهبر ارکستر می‌باشد، ۲۰ سال است که در حوزه موسیقی دراماتیک فعال است. اکثر برنامه‌هایی که او مشارکت داشته، دارای مضامین دینی و عاشورایی بوده است. طرح اجرای چنین کاری توسط مؤسسه فرهنگی فدک به سعید ذهنی پیشنهاد گردید و وی پس از مطالعه مستندات تاریخی اقدام به نوشتن این اثر نمود. مؤسسه فرهنگی فدک به طور تخصصی در حوزه تئاتر فعال است که در کارنامه خود تئاتر موفق خورشید کاروان با سابقه‌ای ۱۷ ساله را دارد. نکته خاص هلال کاروان، حضور قاری بین‌المللی قرآن، آقای فرید فیاض بود که در هنگام تلاوت، تعدادی از نوازندگان ویولن او را همراهی می‌کردند و همچنین استفاده از نوحه‌های قدیمی که توسط گروه نغمه‌سرایان عاشورایی به همراه گروه کر در این اجرا جلب توجه می‌نمود. در میان انبوه کسانی که از این کار دیدن کردند، از افرادی چون سرلشکر سید حسن فیروزآبادی، دکتر احمد توکلی، لطف‌الله فروزنده، الیاس نادران، لوریس چکناواریان، دکتر محمد اصفهانی، دکتر عبدالحسین مختاباد، مصطفی کمال پورتراب و حاج حسن خلج می‌توان نام برد.

تغییر شکل عزاداری‌های ما مدد می‌رساند، بلکه انواع سبک‌ها و روش‌های شعری و موسیقایی نیز دست در دست این آلات داده تا از دل این

ترکیب موسیقی ایرانی و عربی و کلاسیک غربی مواجه باشیم که داستان عاشورا را با زبان ساز برای همه با هر فرهنگ و زبانی روایت می‌نماید.



مؤسسه فدک با این کار ترکیبی، از خط آوازی کلاسیک در قالب گروه کر، که از چهار گروه صدایی سوپرانو، آلتو، تنور و باس تشکیل شده، و یک خط تک‌خوان آواز سنتی و ۹ نفر مداح، توانست یک کار نو در عرصه موسیقی آیینی ما به جامعه ارائه دهد تا در محرم امسال بر خلاف سال‌های گذشته که در ایام ماه‌های سوگواری سالن‌های موسیقی تعطیل می‌باشد هم موسیقی را به خدمت سنت‌های مذهبی به درستی درآورد و هم دو طیف متفاوت از مردم را در کنار هم به تالار وحدت بکشاند. دسته‌ای که تعلقات مذهبی دارد و کم‌تر گذرش به سالن کنسرت می‌افتد و حال در ایام عزاداری به تماشای کنسرت نشسته است و دسته دیگر که کم‌تر گذرش به هیأت‌ها برای شنیدن مداحی‌ها می‌افتد و حال در یک فضای مدرن و بر روی صندلی به شنیدن همان مرثیه‌ها نشسته است.

هرچند که در قبل از اجرا، طرح چنین موضوعاتی شاید نامعقول بنماید و آن را

در جرگه همان ترکیبات نامتجانس بنشانند، مانند قرار گرفتن یک مداح در بین انبوهی از سازها و در روی سن در کنار گروه کر و ... اما اقدامات اصولی که از طرف یک نهاد فرهنگی با آگاهی و برنامه‌ریزی صورت گیرد، نتیجه‌ای جز رشد و بالندگی فرهنگی به بار نخواهد آورد. معاونت فرهنگی وزارت ارشاد قبل از این طرح، دو برنامه دیگر در همین حوزه انجام داد، یکی «رسول عشق و امید» به رهبری آقای چکنواریان و یکی هم کار اخیر آقای مجید انتظامی بود که همه نشان از امکان اجرای برنامه‌های فرهنگی دارد که هم حاوی خواسته‌های جامعه کنونی و هم پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی و ایرانی ماست.

و حال انتظار می‌رود نهادهای مسئول ما در عین حال که برنامه‌های فرهنگی در جهت زدودن مناسک و آداب آیینی و سنتی ما از اضافاتی که بعضاً باعث استحاله و تهی شدن آن‌ها می‌شود، طرح و اجرا می‌کنند که البته باید با روش‌های فرهنگی صورت گیرد نه برخوردی بازدارنده اجتماعی به طرح و اجرای هر چه بیشتر برنامه‌هایی بپردازند که با تمایلات انسان امروزی همخوانی بیشتری داشته باشد تا با این ترفند بتوان در عین مقابله با هجوم آداب غیر بومی، به حفظ ارزش‌های دینی و ملی خود در یک بستر سالم بپردازیم.

سعید ذهنی در این موسیقی توصیفی به روایت داستان عاشورا، در ۵ قطعه با نام‌های قافله، حر، عطش، علمدار و وداع می‌پردازد. قطعه قافله، حکایت حج ناتمام امام حسین (ع) و ماجرای ترور ایشان و حرکت به سمت کوفه است که با صدای لیبیک که تداعی کننده فضای حج در سالن است، آغاز می‌شود و با رسیدن خبر مسلم بن عقیل پایان می‌پذیرد.

قطعه حر، داستان برخورد سپاه امام با لشکر ابن زیاد به فرماندهی حر بن یزید ریاحی است که در پایان حکایت آزادی حر را این بار نه از زبان مرثیه‌سرایان که از زبان آرشه ویولن سل و پنجه‌های نوازندگان سازهای مدرن می‌شنویم.

گروه کر در خط سوپرانو و آلتو، لالایی برای حضرت علی‌اصغر (ع) می‌خواند تا «عطش» اشک‌های مادران سالن را برای این کودک شش ماهه جاری کند و بعد موسیقی به نقاشی پرده رشادت قاسم به کمک سازهای بادی در مایه چهارگاه می‌پردازد تا فضای سالن رنگ حماسه به خود گیرد. حکایت سقای دشت کربلا در پرده چهارم با نام «علمدار» نقش می‌بندد و در پایان قطعه «وداع»، وداع جانگداز حضرت زینب (س) را با برادر و شهادت او را روایت می‌کند تا همه از این مجلس بهره تمام ببرند.

سنت چند صد ساله ما پدیده‌هایی مثل مداحی پاپ و شوهای مذهبی بیرون بیاورد.

اما در این میان همیشه کسانی ظهور می‌کنند که به جای استفاده‌های نابجا، همنشینی‌هایی را تدارک می‌بینند که رشد و بالندگی و فرهیختگی فرهنگ ما را نتیجه خواهد داد. اجرای کنسرت هلال کاروان، که با ابتکار مؤسسه فرهنگی فدک و با همکاری معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط سعید ذهنی ساخته شد یک نمونه موفق از هم‌آوایی سنت و تجدد بود که از تاریخ ۲۹ بهمن تا ۴ اسفندماه سال گذشته در تالار وحدت اجرا شد. این بار سازهای ارکستر سمفونیک به جای این که به خیابان‌ها بیایند و همراه سینه و زنجیرزان ما، نگه‌دار ریتم‌هایی باشند که سال‌هاست ضربان قلب‌های جوانان حسینی ما و هق‌هق پیران عزادار، به نیکی بوده است، میهمان مداحانی بودند که رفته‌اند تا به میزبان خویش بیاموزند که چگونه سازها نیز در عزای حسین مرثیه می‌سرایند.

کنسرت هلال کاروان یک پروگرام‌موزیک (موسیقی برنامه‌ای) متشکل از ۵۲ نوازنده سازهای کلاسیک غربی و ۳۵ نفر گروه کر، در کنار ۶ نوازنده دف و یک تک‌خوان آواز ایرانی و همراهی همه این‌ها با گروه ۹ نفره مداحان و یک قاری قرآن بود که باعث شد با کاری موسیقایی با



در این کار خانواده‌های مذهبی و غیر مذهبی ادغام شده بودند

گفتگو با آقای محمد منصور یونسی از جمع نغمه‌سرایان عاشورایی

شما که خود سهم بسزایی در تشکیل گروه «نغمه‌سرایان عاشورایی» دارید، چه تفاوت‌هایی را در فرم و محتوای کنسرت «هلال کاروان»، با نمونه‌های مشابه، برجسته می‌دانید؟

تفاوت این کار در این بود که اثر حاضر، تلفیق چند گروه و هنرمند بود به این معنا که از گروه ارکستر سمفونیک به عنوان نوازنده و آشنا به دستگاه موسیقی استفاده شد، و گروه دیگر مداحان بودند که تلفیق هر دو، کار زیبایی را نشان می‌داد و در کنار این، استفاده از قاری قرآن و بحث قرآن بود که تلفیق هر سه، این برنامه را از برنامه‌های دیگر متفاوت می‌کرد، به این معنا که اگر در برنامه‌های قبلی مثل خورشید کاروان، پنجره فولاد یا نمایش‌های دیگر عمدتاً خانواده‌های مذهبی شرکت می‌کردند، در این کار، خانواده‌های مذهبی و غیرمذهبی ادغام شده بودند. تفاوت دیگر که خود نوعی حسن است، این است که حرکت امام حسین (ع) نقطه اشتراک همه این نوازنده‌ها و مداحان بود. و قرائت قرآن نیز کاری نوین بود. این سه گروه (قاری قرآن، مداحان و نوازنده‌ها) که حدوداً یکصد نفر بودند، همه می‌خواستند یک کلام فریاد بزنند و آن هم امام حسین (ع) بود که زیبایی کار همین اشتراک و وحدت بین سه گروه بود.

چگونه به این نتیجه رسیدید که تلفیق مداحی و ارکستر موفق‌آمیز است؟

در هلال کاروان، هر کس از هنر و توانمندی خود در جایگاه خودش استفاده کرد و اگر هدف مشترکی باشد این کار زیبا می‌شود. بحث امام حسین (ع) یک بحث بین‌المللی است و فقط متعلق به مسلمانان و شیعیان نیست، بسیاری به امام حسین (ع) اعتقاد دارند و شاید مسلمان نباشند و ما به این اعتقاد داریم تمام موجودات برای امام حسین (ع) گریه می‌کنند و تسبیح خدا را می‌گویند و اگر با این دید به بحث امام حسین (ع) نگاه کنیم آلات موسیقی هم به نوعی برای امام حسین (ع) روضه می‌خوانند که کار زیبا و بدیعی بود. ما مخاطبین خارجی هم داشتیم که به دین اسلام مشرف شده بودند و با توجه به این که از زبان فارسی چیزی متوجه نمی‌شدند، ولی نوازندگی‌های گروه، ایشان را تحت تأثیر قرار می‌داد، چرا که زبان موسیقی زبانی جهانی است.

در راستای اعتلای پرچم حسینی باید از هر وسیله مناسب استفاده نمود

گفتگو با آقای حمید فرجی یکی از مداحان حاضر در کنسرت هلال کاروان و یکی از شاعران این اثر

• بازتاب حضور شما و نوع رابطه جنابعالی با همکاران و مداحان در ارکستر سمفونیک چگونه بود؟

– دو بازتاب کلی داشت. نخست، یکی از دوستانم که یکی از بزرگترین شاعران مذهبی محسوب می‌شود، این کار را دیده بود و بسیار استقبال کرد. من شاهد بودم که دیدگاه منفی وجود نداشت و انعکاس این کنسرت در بین دوستان بسیار مثبت بود. در ابتدا دوستان مذهبی و مداحان و حتی خانواده‌ام به این قضیه تن در نمی‌دادند که موسیقی با مداحی ادغام شود ولی وقتی کار را دیدند خیلی مثبت به این قضیه نگاه کردند، حتی افراد خانواده من پنج بار آمدند و این کار را دیدند و خیلی ابراز علاقه کردند.

• ابتدا که این پیشنهاد مطرح شد، تعجب نکردید موسیقی و مداحی به چه صورت می‌توانند ادغام شوند؟

– نخست با آقای سراج برای شنیدن موضوع و اشعار خدمت آقای فرضی رسیدیم و واقعا تعجب کردم، اما وقتی که کار را شنیدم اصلا یک چیز دیگری بود و در هنگام شنیدن، همه ابهامات برطرف شد. حتی در قطعه حضرت علی اصغر که لطف سیدالشهداء (ع) بود. من شعرش را گفتم و یادم هست که ما اول موسیقی را شنیدیم. گفتند چنین شعری می‌خواستیم و من گفتم موسیقی را بشنوم و بعد دقیقا دو سه دفعه این قطعه را گوش دادم دقیقا خود این قطعه رهنمون شعر شد.

• چگونه به این نتیجه رسیدید که تلفیق مداحی و ارکستر موفق‌آمیز بوده است؟

– ما در پی رسالت‌مان هستیم. اعتقاد من این است که خواننده در راستای اعتلای پرچمی به نام پرچم عزای سیدالشهداء باید قدم بردارد و اگر قرار است در راستای اعتلای این پرچم قدم بردارد باید از همه وسایل در راستای این اهداف استفاده کند و این کار با توجه به این که قشر خاصی از مردم را بر وادی روضه سیدالشهداء کشاند و به سالن آورد و قشر موسیقی‌دان را کاملا با روضه سیدالشهداء واقف کرد قابل توجه بود تا حدی که پر شدن طبقه‌های دوم و سوم سالن تالار وحدت کم سابقه بود.



• ده قطعه موسیقی عاشورایی تولید شد

با برنامه‌ریزی صورت گرفته در مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما، ده قطعه جدید موسیقایی تولید شد.

در تولید این آثار از اشعار بزرگانی چون مشفق کاشانی، سهیل محمودی، علیرضا قزوه، محمد ضیاء قاسمی استفاده شده است.

سوگ حسین، علمدار کربلا، خاک شهیدان، ناله‌های نینوا به خوانندگی سعید خوانساری و آهنگسازی بهنام خدارحمی به ترتیب بر اساس اشعاری از علیرضا قزوه، مشفق کاشانی، دکتر فؤاد کرمانی و عباس سجادی؛ زلال کوثر با ساختار آکاپلا با خوانندگی گروه کر به آهنگسازی علی تفرشی و شعر سهیل محمودی؛ دو بال سرخ به آهنگسازی شهریار فریوسفی و شعری از محمد ضیاء قاسمی؛ قطعه زنجیر ناله به خوانندگی نادر اسماعیل‌زاده و آهنگسازی حسن فراهانی و شعر حسن قدرت‌آبادی، و اثر شب عاشورایی به آهنگسازی میلاد موحدی از جمله تولیدات جدید مرکز موسیقی و سرود صدا و سیما هستند.

• در جشنواره تئاتر فجر محسن نامجو با قطعه عاشورایی آمد

جدیدترین قطعه محسن نامجو با مضمون عاشورا برای جشنواره بیست و ششم تئاتر فجر تنظیم و آماده شد.

این قطعه که با نگرشی جدید به مضمون عاشورا و با نگاهی ترازیک در سال ۱۳۷۵ ساخته شده بود، برای پخش در بخشی از نمایش «سمفونی بیداری» در بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر، با مشارکت «محسن نامجو» و «علی جافری» به صورت مجدد تنظیم شد.

شعر و ملودی این آهنگ متعلق به نامجوست و او این قطعه را پس از ده سال مجدداً با تنظیم جدیدی آماده کرده است.

می‌توان به آن داد. هم «نینوا» ست هم «نوا» نی»، و هم قطعه‌ای که این نی می‌نوازد در دستگاه نواست. به همین جهت نینوا یک قطعه ملی شد و هر کس با هر عقیده‌ای با این قطعه ارتباط برقرار کرد.

وی ادامه داد: من دوستان بسیار زیادی با عقاید مختلف با این قطعه پیدا کردم و خود نیز مدیون قطعه نینوا هستم که در یک زمانی در ذهن من اتفاق افتاد. زمانی که من شاهد آن بودم که جنگ شروع شده بود و همه داشتند در زمینه موسیقی برداشت خودشان را می‌کردند. در آن زمان مسئولان موسیقی از من خواستند که در مورد اتفاقاتی که در جنگ افتاده قطعه بسازم. من گفتم اولاً نمی‌توانم کار سفارشی بسازم چرا که باید با حس خودم به وجود بیايد و ضمن این که هر کسی جنگ را یک جور می‌بیند. نمی‌گویم که این قطعه را برای جنگ ساختم ولی در شرایطی بود که در جنگ زندگی می‌کردیم. یادم هست یک بار یک نفر از من پرسید که نینوا چه رنگی است؟ گفتم یک افق تیره‌ای است که رنگ قرمز غالب است؛ چرا که ساخت این قطعه در نگاهم به افق در یک غروب اتفاق افتاد. البته اولین جلد نینوا با طرحی از رضا درخشانی به همین رنگ چاپ شد.

وی در خصوص مدت زمان ساخت این قطعه گفت: نوشتنش چیزی حدود دو سال طول کشید، اما ایده‌اش ۵-۴ ماه. ولی ایده کلی‌تر آن به سال ۵۶ برمی‌گردد. من در آن سال یک طرح اولیه از دستگاه نوا داشتم که در حافظه اجرا شد و چیدمان و فانتزی این جریان به سال‌های ۵۶-۵۵ برمی‌گردد که کم‌کم این ایده را برایم آورد. تمام هنرمندان یک اثر می‌سازند و دائم این را با روایت‌های دیگر بیان می‌کنند. من هم دائم با شکل‌ها و شیوه‌های مختلف در تکنوازی‌هایم و کارهای گروهی‌ام این ایده را داشتم.

علیزاده ادامه داد: نینوا هم نتیجه و فکرهای اولیه‌اش از ۲۳-۲۴ سالگی شکل گرفت و من در ۳۲ سالگی آن را نوشتم.

• روایت ساخت قطعه «نینوا» از زبان «حسین علیزاده»

محبوبیت قطعه «نینوا» در زمان انتشارش فروش بالایی را برای آن رقم زد، که برای یک آلبوم موسیقی در ایران بعد از انقلاب تا آن زمان بی‌سابقه بود. برخی کارشناسان میزان محبوبیت این قطعه را با قطعه «ای ایران» روح الله خالقی برابر دانسته‌اند. حسین علیزاده، آهنگساز و نوازنده چیره‌دست تار، در یادآوری چگونگی ساخت قطعه مشهور «نینوا» گفت:

من بچه خیابان خیام هستم و یکی از سرگرمی‌های ما بچه‌ها در آن موقع راه‌اندازی دسته بود. من

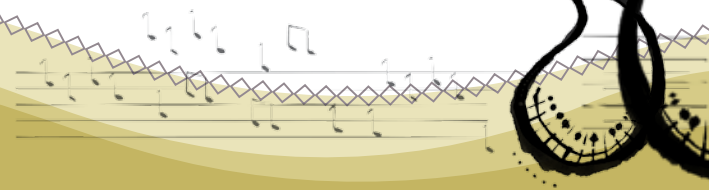


نمی‌خواهم تبلیغ وابستگی مذهبی کنم ولی همیشه اسمم را دوست داشتم و از آن جایی که من در روز عاشورا متولد شده‌ام، مادرم اسمم را حسین گذاشته و «علی‌زاده» هم هستم!

من از موضع یک متخصص موسیقی می‌گویم که با نینوا بیشتر، بعد از انقلاب و اول انقلاب آشنا شدم و برایم اسم بسیار زیبایی بود. خیلی‌ها تفاسیر مختلفی راجع به نینوا کردند و این قطعه را برای خودشان دانستند.

وی افزود: نینوا آن واژه‌ای است که ما همه حس‌ها را می‌توانیم درباره آن داشته باشیم. اگر می‌خواهند موضوع و حس مبارزه امام حسین(ع) را به آن اطلاق کنند، من افتخار می‌کنم.

این آهنگساز در خصوص این که برخی این قطعه را به جای نینوا، «نی‌نوا» اطلاق می‌کنند، اظهار داشت: «نینوا» اسم زیبایی است که یک معنای چند بعدی





[قافله غربت]

نگاهی به فیلم موکب الابرار گردانی باسل الخطیب

ساخت آن از مؤسسات و علمای کشورهای اسلامی لبنان، سوریه، مصر و ایران مجوز گرفته شده است.

منابع و مصادر جهت تهیه فیلم نامه‌ی این فیلم عبارتند از:

- اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابن اثیر
- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر
- لهوف فی قتلی الطفوف، سید بن طاووس
- الفتوح، ابن اعثم
- المقتل، ابن مخنف
- الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی
- مثیر الاحزان، ابن نما
- الطبقات الکبری، ابن سعد
- بحار الانوار، علامه مجلسی
- معجم البلدان، یاقوت حموی
- مقتل الحسین، مقرر
- تاریخ طبری، طبری
- نفس المهموم، شیخ عباس قمی
- الحقائق، عبدالحسین شرف الدین

الخطیب وجود دارد، هیچ‌گاه در میان اعراب وجود نداشته است. این فیلم بیانگر و نشان دهنده‌ی مصائبی است که پس از واقعه‌ی خونبار عاشورا در سال ۶۱ هـ. ق توسط عمال و حاکمان اموی بر کاروان اسرا و کودکان و کسانی که از حادثه جان سالم به در برده‌اند، گذشته است حضور بازیگر هنرمند و توانمند مثل آقای سلوم حداد قابل توجه و در این میان ایفاگر نقش حساس حضرت زینب (س) فراموش ناشدنی است. چرا که او با پایداری و استقامت خویش در برابر آن مصائب، اثبات کرد که شهادت امام حسین (ع) به حق و در راه اصلاح امت جدش بوده است.

این فیلم توسط مؤسسه‌ی دولتی ساخت و توزیع فیلم‌های سینمایی بیروت ساخته شده و برای

اشاره: محرم سال گذشته شاهد پخش فیلم قافله غربت از تلویزیون کشورمان بودیم که از لحاظ محتوا و کیفیت پرداخت به موضوع عاشورا و امام حسین (ع)، تا پیش از این نظیری نداشت. پخش این فیلم که محصول کشور لبنان است و سفر اسرای کربلا به شام را روایت می‌کند، واکنش‌های متعددی را در پی داشت. در ادامه ترجمه یکی از این واکنش‌ها که در پایگاه اینترنتی annabaa.org و به قلم نزار احمد منتشر شده است، می‌آید.

نظیر چنین اتحادی که امروز در ساخت فیلم موکب الابرار توسط کارگردان سوری آقای باسل

– معالی السبطين، مازندرانی

در اخبار آمده بود که شبکه‌های ماهواره‌ای عرب‌زبان از پخش این فیلم سر باز زده‌اند و کشور عربستان سعودی نیز مبالغ فراوانی را صرف کرد تا از پخش آن در شبکه‌های عربی جلوگیری کند و با توجه به این که در محتوای فیلم خلاف واقعیت و حقیقت وجود نداشت، و آن چه در آن یافت می‌شد، با سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) که به محبت اهل بیت (ع) تشویق و توصیه نموده، هماهنگی داشت، جای این سؤال باقی است که امتناع کشور عربستان سعودی و شبکه‌های ماهواره‌ای عرب‌زبان از پخش فیلم به چه منظوری و با چه اهدافی صورت می‌گیرد؟

بررسی فیلم موکب‌الاباء نشان می‌دهد برای چنین موضع‌گیری‌هایی دو علت وجود دارد. اول این که در فیلم، مسئول مستقیم گناه کشته شدن امام حسین (ع) یزید بن معاویه معرفی می‌شود و این همان حقیقتی است که رهبران گمراهی و ضلالت از همان آغازین روزهای عاشورای سال ۶۱ هجری تا کنون تلاش کرده‌اند با هر وسیله‌ای آن را تحریف کنند و یا حتی آن را محو نمایند. زمانی با ایجاد رعب و ترساندن و زمانی نیز با تطمیع و اگر کسی به پایگاه‌های اینترنتی مخصوصاً سایت‌هایی که صاحبان و اداره کنندگان آن ناصبی هستند، دقت کند، در می‌یابد که آن‌ها سعی می‌کنند شخص یزید بن معاویه را از خون امام حسین (ع) بری نشان دهند. به این منظور است که گاهی اوقات والی کوفه یعنی عبیدالله بن زیاد را متهم می‌کنند و بار دیگر شمر بن ذی‌الجوشن را. تا می‌رسد به جایی که یهودیان و مسیحیان و آسمان و زمین و آب و هوا را مسئول اصلی قتل امام حسین (ع) می‌شمرند. گویی هیچ چیزی در رابطه با خون امام حسین (ع) بر گردن یزید نیست.

اما این فیلم دست روی نقاطی گذاشته و قاتل و

مجرم و جانی را با انگشت مشخص نموده است؛ بدون هیچ کنایه و تردیدی. حال آن که واعظان درباری همه هم و غم‌شان فقط توجیه اعمال حاکمان بوده است و مصلحت را در این نمی‌دیدند دستگاه اموی را متهم به ارتکاب چنین جرائمی کنند، پس چگونه یزید پسر امیرالمؤمنین معاویه بن ابی‌سفیان را متهم کنند؟ و این همان روشی است که امروزه خانواده حاکمان در کشورهای عربی و مسلمان از آن پیروی می‌کنند. زیرا با اعتراف به حقیقت، قبل از هر چیز آبروی خود را برده‌اند و قبل از دیگران بر فاسد بودن خود صحنه گذاشته‌اند.

دوم این که این فیلم اولین کار هنری است که از زمان رسول خدا (ص) تا به امروز دربارهی عترت رسول خدا (ص) صحبت کرده است. تقریباً در تمامی فیلم‌هایی که تاکنون از شبکه‌های مختلف پخش شده، تنها از یک طرف قضیه آن هم حاکمان و به عنوان حاکم اسلامی یاد شده تا جایی که نزدیک بود مردم فراموش کنند که در تاریخ اسلام غیر از حاکمان و دربار، بعد دیگری نیز وجود دارد و آن هم اهل بیت (ع) هستند که نمونه‌ی اسلام حقیقی‌اند. همان‌هایی که سلام خدا بر آن‌هاست و نمونه‌ی کامل طهارت و التزام و ایمان به خدای متعال و تخلق به اخلاق و ویژگی‌های رسول اسلام (ص) هستند.

آن‌ها (دستگاه ناصبی) از این که مردم از بعد دیگر ماجرا آگاهی پیدا کنند، هراس دارند و می‌خواهند ملت‌ها را در نادانی نگه دارند تا هر آن‌چه حاکمان و مسئولین امنیتی حکومت‌های پادشاهی استبدادی در نظر دارند به مردم بخوراند و سعی می‌کنند سیاست سرپوش گذاشتن بر واقعیات را صبح و شام اجرا کنند تا حقیقت از زیر پرده‌های سیاست آن‌ها خود را به مردم نشان ندهد. در واقع این‌ها همان روش را در پیش گرفته و دنبال می‌کنند که دستگاه اموی در قبال احادیث نبوی

درباره‌ی حضرت علی (ع) انجام دادند. شروع به جعل احادیثی نمودند که سخن از مناقب معاویه و فرزندان ابوسفیان و هند می‌کرد.

فیلم با اشاره به این موضوع که اعراب، انسان‌های متعصبی هستند تصریح می‌کند که تلاش‌های پنهانی در جهت مخفی نگه داشتن حقیقت هیچ ثمری نخواهد داشت و آن‌ها هرگز نخواهند توانست که نور خدا را خاموش کنند، زیرا خداوند متعال همیشه به دنبال روشن نگاه داشتن نور حقیقت است اگرچه که پیروان ابی‌سفیان مانع آن شوند.

در بخشی از فیلم آن‌جایی که یزید در مجلس شام بر لب و دندان اباعبدالله (ع) می‌زد، حضرت زینب (س) فرمود: ای یزید! اکنون که به گمان خویش راه‌های زمین و آسمان را بر ما بستی و ما را همانند اسیران میگردانی، می‌پنداری که خدا ما را خوار و ذلیل ساخته و تو را عزیز گردانیده است؟ و این به خاطر آبروی تو نزد خداست؟ ... آرام! آرام! مزین [بر لب و دندان برادرش]. سپس ادامه داد: نیرنگت را به کار انداز، هرچه در توان داری انجام ده، به خدا قسم نام و وحی ما را محو نتوانی کرد و به جایگاه واقعی ما نخواهی رسید و ننگ این خیانت و ظلم را نتوانی شست، روزهای سلطنت کوتاه است و اطرافیان پراکنده خواهند شد.

شکسته شدن حصار که اموی‌ها در اطراف داستان امام حسین (ع) کشیده‌اند، باعث خوشحالی است و برای تمام انسان‌هایی که دوستدار دانستن و شناساندن حقیقت هستند، لازم است با تکثیر و توزیع این فیلم و همچنین با استفاده از سایت‌های اینترنتی و سایت‌های گفتگو، حقیقتی را که ائمه‌ی کفر و گمراهی سال‌ها سعی در محو آن دارند را گسترش دهند. و خوشا به حال کارگردان فیلم و دست اندر کاران آن که به واقع امام حسین (ع) را یاری کرده‌اند و خداوند اجر آن‌ها را به بهترین وجه خواهد داد.



راه طی شده

سینما، سینما، عاشورا

فیلمی که سال‌هاست به عنوان یک فیلم تأثیرگذار در ایام محرم، روانه آنتن می‌شود. خلاصه داستان: «عبدالله» جوانی نصرانی که تازه اسلام آورده است، در جریان عروسی خود با «راحله» دختر «زید» ندائی می‌شنود که او را به یاری فرا می‌خواند. «عبدالله» به دنبال این ندا بیابان به بیابان و واحه به واحه تا کربلا می‌تازد و سرانجام در عصر روز عاشورا به کربلا می‌رسد.

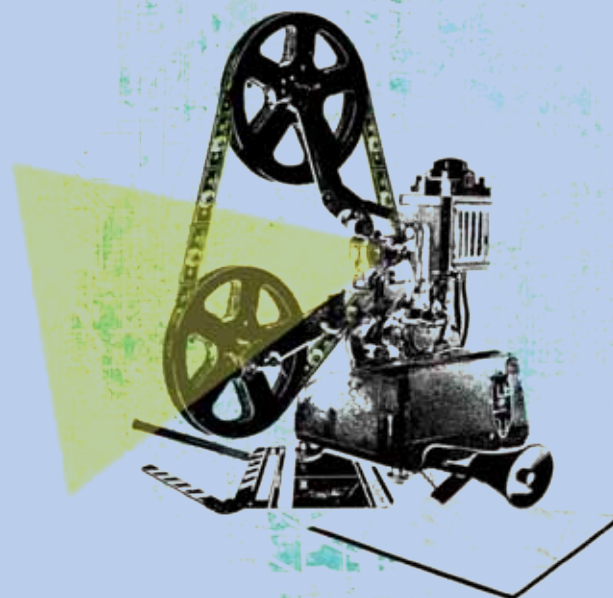
«روز رستاخیز»، احمد رضا درویش
پروژه عظیمی که «احمد رضا درویش» در صدد است تا سال آینده آن را جلوی دوربین ببرد. این پروژه، پیرامون واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) است و از مرگ معاویه تا قیام امام حسین (ع) را روایت می‌کند.

«بازرس ویژه»، منصور تهرانی
این فیلم را «منصور تهرانی» در سال ۱۳۶۰ با بازی فرامرز قریبیان، داوود رشیدی و... ساخت. خلاصه داستان: کارگران یک معدن ذغال سنگ در زیر فشار زورگوئی‌های کارفرما و مباشر معدن جان به لب شده‌اند. اینک از میان کارگران شخصی برای مبارزه با زورگوئی‌ها قد افراشته است. او به مناسبت فرا رسیدن عاشورا، دیگر معدنچیان را دور خود جمع کرده و آنها را ترغیب به مبارزه می‌کند. او تصور می‌کند اگر کارفرما و مباشر نباشند، اثری از ظلم نیز نخواهد بود، به همین جهت امید خود را به بازرس ویژه‌ای بسته است که از سوی سازمان

«سفیر»، فریبرز صالح
«سفیر» در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب به کارگردانی «فریبرز صالح» و با بازی «فرامرز قریبیان»، «عزت‌الله مقبلی» و... ساخته شد و تا مدتها به عنوان یکی از فیلم‌های مناسبتی در سینماها و تلویزیون به نمایش درمی‌آمد. خلاصه داستان: قیس ابن مسهر، نماینده امام، با نامه‌ای برای سلیمان خزاعی به طرف کوفه می‌رود. در راه به دست راهداران ابن زیاد، والی کوفه، دستگیر و به زندان افکنده می‌شود. قیس پیش از دستگیری نامه را از بین می‌برد و در زندان زندانیان را بر ضد زندانبان‌ها می‌شوراند. حصین ابن نمیر، فرمانده راهداران، قیس را به زندان ابن زیاد در کوفه، منتقل می‌کند. ابن زیاد به پیشنهاد مشاورش، خالد، از قیس می‌خواهد که در مسجد سخنرانی کند و به دروغ به مردم بگوید که امام قصد بیعت با یزید را دارد. قیس می‌پذیرد، اما در روز موعود علیه یزید سخنرانی می‌کند. ابن زیاد، که به خشم آمده، او را از فراز ارک به زیر می‌اندازد.

«روز واقعه»، شهرام اسدی
مشهورترین فیلم درباره قیام عاشورا که مستقیماً به روز عاشورا می‌پردازد. این فیلم را «شهرام اسدی» بر اساس نوشته «بهرام بیضایی» در سال ۱۳۷۳ با بازی «علیرضا شجاع‌نوری»، «لادن مستوفی» و... ساخت.

اشاره: با وجود گذشت نزدیک به سه دهه از سینمای پس از انقلاب اسلامی و علی‌رغم ثبت فیلم‌هایی در راستای سینمای عاشورا، هنوز سینماگران ایرانی نتوانسته‌اند به لحاظ کمی و کیفی از حماسه کربلا آثار درخشانی پدید آورند. مروری بر برخی از آثار شاخص ساخته شده در زمینه ماه محرم و شهادت امام حسین (ع) و یارانش، شاید بتواند نشان‌دهنده این باشد که رویکرد سینماگران ایرانی به واقعه عاشورا و تصویر سینمای عاشورا چگونه بوده است...





بازرسی شاهنشاهی به منطقه اعزام خواهد شد. بعد از آمدن بازرس، او به واقعیات پی می‌برد و راه جدیدی از مبارزه را برمی‌گزیند.

«شب دهم»، جمال شورجه

او این فیلم را در سال ۱۳۶۸ با بازی جهانبخش سلطانی، ولی شیراندازی و ... ساخت. خلاصه داستان: عزیز سحرخیز، در شب دهم ماه محرم پس از درگیری خیابانی عزاداران با مأموران ارتش، که برای حمایت از چند آمریکایی مست به خیابان آمده‌اند، از مهلکه می‌گریزد و همسرش را تنها رها می‌کند. او تا سال‌ها بعد از حرکت خود احساس پشیمانی و حقارت می‌کند و موفق نمی‌شود فرزندش را، که شانزده ساله شده، از زیر تأثیر برادر همسرش، نایب، که عزاداران شب دهم ماه محرم را رهبری می‌کرده، خارج کند. پسر او به جبهه جنگ می‌رود و عزیز به دنبال پسر روانه‌ی جبهه جنگ می‌شود، اما در راه بر اثر موج انفجار دچار فراموشی می‌شود و پس از بهبودی خود را در موقعیت متفاوتی می‌بیند.

«به خاطر هانیه»، کیومرث پوراحمد

از فیلم‌های تأثیرگذاری که توسط «کیومرث پوراحمد» و در سال ۱۳۷۳ ساخته شد. خلاصه داستان: ناخدا علو با چهارده مرد دیگر برای صید به دریا می‌روند ولی همه به جز ناخدا صید دریا می‌شوند و مردم ناخدا را مسبب مرگ عزیزانشان می‌دانند و به او و خانواده‌اش حمله می‌کنند و در این بین دختر خردسال ناخدا فلج می‌شود، ناخدا و خانواده‌اش تنگ را ترک می‌کنند و به بوشهر می‌روند. ناخدا علو نذر کرده که شب دهم محرم تا صبح دمام بزند تا هانیه شفا یابد اما مرگ امانش نمی‌دهد. پس از ناخدا پسر او تصمیم می‌گیرد ...

«بال‌های سپید»، مهدی هاشمی، ناصر هاشمی

در سال ۱۳۷۷ مهدی هاشمی و ناصر هاشمی در اولین ساخته خود به سراغ فیلمی برای نوجوانان با مضمونی عاشورایی رفتند و به موفقیت نسبی دست یافتند.

خلاصه داستان: تعدادی از دانشجویان رشته بازیگری به دیدن یکی از استادان رشته تعزیه‌خوانی می‌روند. استاد در این دیدار ماجرای نوجوانی به نام مراد را برای دانشجویان اینطور نقل می‌کند که مراد نوجوانی بوده که بسیار به شبیه‌خوانی

در مراسم عزاداری امام حسین (ع) علاقه داشته و همیشه آرزو داشته که در این مراسم در نقش حضرت قاسم (س) ظاهر شود. سرانجام موقعیتی به وجود می‌آید تا مراد بتواند ایفای نقش کند. او برای این که بهتر بتواند نقش خود را بازی کند، تصمیم می‌گیرد که خود را در شرایط یاران امام حسین (ع) در روز عاشورا قرار دهد

«راه طی شده» عباس رافعی

«عباس رافعی» در سال ۱۳۸۴ فیلم «راه طی شده» را با رویکردی داستانی نسبت به تعزیه ساخت. خلاصه داستان: یک گروه فرانسوی به منظور انتخاب نمایش تعزیه برای جشنواره «اوپینیون» و ساخت فیلم مستندی از مراحل آماده‌سازی و اجرای تعزیه به ایران می‌آیند. حضور این گروه موجب بروز ماجراهایی میان شبیه‌پوشان و شبیه‌گردانان تعزیه می‌شود، به گونه‌ای که تعزیه را تا مرز تعطیلی پیش می‌برد.

«عصر روز دهم»، مجتبی راعی

پروژه‌ای که با درگذشت «رسول ملاقلی‌پور» ناتمام ماند و «مجتبی راعی» درصدد است تا در سال ۸۷ آن را جلوی دوربین ببرد.

خلاصه داستان: محمد که در چهار سالگی با مادرش شاهد اشغال خرمشهر بوده است، این خاطره تلخ را از یاد نمی‌برد که یک سرباز عراقی، خواهر نوزاد او را با خود برد. ۲۵ سال بعد محمد که خبرنگار و مستندساز است برای انجام مأموریتی عازم عراق می‌شود و ...

معصومیت از دست رفته، داود میرباقری

داود میرباقری در معصومیت از دست رفته توانسته مفاهیم و مضامین معنوی که در فرهنگ شیعه و قیام عاشورا وجود دارد، در دل داستانی جذاب

مطرح کند. تم عاشقانه داستان به جذابیت مجموعه کمک کرده است.

باران عشق

مجموعه‌ی اپیزودیک باران عشق از داستان‌هایی تشکیل شده که یک حلقه اتصال دارند. امام حسین (ع) و عاشورا خط مشترکی است که در این قصه‌های مستقل تکرار شده است.

باران عشق از معدود مجموعه‌های غیر تاریخی است که بدون افتادن در ورطه شعارزدگی، مفاهیم و معانی فرهنگ عاشورایی را ترویج می‌دهد و از ماجرای شهادت امام حسین (ع) به عنوان یک عنصر معنوی در کل اثر استفاده می‌کند.

روزهای اعتراض، حسین سهیلی‌زاده

روزهای اعتراض ساخته حسین سهیلی‌زاده دیگر مجموعه‌ای است که رخدادهای تاریخ معاصر را به ماجرای عاشورا پیوند می‌زند. در واقع در این مجموعه کوشیده شده مقاومت مردمی در برابر رژیم پهلوی در سال‌های دور در تداوم مسیر نهضت عاشورا به تصویر کشیده شود. به همین خاطر است که ماجراهای سریال در ایام محرم می‌گذرد.

شب دهم، حسن فتحی

حسن فتحی در شب دهم موفق شده علایق و دل‌مشغولی‌هایش درباره گذشته و روزگار سپری شده را با ماجرای عاشورا پیوند بزند. شخصیت‌های مجموعه و فضای آن شبیه دیگر مجموعه‌های این کارگردان است. اما شب دهم نسبت به مجموعه‌های دیگر فتحی جنبه‌های مذهبی و دینی پررنگ‌تری دارد. امتیاز مهم این مجموعه نشان دادن پیوندی است که بین فرهنگ ایرانی و قیام عاشورا وجود دارد.

و فیلم‌های دیگر ...



• ادامه فیلمبرداری مستند «شش گوشه عرش» در اصفهان و قم

مستند «شش گوشه عرش» به کارگردانی «رضا میرکریمی» راجع به مراحل مختلف ساخت ضریح جدید حضرت امام حسین(ع) است.

به گزارش خیمه، تهیه کننده این مستند گفت: با ساخته شدن ضریح بارگاه امام حسین(ع) به وسیله هنرمندان اصفهانی، سیدرضا میرکریمی قبول کرد فیلم نیمه کاره ملاقلی پور را ادامه دهد.

منوچهر محمدی افزود: مستند «شش گوشه عرش» راجع به مراحل مختلف ساخت ضریح جدید حضرت امام حسین(ع) است و ما در این مستند، از مرحله طراحی اولیه تا نصب نهایی این ضریح در کربلا را به تصویر خواهیم کشید. وی گفت: دو هفته پیش مرحله ارائه طرح‌های اولیه توسط استاد فرشچیان فیلمبرداری شد و اگر طرح‌های ایشان مورد قبول مسئولان ساخت ضریح مقدس حضرت امام حسین(ع) قرار بگیرد، مرحله بعدی فیلمبرداری، از آماده‌سازی کارگاه‌های ساخت ضریح در اصفهان و قم خواهد بود. محمدی افزود: ساخت مستند «شش گوشه عرش» ادامه دارد و تا دو سال آینده ادامه خواهد داشت.

وی ادامه داد: برآورد انجام شده برای ساخت و نصب این ضریح، دو سال است که پس از پایان آن و با نصب این ضریح، ساخت فیلم مستند «شش گوشه عرش» نیز به پایان خواهد رسید. «شش گوشه عرش» مستندی است که مرحوم رسول ملاقلی‌پور در صدد ساخت آن بود. وی سال گذشته در سفر خود به کربلای معلی برای تدارک مقدمات تولید فیلم «عصر روز دهم»، بخش‌هایی از مستند «شش گوشه عرش» را جلوی دوربین برد.

او در سفر خود به کربلا متوجه شده بود که هنرمندان برجسته اصفهانی در آن‌جا مشغول طراحی ضریح مقدس حضرت امام حسین(ع) هستند و آن مقطع دو شب حضور ملاقلی پور در کنار این هنرمندان به بخش‌هایی از این فیلم مستند بدل شد. وی قرار بود بخش دیگری از تصویربرداری این فیلم مستند را در اصفهان انجام دهد که اجل مهلتش نداد و میرکریمی ادامه ساخت آن را بر عهده گرفت.

• رئیس‌ان تاریخ حسینی‌ها را به جشنواره سینما حقیقت می‌برد

فیلم مستند «حسینی‌ها» ساخته علیرضا رئیس‌ان با تصویری متفاوت از آیین‌های عزاداری در جشنواره سینما حقیقت به نمایش درمی‌آید. این فیلم چهل دقیقه‌ای، تاریخچه حسینی‌ها به عنوان مکان عزاداری امام حسین(ع) را نمایش می‌دهد. رئیس‌ان به مشکلات تولید این مستند اشاره کرد و افزود: با وجود این که ساخت «حسینی‌ها» برایم دشوار بود اما به لحاظ علایق شخصی به مراسم عزاداری سید الشهدا(ع) در ماه محرم، ساخت این اثر را شروع کردم. کارگردان این مستند با بیان این که مستند «حسینی‌ها» را بر اساس اعتقادات شخصی ساختم افزود: این فیلم چهل دقیقه‌ای، تاریخچه حسینی‌ها به عنوان مکان عزاداری امام حسین(ع) را نمایش می‌دهد.

رئیس‌ان گفت: هفت حسینی در تهران به عنوان الگو انتخاب شده که قدیمی‌ترین آن‌ها تکیه دولت بوده که در زمان قاجار تخریب شده و حسینی سادات اخوی، امیر سلیمانی، کربلایی‌ها، نیاوران، لواسان، حسینی ارشاد و دو حسینی در بازار تجریش، دیگر مکان‌های نمایشی در این مستند هستند. وی افزود: فیلمبرداری مستند «حسینی‌ها» از سال گذشته اواسط تابستان در ماه محرم آغاز شد و تا اربعین طول کشید و امسال نیز کار مونتاژ و مراحل تکمیلی آن به پایان رسید. رئیس‌ان همچنین نداشتن گفتار متن (نریشن) و بهره‌گیری از صدا و تصویر در معرفی اماکن و آیین‌ها را از ویژگی‌های مستند حسینی‌ها به عنوان نخستین اثر تصویری در حوزه مستندسازی برشمرد. وی تاکید کرد: این فیلم تصویری متفاوت از آیین‌های عزاداری در ایران است.

عوامل فیلم عبارتند از:

محقق و نویسنده: محمد شهباز

مدیر تصویر: رضا جلالی

مدیر تولید: حمید قدیمی

مشاور معماری: ارجمند

مونتاژ: سهراب خسروی

صدا: سیروس عابدینی

سرمایه‌گذاری: تصویر شرق

• زندگی صحابه امام حسین(ع) جداگانه فیلم می‌شود

معاون سیمای صدا و سیما از ساخت زندگی صحابه امام حسین(ع) در قالب فیلم‌های جداگانه خبر داد.

به گزارش خیمه، معاون سیمای صدا و سیما گفت: ما در صدد هستیم درباره مجموعه صحابی امام حسین(ع) که در مرحله سفر از مدینه تا مکه و کربلا و قیام کربلا که همراه ایشان بودند، به طور مجزا فیلم‌های سینمایی و سریال‌هایی بسازیم و فعلا هم سیاست‌مان این است. همچنین برنامه‌ریزی کرده‌ایم که در سال ۸۷ هر کدام از شبکه‌ها به چند صحابی بپردازند، البته در این زمینه فعلا طرح آماده و مصوبی در اختیارمان نیست ولی برنامه ساخت کارها ریخته شده است. تصور ما این است که در رابطه با حوادث تاریخی، یک فیلم با تأثیرگذاری بالا مانند فیلم محمد رسول الله(ص) خیلی تأثیرگذارتر از مجموعه‌های طولانی است و رغبت ما هم این است که همه حوادث، مجموع شده و به صورت فیلم سینمایی و یا تله فیلم ساخته شود و در نهایت اگر نشد، آن را در سریال‌های کم قسمت که بیننده بتواند راحت‌تر با آن ارتباط برقرار کند خواهیم ساخت.

عمر سریال‌های طولانی به پایان رسیده و می‌توان مطالب را با شتاب بیشتری به مخاطب رساند، به همین دلیل به جز چند سریال که در قسمت‌های بالا ساخته شده، سایر سریال‌ها را با قسمت‌های کمتر خواهیم ساخت.

معاون صدا و سیما در ادامه درباره دلایل توقف پروژه امام حسین(ع) نیز گفت: آنچه که قرار بود در سال‌های گذشته ساخته شود، به دلایل مختلفی متوقف شد و هنوز هم برخی از این دلایل که مرتفع نشده‌اند، مانع ادامه ساخت هستند. وی ادامه داد: این مجموعه از نظر تاریخی با شواهد و قرائن همخوانی نداشت و مشکلات تحقیق، پژوهش و مستندات تاریخی در آن بسیار بود.

روی پیشانی

* محمدعلی رضاپور

وقتی حرکت می‌کرد، روی پیشانیاش بودم. از آن بالا که نگاه می‌کردی، به وضوح می‌شد دید که ترک‌های فراوان، لبش را فرا گرفته. به نهر که نزدیک شد، خوشحال بود که شاید کمی رطوبت آب، زیبایی را به لب‌هایش برگرداند، اما وقتی پاهای خسته‌اش را روی شانه‌ی سنگ‌های کف آب گذاشت و دستان کمرمقش را بر سر موج‌های کوتاه و بلند رود کشید، مشتی از آن بالا آورد ولی لبش را در حسرت زیارت نهاد. آب را رها کرد. سردی تعجب و حیرت وجودم را قبضه کرد، وقتی برمی‌گشت هم، هنوز روی پیشانیاش بودم، اما هرچه ثانیه‌ها می‌گذشت، عطش بیشتر وجودم را می‌بلعید. ثانیه‌هایی ممتد که حضور دست‌هایش را روی سینه‌ی ریگ‌های داغ دشت فریاد می‌زد، ...

وقتی می‌افتاد، سرخی شرم، خودش را سخت به من چسبانده بود و گرمای پیشانیاش دستانم را رها نمی‌کرد. آن روز که دشت آغوش برای فرود مرد گشوده بود و دستانش را به پاس بیدستی او بلند کرده بود، یک دست که گویی با دردی قدیمی بالا می‌آمد، با گوشه‌ی چادر خاک‌پاش مرا از پیشانی مرد برداشت ...

و حال، بعد از سال‌ها ...

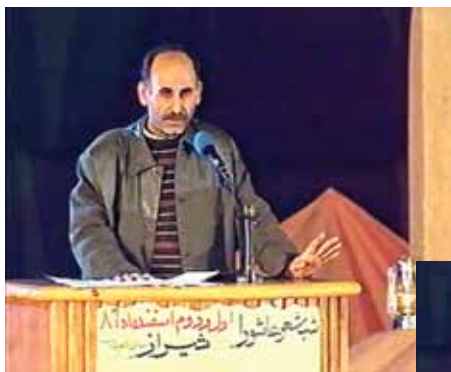
روی پیشانیاش هستم وقتی که دستان خسته‌اش جور پاهای نداشته‌اش را می‌کشند و حلقه‌ی داغ چرخ ویلچر را در این سر بالایی طاقت‌فرسای کوچه، تشویق به حرکت می‌کنند. ابروان به هم پیوسته‌اش هر لحظه با چروک پیشانیاش در جدال بودند که خستگی مرد را فریاد کنند. نزدیک در که شد، دستان بیرمق و لرزانش را در جدالی سخت با پوزخند جاذبه به زنگ در رساند. دخترکی که در را برایش گشود، لب‌های کوچکش را که یک بوت‌هی کوچک لب‌خند در کنارش روئیده بود، به صورت خسته‌اش رساند و با گوشه‌ی روسری آبی‌رنگش مرا از پیشانی مرد برداشت، و مرد که نای تکان دادن لب‌های خشکش را نداشت، با نفس‌های بریده بریده‌اش گفت: ممنون ... ممنون زهرا جان.





به یمن بارش احساس در مساحت ظهر

گزارشیا پیستود و مین شب شعور ایشیراز
با موضوع شهدای نماز ظهرا شورا



شب شعر عاشورای شیراز قدیمی‌ترین همایش منظم ادبی برای اهالی شعر بویژه شعر آئینی نامی با سابقه است. اولین «شب شعر عاشورا» سال ۶۵ شهر شعر، شیراز را آسمانی کرد. بیست و دو سال پیش، احدهم بزرگی و خسرو آقایی به حاج حسین فرهنگ، رئیس چاپخانه فرهنگ شیراز پیشنهاد دادند که برای یک گردهمایی سراسری شعر تحت عنوان شب شعر عاشورا بانی شود، آن شادروان نیز پذیرفت و پرچم شب‌های شعر عاشورا بالا رفت. پس از وفات آن مرحوم که از ارادتمندان حضرت سیدالشهدا (ع) بود و پیش از مرگ نیز ثلث مالش را وقف امام حسین (ع) کرد، پسرش حاج عبدالحسین فرهنگ این سنت را ادامه داد. از همان سال‌های ابتدایی آغاز کار، این حرکت عمیق با اقبال و استقبال عمومی روبه‌رو شد.

این برنامه از جهات مختلف منحصر به فرد است. مهم‌ترین ویژگی این شب شعر، مردمی بودن آن از هر لحاظ است. این همایش، با وجود پذیرایی و میهمان‌نوازی مثال زدنی در برخورد با شاعران، به هیچ کمک رسمی و اداری وابسته نیست. ویژگی دیگر شب‌های شعر عاشورای شیراز، پرداختن به سوژه‌هایی از مفاهیم و شخصیت‌های

برای آن موضوع بسرایند.

تاکنون موضوع این شب شعر به شخصیت‌هایی همچون حضرت زینب (س)، حضرت عباس (ع)، حضرت علی‌اکبر، حضرت علی‌اصغر، جون، مسلم، حبیب بن مظاهر و ... اختصاص یافته است. سال گذشته، در نشست پایانی دوره بیست و

عاشورا است که شاعران به آنها پرداخته و یا کم‌تر پرداخته‌اند. سه سال اول این شب شعر به موضوع عام عاشورا اختصاص داشت و از سال چهارم بنا را بر این گذارد که هر سال یکی از افراد، زمان‌ها و یا ویژگی‌های واقعه عظیم عاشورا را معرفی کند تا شاعران، یک سال زمان داشته باشند شعر خود را



یکم و افتتاحیه نمادین دوره بیست و دوم «احد ده‌بزرگی» دبیر دائمی ستاد شب شعر عاشورای شیراز، «شهادی نماز ظهر عاشورا» را سوژه سرایش شاعران برای دوره بیست و دوم عنوان کرد و مانند هر سال دکتر سنگری از آن سه تن گفت که جان خود را فدای اقامه دو رکعت نماز خوف سبط پیامبر کردند. شهادی که آن قدر تیر خوردند که تقدیر شد بر زمین نیفتند و تیرها حایل جسم ایشان با زمین شدند و در آن لحظه، تنها از حضرت امام حسین (ع) پرسیدند که: «آیا به عهد خود وفا کردیم؟ ای پسر پیامبر خدا!!»

بعد از ظهر ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۸۶ شیراز، خیابان فلسطین، منزل مرحوم حاج حسین فرهنگ، شاعران عاشورایی از جای جای ایران جمعند، اما این بار زودتر از سال‌های گذشته به میعادگاه آمده‌اند و آنگونه که اعلام شد، برنامه امسال آنان قدری متفاوت‌تر از سال‌های گذشته برگزار می‌شود.

همه ساله همزمان با اربعین حسینی، شیراز در قالب یک رسم ستودنی و نهاده شده، میزبان شاعران مراسم شب شعر عاشورایی است اما امسال شاعران زودتر به شیراز آمده‌اند تا با شماری از شاعران شیرازی به کربلای معلی و نجف اشرف عزیمت کنند و پس از زیارت بارگاه ملکوتی حضرت امام علی(ع)، امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل(ع)، به محض بازگشت به شیراز، اشعار عاشورایی خود را با حال و هوای کربلایی‌شان سرایش نمایند.

میهمانان غیرشیرازی تازه از راه رسیده‌اند، از نوع چینش کوله‌بارشان داخل اتاق، مشخص است، از سفری که داشته‌اند خسته‌اند، اما انگار خستگی را در بقچه فراموشی و داخل کوله‌بارهایشان گوشه اتاق گذاشته‌اند. نمی‌دانم چه حسی است که شوق دیار کربلا، همه نامالیقات و روزمرگی‌های زندگی را از آدم می‌گیرد.

کاروان ۳۸ نفره کربلا در جلسه چند دسته‌اند، گروهی شاعران شیرازی، گروهی از تهران و دیگر نقاط آمده‌اند، گروهی جوان‌تر هستند و دور همدیگر حلقه زده‌اند و بعضی نیز مانند مصطفی رحماندوست هم همکلام کودکان شده است.

می‌گویند رحماندوست، شاعر و نویسنده کودکان، می‌خواهد در این سفر سفرنامه‌ای کودکانه بنویسد.

احد ده‌بزرگی شاعر شیرازی به رسم میهمان‌نوازی، بیشتر در تلاطم رفت و آمد و هماهنگی سفر کاروان است اما با این حال، حضور در محفل شاعران را نیز از دست نمی‌دهد و گاه‌به‌گاه با آنان هم‌کلام می‌شود و در خلال حرف‌هایشان، چند بیتی شعر نیز رد و بدل می‌شود.

مراسم بدرقه کاروان شاعران عاشورایی فقط مختص شاعران نبود، برخی مدیران و فعالان دیگر بخش‌های فرهنگی هنری استان فارس نیز آمده‌اند.

قبل از حرکت کاروان شاعران عاشورایی به کربلا، فیلمی کوتاه از سخنان بانی شب شعر عاشورا در شیراز، حاج حسین فرهنگ پخش شد، مرحوم حاج آقا فرهنگ از خاطرات نخستین سفرش به کربلا در این فیلم حکایت می‌کرد و شاعران با انگیزه و اشتیاق، کلام او را شنیدند تا در روزهای سفر، خاطره‌ای از یکی از عاشقان حضرت امام حسین(ع) به همراه داشته باشند.

یکی از هماهنگ‌کنندگان سفر کاروان شاعران به عراق، توضیحاتی درباره هماهنگی‌های اجرایی سفر ارائه داد و گفت: خودمان هم نمی‌دانیم این سفر چگونه هماهنگ شد، با این وضعیت عراق، حجم تقاضایی که برای سفر وجود دارد، انگار واقعا یک شرایط خاصی بود که همه چیز مهیا شد و اعضای این کاروان نیز بعد از چندین بار تعویض اسم، مشخص شدند، خیلی باید عزیز باشید که در این شرایط طلبیده می‌شوید.

همواره دلشان می‌خواست شب شعر عاشورا را در کنار ضریح خورشیدی امام حسین(ع) برگزار کنند و امسال توفیق یار شد و شاعران قبل از شب شعر در شیراز، به زیارت آقا امام حسین(ع) مشرف می‌شوند.

تنها چهار نفر از ۳۸ نفر عضو کاروان شاعران عازم کشور عراق، شیرازی هستند و بقیه از سایر شهرهای ایران آمده‌اند. در کاروان شاعران چهره‌هایی چون محمود اکبرزاده، محمدعلی مجاهدی، جواد محقق، احد ده‌بزرگی، سعید بیابانکی، سید اکبر میرجعفری و... حضور داشتند. عصر دوشنبه شاعران عاشورایی را به مقصد کربلا بدرقه کردیم و آنان رفتند تا در سفری کوتاه، بازگردند و شب شعر عاشورایی امسال را باشکوه‌تر از گذشته در شیراز خلق نمایند.

روز آغازین «شب شعر عاشورای شیراز» به نیکویی به «شهادی نماز ظهر عاشورا» پرداخته شد و شاعران با بهره‌گیری دقیق از سندیت‌های تاریخی، اشعار خود را به این سه تن تقدیم کردند. چهل نفری که از زیارت عتبات بازگشته بودند، با شال متبرک سبز به گردن، حال و هوای سالن را دیگرگون کردند. همه که با شال سبز به روی سن می‌رفتند از زیارت می‌گفتند و گاهی می‌گریستند. در پایان مراسم هم دکتر سنگری در بیانی تاریخی از نمازهای عاشورا بدون این که قصد ذکر مصیبت داشته باشند همه را در هم ریخت و خود هم گریست.

در جلسه اختتامیه پس از شعرخوانی هادی فردوسی و حبیب‌الله زارع، حاج احد ده‌بزرگی در سخنانی که مثل همیشه رنگ و بوی غلیظ عاشورایی و با لهجه غلیظ شیرازی همراه بود رابطه پیامبر اسلام و سید و سالار شهیدان جهان را به عنوان موضوع بیست و سومین دوره از شب‌های شعر عاشورا معرفی کرد. بعد از او «محمدرضا سنگری» با اشاره به رابطه عمیق، عاطفی و صمیمی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) با سبط خویش حضرت امام حسین(ع) گفت: با نگاهی جامع در می‌یابیم که در ابتدا، میانه و خاتمه واقعه عاشورا، پیامبر حضوری پررنگ دارد و همچنین حضور علی‌اکبر به یاد و خاطره پیامبر (ص) رنگ و بویی دیگر و افزون‌تر می‌بخشد. در پایان این مراسم همچنین شاعران عاشورایی ضمن عزاداری به برگزاری آیین تربت‌نوشان پرداختند. اما در کنار این حال و هوا و در میان شعرخوانی‌ها، کتاب «شرح منظومه ظهر» نوشته «غلامرضا کافی» در بررسی شعر عاشورایی در تاریخ شعر فارسی توسط «احد ده‌بزرگی» و حجت‌الاسلام «سید ابوالقاسم حسینی» رونمایی شد. همچنین دهمین دوره کنگره شاعران دانشجو و طلبه عاشورایی، جلسات تخصصی بررسی و سخنرانی ادبی و معنوی با حضور صاحب‌نظران شعر آیینی و برپایی نمایشگاه جنبی سوگواره پوسترهای عاشورایی با همکاری مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی از ویژه برنامه‌های جنبی شب شعر عاشورا بود.



شور دریایی از حماسه و

گزیده‌ای از شعرهای بیست و دو مین‌شبه‌ای شعرا شورا



سید اصغر صالحی

خبر پیچید تا کامل کند دیگر خبرها را
خبر داغ است و در آتش میاندازد جگرها را
غروب‌ی تلخ، بادی تلختر از دور می‌آمد
که خم میکرد زیر بار اندوهش کمرها را
به روی روسیاهی یک به یک آغوش واکردند
همانهایی که بر مهمان‌شان بستند درها را
همانهایی که در مسجد پدر را غرق خون کردند
به خون خویش غلتانند در صحرا پسرها را

و باد آرام درها را به هم میزد، صدا پیچید
که برخیزد اهل کوفه آوردند سرها را
خبر آمد؛ سری بر نیزه‌ها قرآن تلاوت کرد
کسی جز آل پیغمبر ندارد این هنرها را

محمد حسین ابراهیمی

دوباره ناحیه میخوانم از زیارتها
صدای گریه می‌آید میان این خطها
کسی گریسته در این خطوط میدانم
که بغض کرده در آن صامت و مصوتها

کسی که بیشتر از هر کسی گریسته است
سیاهپوش‌تر از تکیه‌ها و هیأتها
کسی که بیشتر از هر کسی محرم را
نفس کشیده و بوییده است مدت‌ها
و قرن‌هاست که او روضه عمویش را
گریسته است به مانند رودها ... شطها
که نهر علقمه هم گریه میکند با او
و آب میشود آن مشک از خجالتها
تمام ناحیه را گریه میکنم با او
صدای اوست که می‌آید از روایتها
مگر که او هم از آن جمع شاهدان بوده است
چه قدر خوب خبر دارد از شهادتها
و گفته است از آن اسب و یال خونینش
که زین خالی او میکند حکایتها
به دست باد پریشان شده است موی حرم
سپید گشته از این رنجه‌ها... اسارتها
چگونه شرح دهم این غزل مجالش نیست
صدای گریه می‌آید میان این خطها

محمدرضا شالبافان

...و قامت بست؛ گریبان‌تر شود تقدیر باران‌ها
دلش خون بود از قلب زمین مثل زمستان‌ها

در آن ظهر عطش لب‌های ذکرش هی ترک
می‌خورد
شبیه شانه‌های خاک بین این بیابان‌ها
قنوت خویش را می‌خواند و... باران‌ها نفهمیدند
چرا چیزی نمی‌خواند از نماز حاجت آن‌ها؟!
دلش با آسمان‌ها بود، آن سوتر شبیه باد
نه با یک مشت ابر از آسمان سرد انسان‌ها
دلش پر بود، می‌جوشید اگر می‌خواست با
بغض
شبیه نوح از قعر تنور شهر طوفان‌ها
نمازش از نماز حاجت باران فراتر بود
نمازش شکر ابراهیم بود از عید قربان‌ها
از اندوه سه تن رکعت به رکعت می‌شکست
آرام
نمازش در هوای چار تکبیر از غم آن‌ها...

فرزانه یزدانشناس

ظهر است و در نماز بین آفتاب را
در چشم آسمان و زمین التهاب را
در حلقه‌های عشق چه آرامشی است که
در خود شکسته وحشت هر اضطراب را

این رودهای تشنه به دریا رسیده‌اند
از یاد برده‌اند عطش را، سراب را
این رودها که تشنه شهد شهادتند
شرمنده کرده‌اند به این شیوه آب را
چون کوه، ایستاده به تصویر میکشند
معنای عاشقانه‌ترین انتخاب را
مردانه سینه را سپر تیر کرده‌اند
نه، در قیام سرو نبین پیچ و تاب را
تاریخ شاهد است بر این واژه‌های سرخ
با خون خویش خط به خط این کتاب را...
حالا درست لحظه سبز پریدن است
شعرم رها نمیکند این حس ناب را

سید اکبر میرجعفری

و نخل‌ها که سحر سر به آسمان دادند
صلوات ظهر که شد، ایستاده جان دادند
صلوات ظهر درختان اقامه می‌بستند
که روح و راحت خود را به باغبان دادند
چه نخل‌ها که به انگشت‌های نامعلوم
جهان گمشده‌ای را به ما نشان دادند
مسافران غربیی که دیر می‌رفتند
به کاروان نرسیدند، تشنه جان دادند
کنار نعش افق ناله‌های نیزاران
غروب بود و چه حالی به کاروان دادند
درست روی همین خاک، یادمان باشد
به عاشقان جهان خط بیامان دادند
همین مشاهد مظلوم در دیار غریب
به سرزمین شما هفت آسمان دادند

به سرزمین شما آ... سرزمینی که
غریب و دوست بدان زخم و استخوان دادند
غریبه‌ها که فقط شکل میزبان بودند
به زائران رطب دشنه و سنان دادند
برای هر که مسافر، برای هر که رسید
سگان کوفه دویدند دم تکان دادند
وقیح بود ولی عابران نامربوط
به جای چشم، شما را دو تکه نان دادند

همین مشاهد مظلوم در دیار غریب
به سرزمین شما هفت آسمان دادند
به تشنگان مجاور فرات نوشاندند

به خستگان سفر توشه و توان دادند
به احترام شکفتن جوانه رویاندن
به نخل‌های کهن فرصتی جوان دادند
اگر چه تشنه در آغوش آسمان رفتند
به سرزمین عطش صبح و سایه‌بان دادند
به رغم آنچه به حلق بریده‌ای نرسید
چه جامها که به مردان این جهان دادند
شبییه رود اگر آبروی این خاکاند
شبییه چشمه به هر خطهای روان دادند
خدای من! چه بهار شگفتانگیزی
به بوستان غزلخیز عاشقان دادند
چقدر بوی تو پیچید و باد می‌آید
چقدر بوی تو را یاس و ارغوان دادند
«زبان خامه ندارد سر بیان فراق»
زبان خام مرا جرأت بیان دادند!

هادی فردوسی

در سوگ تو خون بر سر راهم بارید
صد زلزله داغ از نگاهم بارید
من ابرم و از شرم تو بر روی فرات
باران هم اگر شوم نخواهم بارید

با آنکه تنش هوای چیدن دارد
روحش تب برگ آفریدن دارد
در جنگل نیزه، بین هفتاد و دو زخم
خندان شدن درخت، دیدن دارد

تصویر حماسه را عطشنوش کشید
جان را به امید عشق، بر دوش کشید
آن عاشق دلشکسته در بارش تیر
زخمی شد و نیزه را در آغوش کشید
در عمق سکوت، رنگ فریاد گرفت
خورشید شد و شکست، افتاد، گرفت
حتی جریان جان گرفتن را مرگ
از شیوه جان دادن او یاد گرفت

پروانه نجاتی

اذان بگو که شهیدان همه به صف شده‌اند
که تیرها همه آماده هدف شده‌اند
پیمبرانه به تکبیر باز کن لب را
که از صدای تو ذرات در شغف شده‌اند
برای چرخ زدن در حوالی خورشید
مدارهای سراسیمه جان به کف شده‌اند
به یمن بارش احساس در مساحت ظهر
غبارها ز رخ دشت برطرف شده‌اند
و کربلا شده دریایی از حماسه و شور
و ریگ‌های بیابان همه صدف شده‌اند
نماز عشق فقط سجده‌ای پر از خون است
اذان بگو که شهیدان همه به صف شده‌اند!





عاشقورایی مادر شعرهای

می‌کند. نفی شعر دوره‌ی جاهلیت عرب، در همین راستا قابل ارزیابی است. نکوهش و مذمت شعر عصر جاهلیت، با وجود تمام برجستگی‌های هنری که داشت، صرفاً به خاطر طرح و بزرگداشت ضدارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در آن، این‌گونه در سخنان پیامبر اسلام(ص) مورد نکوهش قرار می‌گیرد: «اگر قلب مرد از چرک پر باشد، بهتر از این است که از شعر پر باشد، چرک از شعر بهتر است».

اما همین پیامبر عظیم‌الشان در جای دیگر می‌فرماید: «شعر، حکمت است». هم‌چنین «حسان بن ثابت» را که چیزی جز شعر گفتن نمی‌داند، می‌ستاید و حتی یک بار، در مورد شعری از «حسان» می‌فرماید: «همانا روح‌القدس بر زبانت دمیده است».

اما اگر بپذیریم که زیبایی‌ها و خلاقیت‌های هنری، از شروط اساسی تأثیرگذاری هر اثر هنری است، باید خواه ناخواه قبول کنیم که افراطی‌ترین نظریه‌ها در نفی شرط زیبایی در شعر، در ذات خود و در لایه‌های پنهانی خویش، زیبایی و خلاقیت‌های هنری شعر را پذیرفته‌اند و به آن گردن نهاده‌اند.

نقش اجتماعی شعر

شعر یک پدیده زبانی است و نه تنها زبان‌شناسان بلکه هیچ متفکری نمی‌تواند منکر مهم‌ترین رسالت

در عین این که باید زیبا و دارای خلاقیت‌های هنری باشد، باید متضمن مسائل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی هم باشد و در برابر نابسامانی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و مشکلات جوامع بشری، احساس تعهد و مسئولیت کند.

در این جبهه، متفکرانی هم هستند که ادبیات را به نوعی، جزئی از زندگی می‌دانند و معتقدند هنر هم مانند هر چیز دیگر (چون علم و فلسفه) باید در خدمت اجتماع باشد و به پیشبرد مقاصد والای اجتماعی کمک کند. «تولستوی»، به شدت بر این نکته پافشاری می‌کند که ادبیات و هنر، باید منشأ تلاش برای سعادت و خوشبختی بشر باشد و نه صرفاً منشأ لذت. شاید بتوان «افلاطون» را یکی از کهن‌ترین پیروان این اندیشه دانست. او شاعران را به خاطر نداشتن تعهد اجتماعی، از مدینه‌ی فاضله خود می‌راند. مثلاً با همه‌ی ارزش و احترامی که برای «هومر» قائل است، چون شعر او را از جهت دارا بودن محتوای فکری و رئالیستی، کم‌مایه می‌داند، به نکوهش او می‌پردازد.

«اسلام»، نیز به شدت شعر غیرمسئول را مورد حمله قرار می‌دهد و آن را نفی می‌کند. از این دیدگاه، شعر مطلوب، شعری است که به جامعه آگاهی بخشد و مردم را در احقاق حقوق انسانی‌شان یاری دهد. «اسلام» شاعر غیرمسئول را طرد

نظر بزرگان درباره‌ی شعر

آیا شعر وسیله است یا هدف؟ آیا شعر ابزاری است در خدمت انسان، برای رسیدن به اهداف والاتری که در جهت پیشبرد زندگی فردی و اجتماعی او مفید باشد، یا خود هدفی است در زندگی انسان؟ این موضوع، در طول تاریخ هنر، شاعران، منتقدان و متفکران فراوانی را به چالش طلبیده است. گروهی از آنان معتقدند که ادبیات، بیرون از خود، هدفی را دنبال نمی‌کند و خود، هدف است. آفرینش یک اثر هنری زیبا (زیبایی چیست؟) و لذت‌آور برای مخاطب، (لذت کدام است و مخاطب کدام؟) غایت مطلوب است و انتقال هر موضوع دیگری، ورای زیبایی و حظ ادبی، خارج از حوزه‌ی وظایف اثر.

«تئوفیل گوتیه»، نویسنده‌ی فرانسوی قرن نوزدهم میلادی، می‌گوید: «شعر باید با مسائل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی بیگانه بماند». طرفداران نظریه‌ی «هنر برای هنر»، هیچ انتظاری به جز ایجاد لذت زیبایی‌شناختی نداشتند و ندارند.

اما در مقابل، نظریه‌ی دیگری معتقد است، ادبیات

زبان، یعنی ایجاد ارتباط با مخاطب باشد. پس شعر هم یک رسانه است؛ اما «یاکوبسن» معتقد است که در نقش ادبی زبان، جهت‌گیری پیام، به سمت خود پیام است. در این شرایط، پیام، فی‌نفسه کانون توجه قرار می‌گیرد. کاربرد اصطلاح «نقش شعری» و استفاده از کلمه‌ی «شعر»، می‌تواند سبب شود تا تنها به بخشی از این زبان توجه شود. به عبارت دیگر، نقش شعری زبان را نمی‌توان محدود به شعر دانست و ساختار شعر نیز محدود به نقش شعری زبان نیست.

عاشورا و شعر

موضوع پیام عاشورا در طول تاریخ، با سه چهره انتقال یافته است، به گونه‌ای که خود پیام، فی‌نفسه کانون توجه قرار گرفته و وجه هنری شعر، مورد تهاجم واقع نشده و یا حداقل آسیب را متحمل گردیده است:

سوغ، حماسه و عرفان

سوغ

تاریخ، حادثه‌ای تأثیربرانگیزتر و اندوهناک‌تر از عاشورا به یاد ندارد. در کربلا، هفتاد و دو گل باغ پیامبر(ص) در بارش تیر و تیغ و عطش و آتش پرپر شدند. از کودک شش‌ماهه تا سپیدموی کهن‌سال، در خون خود غوطه خوردند و ...

سوگمندی عاشورا، آن‌چنان سترگ و سنگین است که بیش از تمام وجوه دیگر آن، بر شاعران عاشورایی تأثیر گذاشته است. شاید بتوان پیوند این وجه را با بعد عاطفی شاعران، که از ارکان اصلی شعر محسوب می‌شود، دلیل این تأثیر دانست. **شاعران، در حقیقت با سرودن اشعار سوگمندانه، مخاطبان خود را به اشکی دعوت می‌کنند که ترجمان مظلومیت است و آشکارکننده‌ی ظلم ظالمان در طول تاریخ، و در هر مکان، که: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا».**

حماسه

کربلا در عین سوگمندی، از حماسی‌ترین صحنه‌هایی است که ابناء بشر تاکنون موفق به آفرینش آن شده‌اند. رزمی شکوهمند و دلیرانه، از مردانی که علی‌رغم برخورداری از فرصت‌های بی‌شمار برای رفتن و ماندن، ماندند و هیچ توجیهی را برای تسلیم و سستی نپذیرفتند، و هستی خویش

را «در باران متواتر پولاد» گم کردند و بازجستند. کافی است، ۷۲ مرد تشنه را در دفاع از کاروانی از زنان و کودکان بی‌دفاع و ستم‌دیده، در برابر لشکری تا بن دندان مسلح، متشکل از سی‌هزار گرگ گرسنه، و یا خطبه‌های شجاعانه‌ی شیرزنی داغ‌دیده، در محاصره‌ی گفتاران پست و خون‌خوار، آن هم در برابر سر بریده‌ی برادر را به یاد آوریم، تا به عظمت وجه حماسی واقعه‌ی عاشورا، هم‌طراز با عظمت وجه سوگمندانه‌ی آن پی ببریم.

عرفان

کربلا، تجلی‌گاه عشق و محبت است، و عاشورا، فصل سبز مشتاقی، عشق به پروردگار، محبت به اولیاءالله و اشتیاق به شهادت است. اباعبدالله(ع)، آینه‌ای است که انوار الهی در آن متجلی گشته است و اصحاب ایشان، آینه‌هایی هستند که نور مولایشان را به تمامی بازمی‌تابانند. کربلا، عرصه‌ی رضا و تسلیم است که: «الهی رضا برضائک، تسلیماً لأمرک، لامعبود سواک».

این وجه از عاشورا، در شعر شاعران عاشورایی، پرسابقه نیست، و از نظر کمیت نیز هم‌چون وجه حماسی، قابل قیاس با حجم اشعار سوگمندانه‌ی عاشورایی نیست. جسارتی لطیف و دقیق که نگاهی این‌گونه به حادثه‌ی کربلا می‌طلبد، نزد کم‌تر شاعری به تمامی رخ نموده است. لذا حجم کم این‌گونه شعرهای عاشورایی، از این طریق قابل توجیه می‌باشد.

* در تاریخ ادبیات، می‌توان از آثاری سراغ گرفت که به دلایل مختلف، موجب ایجاد جریان ادبی شده‌اند. در حقیقت، جریان آفرینش آثار ادبی، پس از این آثار خاص، تحت تأثیر و نفوذ آن‌ها قرار گرفته است. بهره‌گیری از فرم و ساختارهای نوین و از پیش تعیین نشده؛ و به‌خصوص زوایای تازه‌ی نگاه هنرمند به جهان، و صد البته جسارت و نوآوری (در عین نگاه تدقیقی به سنت)، می‌تواند اثری را واجد شرایطی کند که موجب تأثیر بر روند آفرینش آثار ادبی بعد از خود، و در نتیجه، ایجاد یک جریان شود و به تعبیری «مادر شعر» نام گیرد.

در سیر تکامل تاریخ اشعار عاشورایی نیز به «مادر شعر»هایی برمی‌خوریم که در روند آفرینش اشعار عاشورایی پس از خود، تأثیر داشته‌اند و در حقیقت، نقاط عطفی به حساب می‌آیند.

میان خیل عظیم سوگ‌سروده‌های عاشورایی، یافتن مادر شعرها، کار ساده‌ای نیست؛ اما می‌توان آشکارا به اصالت، انسجام و قدرت شگرف ترکیب‌بند معروف «محتشم کاشانی» اشاره نمود.

در بین سوگ‌سروده‌های عاشورایی، در قالب‌های جدید هم، بدون شک، بسیاری از شعرهای مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل»، اثر مرحوم «سیدحسن حسینی»، مادر شعری شاخص به حساب می‌آید. مثنوی «خورشید بر نیزه»، سروده‌ی «علی معلم» نیز در میان شعرهایی که با نظری به وجه حماسی قیام عاشورا آفریده شده‌اند، اثری تأثیرگذار و جریان‌ساز محسوب می‌شود.

شعر درخشان «خط خون» استاد «علی موسوی گرماردی»، در بین نوسروده‌ها، همین شرایط را داراست. البته لحن حماسی «حسن حسینی» هم، در بعضی از شعرهای مجموعه‌ی «گنجشک و جبرئیل»، قابل تأمل است؛ همان‌گونه که لحن تغزلی «گرماردی»، در فرازهایی از «خط خون» جلب توجه می‌کند.

و بالاخره بدون هیچ شکی، «گنجینه‌ی اسرار» مرحوم «عمان سامانی»، سردمدار بی‌چون و چرای اشعاری به حساب می‌آید که از دریچه‌ای عرفانی به کربلا و عاشورا نگریسته‌اند.

*

بر بعضی از اشعار، هیچ‌گاه غبار کهنگی نمی‌نشیند. این که چه شرایطی باعث ماندگاری بعضی از اشعار می‌گردد، خود جای بحث و گفت‌وگوی فراوان دارد؛ اما در مورد ترکیب‌بند معروف «محتشم»، بی‌شک می‌توان در آن، تأثیر حادثه‌ای را دید که داغی کهنه‌نشدنی بر دل انسانیت و به خصوص شیعیان نهاده است، داغی که هرگز به سردی نمی‌گراید.

این ترکیب‌بند، به خاطر بهره‌گیری تازه و بدیع از صنایع شعری متعددی چون تشخیص، مبالغه، تشبیه، استعاره، مجاز و تلمیح که پیش از آن، در این حیطه کم‌تر مورد استفاده قرار گرفته بود، به اثری شاخص و تأثیرگذار بدل شد و باعث سرایش موجی از اشعار گاه قابل تحسینی شد که تا امروز هم سروده می‌شوند. این‌گونه اشعار، حتی در قالب‌های نو، از شیوه‌ی خاص تصویرپردازی و به کارگیری صنایع گوناگون شعری ترکیب‌بند محتشم تبعیت می‌کنند؛ اگرچه ممکن است در روستا کلمات، امروزین جلوه کنند.

فقدان ساختار طولی و وقوع شعر در عرض (ادبیات)، از مشخصاتی است که در این ترکیب‌بند و به تبع

آن در آثار امواج بعدی، رعایت گردید.

از دیگر مشخصات این اشعار، تلفیق ساخت یا زیرساخت‌های روایی، با بیان توصیفی است که گاه، با نگاهی رئالیستی اما عاطفی و رمانتیک به خصوص در اشعار اخیر همراه شده است: پرده برمی‌دارد امشب آفتاب از نیزه‌ها می‌دمد یک آسمان خورشید ناب از نیزه‌ها می‌شناسی این همه خورشید خون‌لود را آه ای خورشید زخمی! رخ متاب از نیزه‌ها سعید بیابانکی

*

سوک عاشورا ادامه یافت و ادامه خواهد داشت و سرودن این سوگ، مرزهای قالب‌ها را درنور دیده است، هم‌چنان که مرزهای زمان را در هم شکسته است.

اگرچه نگاه خشک «ظرف و مظلوفی» به قالب و محتوا، پذیرفتنی نیست، اما در هر صورت، هیچ چهارچوب و قالبی، نمی‌تواند مانع تبلور شعر باشد و به طور کلی، آنچه مهم است، شناسایی مختصات این چهارچوب است. چه بسیار شعرهایی که در قالب‌های نو سروده شده‌اند اما به تمامی کلاسیک و سنتی‌گرایند، و چه بسیار شعرهایی که در قالب‌های کلاسیک سروده شده‌اند اما نوگرا و حتی آوانگارد و رادیکال به حساب می‌آیند.

«سیدحسن حسینی»، شاعر و نویسنده‌ی فقید معاصر، با شناخت خوبی که از مختصات قالب شعر نو داشت، به معنی واقعی کلمه، نخستین مجموعه‌ی سوگ سروده‌ی عاشورایی را در قالب‌های نو آفرید. البته پیش از او، «علی موسوی گرمارودی»، شعر درخشان «خط خون» را سروده بود که به نوعی مادر شعر اشعار حماسی عاشورایی، در قالب‌های نو به حساب می‌آید؛ اما «حسینی»، علی‌رغم وجود رگه‌هایی حماسی در شعرهای مجموعه‌ی گنجشک و جبرئیل، در حقیقت، مادر شعر سوگ سروده‌های عاشورایی را در قالب‌های نو خلق کرده است.

زوایای دید هیجان‌انگیز «حسینی» به حادثه‌ی کربلا، روایاتی به‌تمامی شعری و فراواقع‌گرایانه، که گاه دارای جذابیت‌های سوررئالیستی هستند، استفاده از شگردهای زبانی بدون آن که به افراط به افتضاح کشیده شده و به آوانگارد‌های وطنی آلوده شود؛ و در نهایت، برخورداری از عاطفه‌ای نیرومند، بدون آن که به سطحی‌گرایی رمانتیک دچار گردد، از شعر او شعری متشخص آفریده است. او، به طور کلی در بازآفرینی حوادث تاریخی

با نگاهی مدرن و به کمک پدیده‌های ملموس امروزی شاهکار کرده است.

همین کار را اما با زبانی سخته و لحنی حماسی و ستیزه‌جو، «موسوی گرمارودی» در شعر «خط خون» به انجام رسانده است؛ و اگرچه در فرازهایی متعدد، در سطح زبان شناور مانده است و حتی تظاهراتی رمانتیک را به نمایش می‌گذارد، اما حتی در همین فرازها، شعرش را از صنایع شعری بی‌بهره نگذاشته است. حماسه در اشعار عاشورایی، بخصوص در قالب‌های نو، بی‌پشتوانه، تا «گرمارودی» آمده است و سپس به جریانی پرتوان (اما نه به توانایی جریان سوگ سروده‌ها) تبدیل شده است:

تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب ت آورد / و ساعتی بعد / در باران متواتر پولاد / بریده بریده / افشا شدی / و باد / تو را با مشام خیمه‌گاه / در میان نهاد / و انتظار در بهت کودکانه‌ی حرم / طولانی شد
«حسن حسینی»

شمشیری که بر گلولی تو آمد / هر چیز و همه چیز را در کائنات / به دو پاره کرد: / هرچه در سوی تو، حسینی شد / و دیگر سو یزیدی ... / و سلام بر تو / که مظلوم‌ترینی / نه از آن جهت که عطشانت شهید کردند / بل از این رو که دشمنت این است «علی موسوی گرمارودی»

با تمام این اوصاف، شعر «خط خون» به لحاظ روستاخت زبان، بسیار حماسی‌تر از آن می‌نماید که در ژرف‌ساخت. و این ژرف‌ساخت حماسی را مثنوی «خورشید بر نیزه»، سروده‌ی استاد «علی معلم» به تمامی داراست. این مثنوی علی‌رغم این که به دلیل دید کلاسیک شاعر به مقوله‌ی شعر، فاقد ساختار طولی است و در عرض شکل می‌گیرد، اما نه تنها به دلیل برخورداری از واژگان سخته و آرکایسم زبانی خشن، دارای روستاختی حماسی است، بلکه در مضامین خود هم پرخاش‌جو، عتاب‌آمیز و معترض است و به جوهر حماسی نزدیک می‌شود. این مثنوی را به جرأت می‌توان مادر- شعر اشعار عاشورایی حماسی، در قالب‌های کلاسیک دانست:

بی‌درد مردم ما خدا، بی‌درد مردم

نامرد مردم ما خدا، نامرد مردم

از پا حسین افتاد و ما برپای بودیم

زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم

از دست ما بر ریگ صحرا نطع کردند
دست علمدار خدا را قطع کردند
نوباوگان مصطفی را سر بریدند
مرغان بستان خدا را سر بریدند
در برگ‌ریز باغ زهرا برگ کردیم
زنجیر خاییدیم و صبر مرگ کردیم
چون بیوگان، ننگ سلامت ماند بر ما
تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما
«علی معلم»

عمان سامانی

استفاده از نماد، در پرداخت شعر عاشورا، از تکنیک‌های جاافتاده‌ی شعر عاشورایی محسوب می‌شود؛ اما بهره‌گیری از نمادهای ادبیات عرفانی در این حیطه، پیش از «عمان سامانی» بی‌سابقه بوده است. همین امر، تازگی و طراوت خاصی به مثنوی «گنجینه‌ی اسرار» او بخشیده است. مثنوی زیبایی که با وجود روایت‌مداری، اساس را بر پرداخت نمادین نهاده است و به همین دلیل، مخاطب، علی‌رغم وجود جذابیت‌های موضوعی، از حلاوت دریافت‌های هنری هم محروم نمی‌شود. در حقیقت «عمان سامانی»، تولید نماد کرده است و یا به عبارت دیگر، نمادهایی تازه خلق کرده است. تماشای این نمادها از دریچه‌ای متفاوت، جهانی را پایه گذاشته است که تنها در شعر، هستی می‌یابد و بر خلاف آن‌چه در ابتدا به نظر می‌رسد، به بیرون از خود برنمی‌گردد و خود، ارجاع قابل تأملی را به نمایش می‌گذارد. البته این به معنای برجستگی کل ابیات مثنوی نیست ولی به هر حال، در فرازهای متعددی می‌توان با این جهان مواجه شد و شگفت‌زده به تماشایش نشست:

گفت ای فرزند، مقبل آمدی

آفت جان، رهن دل آمدی

کرده‌ای از حق تجلی ای پسر

زین تجلی فتنه‌ها داری به سر...

از رخت مست غرورم می‌کنی

از مراد خویش دورم می‌کنی

که دلم پیش تو گاهی پیش اوست

رو که در یک دل نمی‌گنجد دو دوست...

حائل ره، مانع مقصد مشو

بر سر راه محبت سد مشو

«عمان سامانی»



اندیشہ و تاریخ



کشته نشدن تلاش برای

رسول جعفریان عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران است که در کارنامه وی کتاب‌های زیادی از جمله تاریخ سیاسی اسلام، تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی، افسانه تحریف قرآن، مقدمه‌ای بر تاریخ تدوین حدیث، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، تأملی در نهضت عاشورا، صفویه در عرصه دین، سیاست و فرهنگ به چشم می‌خورد.

واقعه عاشورا در طی تاریخ مورد مذاقه‌های فراوان بوده است. در دهه‌های اخیر نیز این حادثه از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته که اهداف امام حسین (ع) از جمله موضوعاتی است که همیشه از طرف صاحب‌نظران و اندیشمندان مورد سؤال بوده است.

از جمله پاسخ‌هایی که به این سؤال مهم در دوران معاصر داده شده می‌توان نظرات آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی، نگاه استاد مطهری و دکتر شریعتی را نام برد. صالحی نجف‌آبادی معتقد است که مسأله‌ای که منجر به قیام عاشورا شده است تهاجم حکومت اموی علیه امام بوده و امام در تمام چهار مرحله‌ای که صالحی از بدو حرکت امام تا وقوع حادثه در نظر می‌گیرد حالت تدافعی داشته و امور، همه بر امام تحمیل گردیده است، جز این که در هنگام حرکت امام به کوفه، قیام بر علیه حکومت یزید نیز برای ایشان موضوعیت داشته است. لذا صالحی همچون سید مرتضی از نظر عقلی و نقلی این که امام برای کشته شدن حرکت کرده باشد را حرام می‌داند و در پایان کتاب خویش اهداف امام را، مبارزه با ظلم و تشکیل حکومت و حمایت از اسلام می‌داند. دکتر شریعتی یک نگاه مختص به خود بر واقعه عاشورا دارد، و آن را مانند حرکت پیامبر (ص) یک حرکت سیاسی نمی‌داند بلکه طبق نظر خود که معتقد است «شهادت دعوتی است در همه عصرها و بر همه نسل‌ها که اگر می‌توانی بمیران و اگر نمی‌توانی بمیر» این حادثه را تحلیل می‌کند و می‌گوید که شهید به خاطر آشکار شدن آن‌چه انکار و کتمان شده، کشته می‌شود.

استاد مطهری نیز حکومت امام را با هدف مخالفت آشکار با نظام سلطه تحلیل می‌کند و شخصیت امام را حماسی می‌داند و این قیام را تاکتیک تبلیغاتی امام تفسیر می‌کند که همراه کردن اهل‌بیت (ع) نیز در راستای داغ نمودن صحنه کربلا صورت پذیرفته است.

استاد رسول جعفریان رویکردهایی که در دوران معاصر به این واقعه شده را نشأت گرفته از نوع گفتمانی می‌داند که بر هر یک از آن‌ها حاکم است و بدون شناخت زمینه‌های نگارش آن کتاب‌ها از نظر زمانی و مکانی، نمی‌توان در مورد آنها قضاوت‌های درستی داشت.

وی این نظریات را ترکیبی از اقوالی که در منابع تاریخی ذکر شده و فضای گفتمانی که مؤلف در آن تنفس می‌کرده، می‌داند و برای مثال نظر خاص آقای صالحی را جدای از نکات پژوهشی و تاریخی؛ و نظرات کلامی که ایشان نسبت به علم امام دارد، نشأت گرفته از فضای جامعه در سال‌هایی که حکومت اسلامی برای جامعه شیعی ما موضوعیت خاص پیدا کرده بود، تحلیل می‌کند و توجه به این مسأله می‌دهد. لذا باید نظر آیت‌الله صالحی را در فضای فکری سال‌های قبل از انقلاب بررسی کرد، همچنان که در سال‌های پس از انقلاب، بحث شهید جاوید از تب و تاب می‌افتد، چرا که حکومت اسلامی تحقق پیدا کرده و دیگر چنین رویکردی جلب توجه نمی‌کند.

این استاد دانشگاه تهران فضای ایجاد شده پس از اعدام مجاهدین و فداییان خلق و سخنرانی «پس از شهادت» دکتر شریعتی که پس از اعدام دو تن از چپی‌های مشهود صورت گرفت و تولد گفتمانی جدید در رابطه با عاشورا در سال‌های جنگ که به بحث شهادت می‌پردازد، به وسیله نظریه شهید «سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد» در کتاب «درسی که از حسین باید آموخت» را به عنوان دیگر شاهدان این ادعا ذکر می‌نماید.

رسول جعفریان معتقد است که در مطالعه کتاب‌هایی که در دهه‌های چهل و پنجاه نوشته شده است باید بیش از آن که ریشه‌های تاریخی و منابع آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد به گفتمان‌های غالب در این دوران توجه شود و در خلال گفتمان رایج به تحلیل این نظریات پرداخت.



در نشست «بررسی رویکردهای عقلی و نقلی به قیام اباعبدالله الحسین(ع)» که به همت سرویس اندیشه و علم ایکننا و با حضور حجت الاسلام استاد «رسول جعفریان»، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه و «مرتضی رضایی زاده» قائم مقام سازمان و معاون خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، اعضای سرویس اندیشه و علم ایکننا و جمعی از دانشجویان علاقه مند در محل این خبرگزاری برگزار شد، استاد رسول جعفریان از مورخان و صاحب نظران تاریخ اسلام و ایران، با واکاوی و تحلیل رویکردهای معاصر به قیام جاودانه حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، به پرسش های حاضران پاسخ داد.

رسول جعفریان گفت: مسئله شهادت امام حسین(ع) از زاویه دید تاریخی و نه کلامی، دو روز قبل از عاشورا مطرح شد؛ امام(ع) تا صبح عاشورا هم انتظار داشتند که اوضاع عوض شود و به هیچ وجه قصد شهادت نداشته اند، بلکه ایشان تمام کارها را انجام دادند تا شرایط به گونه ای پیش برود که در انتها، هم عزت شان محفوظ بماند و هم کشته نشوند.

دکتر غلامرضا ذکیانی در خصوص سخنان استاد جعفریان گفت: دیدگاه شما یک دیدگاه بیرونی است که در این دیدگاه به همه جریان ها و حتی خودتان هم اشاره کردید. آیا بیست سال دیگر اگر یک نفر بخواهد از بیرون نگاه کند، می تواند بپرسد

که آثار آقای جعفریان کجا قرار می گیرند و به کدام گفتمان تعلق دارند؟

مدرس فلسفه و کلام اسلامی و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی افزود: پرسش دیگر این که آیا می توان مثلاً در قرن دهم یا دوازدهم کسی را یافت که به این نوع از خودآگاهی رسیده باشد و قبل از اعلام نظر خود، به تحلیل نظرات دیگران با توجه به زمینه و زمانه آنان بپردازد؟ به علاوه آیا این خودآگاهی در نگاه از بیرون، هیچ تأثیری در نگاه درونی یک مورخ دارد یا خیر؟ و به دلیل این که ما امری به نام تاریخ داریم و امری به نام تبیین تاریخی و فرمایش شما هم راجع به تبیینات یا جریان های تاریخی است که تحت تأثیر فرهنگ عمومی است، آیا وقتی ما از بیرون نگاه می کنیم، می توانیم مجموعه این تبیینات را کنار هم بگذاریم و از برخورد و نسبت آن ها با مواد تاریخی به چیزهایی برسیم که حتی مورخان قرن سوم و چهارم هم بدان ها نرسیده اند؟

استاد جعفریان در پاسخ به این پرسش ها اظهار کرد: این که آیا در گذشته هم نگاه درجه دوم و بیرونی وجود داشته است یا نه، باید بگویم وجود داشته، اما به صورت پراکنده. مثلاً مرحوم شیخ «صدوق»، وقتی به روایات طبی می رسد، چنین تحلیلی را ارائه می دهد و با تقسیم بندی آن ها به نگاه بیرونی و پیرامونی، آن ها را نقد می کند.

وی افزود: در فقه هم به صورت موردی این اظهار نظرها را داریم، اما اسمش را نگاه بیرونی نمی گذارند. در واقع این نگاه بیرونی است، اما به اسم توجیه درونی مطرح می شود. به طور کلی باید

بگویم که نگاه بیرونی، یک امر وارداتی غربی، معرفت شناسانه و جدید است. ما در فرهنگ گذشته خودمان معمولاً عضو یک گروه و در حال قضاوت کردن درباره دیگران هستیم. البته استثنائاتی هم داریم که از بیرون نگاه می کنند و بی طرفانه گزارش می کنند. مثلاً «ابوریحان بیرونی» یک استثناست که از بیرون به اندیشه های هندوئیسم می نگرد.

عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران، در مورد سؤال دوم دکتر ذکیانی گفت: به نظر من هیچ کس نمی تواند خود را از محیط پیرامونی و فضای حاکم بر آن به کلی رها کند. ما هم تحت تأثیر جامعه، محیط و عناصر متشکله فرهنگ عمومی هستیم. در عین حال چشم دیگران به حقیقت یابی تاریخی از راه روش های معمول پژوهش دوخته شده است.

وی تأکید کرد: ما دائماً میان محکمت و متشابهات معلق هستیم. این درست است که حقیقتی در عالم هست، اما در عمل آن چیزی که پیاده می شود، ترکیبی از آن با فرهنگ عامه است که محک خود را در نهایت با مقبولیت میان مردم و تأثیر گذاری اش در عمل نشان می دهد. بررسی این امور در مباحث هرمنوتیک و معرفت شناسی صورت می گیرد که جدا از مباحث تاریخی است. یک مورخ نمی تواند به این پرسش ها پاسخ بدهد. این اشکالات، اشکالات معرفتی و فلسفی است، نه اشکال تاریخی. مورخ تنها شواهد می آورد، اما نمی تواند به این مشکلات معرفتی پاسخ قاطعی بدهد.

مؤلف «تأملی در نهضت عاشورا» در باب تلقی خویش از قیام عاشورا گفت: مسلمان من هم متعلق به



خراب کردند. آن‌ها حماقت کردند و لااقل اگر صبح عاشورا هم مانند آن سی نفر به امام حسین(ع) پیوسته بودند، اوضاع عوض می‌شد. من معتقدم این امر مانند بازگشت امام خمینی(ره) به ایران است. تمام آن خطرات را داشت. اما در ایران چند نفر عاقل بودند و برنامه‌ریزی کردند، حتی سر جزئیات هم در تهران برنامه‌ریزی و محاسبه شده بود. مردم هم در صحنه ماندند و آن خطرات همه از بین رفت.

وی افزود: کشته شدن برای امام حسین(ع) واقعا هدف نبود. به همین دلیل بود که امام هر پیشنهادی برای تغییر اوضاع داد و بارها با «عمر بن سعد» گفت‌وگو و مذاکره کرد. نفس مذاکره، عزت را از بین نمی‌برد، اما در این شرایط امام حسین(ع) نمی‌خواست عزتش زیر سؤال برود.

این امر هم جنبه عربی داشت، هم جنبه انسانی و هم جنبه اسلامی. صبح عاشورا که «زهیر بن قین» سخنرانی می‌کند، فقط برای اتمام حجت نیست، بلکه اطمینان دارد و یا لااقل احتمال می‌دهد که حتما عده‌ای به امام حسین(ع) ملحق می‌شوند. مؤلف «حیات فکری سیاسی امامان شیعه» اظهار کرد: در آن یکی دو روز هر لحظه احتمال تغییر اوضاع و امکان تحول بود. «حر بن یزید» که جزو شیعیان نبود، به امام(ع) پیوست، اما اشکال این بود که شیعیان در کربلا نبودند و در راه گریخته بودند. اگر آمده بودند، می‌توانستند به امام حسین(ع) بپیوندند. **تفسیری که من از عاشورا دارم و شاید مربوط به زمان خودمان است، این است که شیعه خیلی محافظه‌کار است و نمی‌خواهد به سادگی خونس را بدهد، مگر این که پای عزت به میان آید که این امر هم استثناست. مطابق قواعد فقهی، شیعه باید سیاست داشته باشد، حرف بزند، گفت‌وگو کند، امتیاز بگیرد و امتیاز بدهد.**

استاد جعفریان در پایان این نشست، در پاسخ به پرسش دکتر ذکیانی که می‌گفت آیا بحث عزت می‌تواند ماجراهای عاشورا را تا آخر توجیه کند، تصریح کرد: شما باید نگاه پسینی خود به واقعه عاشورا را از میان بردارید. خیلی ماجرا را پیچیده نبینید. ما همیشه آثار را جزو انگیزه‌ها می‌گیریم، تنها به این دلیل که اتفاقی افتاده و ما پس از آن آمده‌ایم، در حالی که نود درصد از این مطالب اساسا پیش از آن مطرح نبوده است.

زمان خاص خودم هستم. در عین حال این امر نباید مانع از آن باشد که هر نظری که دارم، الزاماً مستند به متون تاریخی اصیل باشد. در خصوص بحث عاشورا و تحلیل آن از باب هدف‌شناسی، فکر می‌کنم مسئله شهادت امام حسین(ع) از زاویه دید تاریخی و نه کلامی، دو روز قبل از عاشورا مطرح شد. این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: مفهوم کلیدی اقدامی که امام حسین(ع) به آن دست زد آن هم از دو روز پیش از عاشورا و بیشتر در شب و صبح عاشورا مفهوم «عزت» است، مفهومی که هم‌زمان جنبه انسانی و اسلامی دارد. هم انسان خودش عزت‌خواه است و هم اسلام عزت مؤمن را می‌خواهد. من معتقدم اباعبدالله(ع) تمام کارها را انجام داد تا شرایط به گونه‌ای پیش برود که در انتها، هم عزتش محفوظ بماند و هم کشته نشود.

وی افزود: اما وقتی امر دایر بر مدار عزت و شهادت از یک طرف و ذلت از طرف دیگر شد، امام(ع) عزت؛ یعنی شهادت را انتخاب کرد. لحظه تصمیم‌گیری برای حفظ عزت، درست زمانی بود که دریافت ادامه دادن به زندگی، به معنای ذلت است. به نظر من تفسیرهای دیگری که از این واقعه شده، آثاری است که افراد بعد از اتفاق افتادن آن واقعه، به آن‌ها فکر کرده و آن‌ها را مطرح کرده‌اند.

مؤلف «تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی» در مورد این مسئله که چرا امام حسین(ع) اصلا تصمیم گرفتند به سمت کوفه حرکت کنند، گفت: واقعیت این است که همه چیز درست برنامه‌ریزی شده بود، اما شیعیان کوفه قضیه را



سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا

گزینش، تلفیق و ترکیب و حذف تفصیل و اسناد آن‌ها گزارش‌های مربوط به این واقعه را به اختصار روایت کردند.

وی تأکید می‌کند که با مقایسه گزارش‌های این دسته از مورخان با اخبار مورخان و مقتل‌نویسان اولیه، هم‌گونی و هم‌سویی میان این دو نوع روایت در بیشتر موارد دیده می‌شود. در این میان، برخی از مورخان همانند ابن‌اثم کوفی به سبب استعداد و ذوق خاص خویش در داستان‌سرایی و قصه‌پردازی برخی اخبار را به این حادثه افزوده است که در گزارش‌های کهن یا اساساً وجود ندارند و یا با آن تفصیل و در قالب قصه‌پردازی نمی‌توان یافت.

رنجبر تصریح می‌کند که از این رو بایستی در بهره‌گیری از این گونه روایات، با احتیاط رفتار کرد. اما به هر تقدیر، عمده منابع تاریخ عاشورا تا قرن هفتم از اعتبار و ارزش قابل توجهی برخوردارند. اما از قرن هشتم به بعد، به سبب استیلای ویرانگر و فرهنگ‌سوز مغولان بر قلمرو حکومت اسلامی و نابودی بخش بزرگی از میراث علمی مسلمانان و به ویژه شیعیان از جمله، برخی از منابع معتبر تاریخ عاشورا و بهره‌گیری بسیاری از مورخان این مقطع از منابع ضعیف و غیر قابل اعتماد، در کنار رو آوردن به نقل داستان‌ها و افسانه‌های جعلی و غیر قابل اعتماد، آثار مقطع یاد شده، از اعتبار چندانی برخوردار نیست و تنها اخبار و گزارش‌های نقل شده از منابع کهن و معتبر در آثار یاد شده قابل اعتنا و اعتماد است.

لازم به ذکر است فصل‌نامه «تاریخ در آینه پژوهش»، به صاحب امتیازی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و مدیرمسئولی «محمد رضا جباری» منتشر می‌شود.

به دست می‌آید که مقاتل و آثاری که از قرن دوم تا هفتم نگاشته شده از نظر قدمت، اعتبار و اتقان گزارش، از ارزش و اعتبار برخوردار هستند، این امر از آن روست که مورخان اولیه تاریخ عاشورا، همانند ابومخنف، هشام کلبی و ... واقعه عاشورا را در قالب روایت و با ذکر اسناد گزارش کرده‌اند.



رنجبر معتقد است که به تدریج مورخان همانند بلاذری، دینوری، یعقوبی و شیخ مفید پای به عرصه وجود گذاشته‌اند که به سبب رعایت اختصار، ضمن مطالعه و بررسی در اخبار متعدد و مفصل و گاه ناهمخوان و متناقض در تاریخ عاشورا، ضمن

اشاره: «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا» نوشته «محسن رنجبر» در سه قسمت، در شماره های ۱۴-۱۵-۱۶ از فصل‌نامه «تاریخ در آینه پژوهش» منتشر شده است که در ادامه قسمتی از آن همراه با تلخیص می‌آید.

مقاتل و آثاری که از قرن دوم تا هفتم نگاشته شده‌اند، از نظر قدمت، اعتبار و اتقان گزارش، از ارزش و اعتبار برخوردار هستند، این امر از آن روست که مورخان اولیه تاریخ عاشورا، همانند ابومخنف، هشام کلبی و ... واقعه عاشورا را در قالب روایت و با ذکر اسناد گزارش کرده‌اند.

پژوهش حاضر در دو مقطع کلی به شناسایی و معرفی مقاتل و نگاشته‌های مربوط به تاریخ عاشورا از آغاز تا عصر حاضر می‌پردازد. اثر در مقطع نخست در دو بخش سامان یافته که در بخش اول آن به شناسایی و معرفی فهرستوار مقاتل از آغاز تا قرن هفتم پرداخته و در بخش دوم، آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم به صورت توصیفی معرفی شده است.

اما مقطع دوم که درباره مقاتل و نگاشته‌های قرن هشتم تا چهاردهم است، نیز شامل دو بخش است. در بخش نخست، پس از بیان یک مقدمه، به شناسایی و معرفی چند اثر مهم از قرن هشتم تا عصر حاضر پرداخته و در بخش دوم مهم‌ترین آثار قرن‌های اخیر که نقش بسزایی در تحریف و ارائه گزارش نادرست و جعلی در برخی موارد، افسانه‌ای درباره قیام عاشورا داشته‌اند، شناسایی و معرفی شده است.

به زعم نویسنده، از بررسی آثار مربوط به واقعه عاشورا که در این مقطع نگاشته شده، این نتیجه



و فتوحات اسلام رابطه ارگانیک عاشورا

عثمانیها حکومت دینی وجود داشته است. ما در این بحث دو نوع حکومت دینی می‌توانیم ارائه کنیم. یک نوع تتوکراسی و حکومت دینی متحقق شده و در طول سالیان دراز بروز و ظهور پیدا کرده است. در این حکومت دینی انسان فاقد هرگونه حقوق ذاتی در برابر حکومت است و چاره‌ای جز فرمانبرداری از حاکمان الهی ندارد. تفسیر متون و اجرا و اعمال آن بر عهده حاملان حق الهی یعنی حاکمان قرار دارد. در این نگرش انسان به عامل مطلق تکلیف مبدل می‌شود. رابطه‌ی دوسویه‌ای بین حاکم و مردم وجود ندارد، بنابراین حداکثر تکلیف برای شهروند و حداقل حقوق برای حاکم در نظر گرفته می‌شود. در این حکومت شهروند کاملاً موقعیتی متنزل دارد و در برخی از گونه‌های حکومت الهی حتی شهروند تبدیل به بنده و برده می‌شود. در جهان اسلام پنجاه سال پس از رحلت پیامبر (ص) این وضعیت را در واقعه‌ی حره می‌بینیم. در سال ۶۳ هجری بعد از واقعه کربلا وقتی سپاهیان یزید به مدینه پایگاه جهان اسلام حمله کردند، از مردم به بندگی و بردگی یزید بیعت گرفتند. متأسفانه

نکته که این منطق چگونه خود را در واقعه کربلا بروز داد.

البته واقعه کربلا یک واقعه یک وجهی نیست. واقعه کربلا از زوایای مختلف حماسی، کلامی، فقهی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. این‌ها همه در جای خود می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. واقعه کربلا یک واقعه منشوری است و همه آن موضوعات در جای خود قابل پردازش است. بنابراین آثار و زوایای خاص خود را در هر نگاهی ارائه می‌کنند. من می‌خواهم از یک برش که نگرش تحلیل تاریخی است به مسئله کربلا بپردازم و زمینه‌های بروز و ظهور کربلا را در یکی از حوادث صدر اسلام که فتوحات است، جستجو کنم. از این زاویه کم‌تر به کربلا پرداخته شده است.

قبل از این که واقعه فتوحات را توضیح دهم، لازم است به چند نکته اشاره شود.

در طول تاریخ، حکومت دینی یا حکومت تتوکراسی کم نبوده است. یعنی از دوره باستان و حکومت بابل حکومت حمورابی تا قرن شانزدهم و هفدهم در دوره قرون وسطی و در جهان اسلام تا دوره

سخن را به بن‌مایه‌های شکل‌گیری واقعه کربلا و پیامدهای این واقعه عظیم معطوف می‌کنم. روش بحث تحلیل تاریخی است.

فرضیه اصلی بحث این است که میان فتوحات اسلامی و آنچه که در صدر اسلام بعد از رحلت پیامبر (ص) رخ داد و واقعه‌ی عاشورا یک ارتباط مستقیم و ارگانیک وجود دارد. اتفاقاتی که در فتوحات مسلمین افتاد و دانشی که در فتوحات تولید شد و ارزش‌ها و منطقی که در فتوحات تولید و بازتولید شد، به گونه‌ای در واقعه کربلا متجلی شد و از منظر این بحث، یکی از عوامل مهم واقعه کربلا مسئله فتوحات است. بنابراین وقتی به بن‌مایه‌ها اشاره می‌کنم، تلاش می‌کنم منطقی را که در فتوحات تولید شد، ارائه و بازبینی کنم و این

این نگاه، با شدت و ضعف آن، در اثر تحولاتی که بعد از فتوحات رخ داد و استبداد، حالت تقدس پیدا کرد و به وسیله بسیاری از فقیهان و متکلمان اشعری و شبه اشعری و بعدها هم توسط فقیهان اخباری و شبه اخباری در جهان اسلام بازتولید شد و بخش عظیمی از جهان اسلام از دوره بنی‌امیه، حکومت بنی‌عباس و تا عثمانی‌ها معطوف به این نوع حکومت دینی است.

نوع دوم حکومت‌های دینی است که بیشتر معطوف به دوره‌ای است که ما با عنوان دوران پیامبر (ص) و خلفای راشدین با شدت و ضعفش و در دوره امام علی (ع) در شکل قابل دفاع آن را می‌بینیم. در این نوع حکومت تئوکراسی بنا بر آن‌چه که در تاریخ آمده است، در واقع پذیرفته می‌شود که سرنوشت انسان به دست خداوند رقم می‌خورد و اوست که باید سرنوشت خودش را تعیین بکند. انتخاب، ارادی و آگاهانه و متکی بر مبانی نظری و تا حدود زیادی درست است و اصل بیعت، ارادی است. در بررسی‌های تاریخی نه در دوره پیامبر (ص) و نه در دوره امام علی (ع) شاهد بیعت اجباری نیستیم و آن بزرگواران کسی را مجبور نکردند که بیعت کند. اصل بیعت ارادی است و متکی بر یک میثاق روشن و پیوند دو سویه بین حاکمیت و مردم برقرار است. تلاش قدرت و حکومت این است که مردم را (لیقوم الناس بالقسط) برای قیام به عدالت و تحقق قسط تربیت کند.

نکته‌ی دوم این که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های دوره جاهلی «قتل نفس» بوده است. قتل نفس یک امر شایع و رایج جامعه جاهلی است. خون به جز در قبیله‌ی خود حرمت نداشت. و بنابراین از همان صدر اسلام هم قتل نفس، نفی و نهی می‌شود و حرمت پیدا می‌کند. خداوند مجازات معنوی خون‌ریزی را بسیار بزرگ قرار می‌دهد: فکأنما قتل الناس جمیعاً. یعنی قتل یک نفر برابر کشتن همه است. نهی دوم شرب خمر است. حتی قرآن خطاب به مؤمنین می‌گوید که: یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلاه و انتم سکاری؛ ای مؤمنین هنگام مستی نزدیک

نماز نشوید. ولی در برخورد با این، خداوند و پیامبر (ص) امر را چگونه قرار می‌دهند؟ چون یک امر رفتاری و فردی است، به صورت تدریجی و هشدار به ضررهای آن، و این که نفعش کم‌تر از ضررش است، سعی در نفی تدریجی آن دارند. قتل آن‌قدر برای خداوند مهم است که وقتی می‌خواهد چیز مهم‌تری را بگوید، شاخصش را قتل قرار می‌دهد: الفتنه اشد من القتل. یعنی قتل آن‌قدر بزرگ است که فتنه از آن بالاتر است.

اگر یک نگاه اجمالی به غزوات و سرایای پیامبر (ص) که نزدیک به هشتاد غزوه و سربزه‌گزارش شده است داشته باشید، ملاحظه می‌کنید تمام تلاش پیامبر در جنگ با دشمنانش این بوده که حتی از دشمنانش کم‌تر کشته شود. مهم‌ترین غزوات پیامبر (ص) غزوه خندق است که اگر پیامبر آن را مدیریت نمی‌کرد، هزاران نفر کشته می‌شدند، ولی پیامبر به گونه‌ای مدیریت کرد که در این جنگ تعداد اندکی کشته شدند.

اما بعد از رحلت پیامبر (ص)، با پدیده‌ای رو به رو هستیم که به اصطلاح تاریخی به جنگ‌های ارتداد یا رده معروف شده‌اند. عده‌ای از مسلمانان در دوره ابوبکر، مرتد شدند. دوره‌ی حکومت ابوبکر هم دو سال است. فقط در جنگ‌های ارتداد یعنی در حدود یکی سال و اندی، سه هزار مسلمان کشته شدند. در واقع آغاز عادی شدن ریخته شدن خون. این که در کربلا به راحتی خون ریخته می‌شود و هلهله می‌کنند، مقدماتش این‌جا فراهم می‌شود. بخشی از این جنگ‌ها به خاطر ارتداد بود، ولی بخشی از آن هم سیاست بود.

به هر حال خون بسیاری از مسلمانان ریخته شد و بعد به راحتی از این خون‌ها گذشتند. با این که خلیفه دوم به شدت مخالفت کرد، اما گفته شد شمشیری که برای جامعه اسلامی امنیت ایجاد می‌کند به راحتی در نیام نمی‌کنیم.

جنگ‌های ارتداد مقدمه فتوحات است. یعنی مسلمان‌ها بعد از جنگ‌های رده، سراغ فتوحات رفتند. بسیاری از مسلمانان در جزیره‌العرب بعد از

فتح مکه مسلمان شدند. آنان نه با روح اسلام، نه با معنویت اسلام و نه با عمق مرحمت اسلام آن‌گونه که صحابه بزرگ پیامبر (ص) تربیت شده بودند آشنا نشده بودند و قرآن را نمی‌شناختند. خیلی از آن‌ها فقط آیاتی از قرآن را شنیده بودند. بخش عظیمی از آن‌ها اصلاً سواد هم نداشتند. حال جامعه‌ای که خود باید اصلاح و تربیت شود و آماده شود برای این که جامعه ایده‌ال درست کند، رفت یک جهان ایده‌آل درست کند. و بعد آسیب‌های عظیمی از دل پدیده‌ی فتوحات بیرون آمد. جامعه‌ی ناآشنا، به سرعت وارد یک فضای اکشن و عمل‌گرا شد. آدمی که هنوز بصیرت ندارد. جامعه‌ای که بصیرت ندارد به او شمشیر می‌دهند. پس از فتوحات اولیه، دامنه فتوحات صد سال به درازا کشید. خیلی از این افراد در دوردست‌ترین نقاط فقط با اسلام سیاسی و اسلام متکی بر غلبه تربیت شدند. پیامبری که جزو آخرین اقدامات‌شان این است که فرمود اگر حتی از شما بر گردن من پیامبر هست، بیایید و بگیرید، و آن واقعه‌ی مشهور کف و تازیانه. جامعه‌ی جاهلی با میراثی از اسلام در واقعه کربلا دوباره بازتولید می‌شود.

پیامبر (ص) جامعه‌ای جاهلی را که متکی بر سه اصل قبیله، عصبیت، و غنیمت بود، تبدیل به امت، عقیده و عدالت نمودند و تلاش کردند این اصول را در جامعه نهادینه کنند ولی در بخش عظیمی از جامعه به دلایل عدیده محقق نشد. اتفاقی که در فتوحات افتاد، این بود که متأسفانه عقیده اسلامی مجدداً با عصبیت قبیله‌ای ممزوج شد.

عدالت اسلامی به شدت تحت تأثیر غنیمت قرار گرفت و امت اسلامی مجدداً قبیله قبیله شد. از این نظر فتوحات را باید آغاز انحطاط فکری مسلمانان دانست که بخش عظیمی از آسیب‌های بعدی جهان اسلام از این اشتباه استراتژیک نشأت می‌گیرد. نگاه انتقادی امیرالمؤمنین به فتوحات و توزیع ثروت از فتوحات را در تاریخ ببینید. اصلاً این نوع تفضیل معنوی قرآن که فرموده است مجاهدین تفضیل دارند را تبدیل به تفضیل مادی کردند و گفتند

هرکس زودتر اسلام آورده باید سهم بیشتری از ثروت جامعه ببرد. یعنی تقسیم بیت‌المال بر اساس سابقه. و بعد چون نیاز به نیروی جنگجو و مبارز در فتوحات داشتند، و در میان بسیاری از کسانی که مسلمان واقعی بودند، این سرکشی زیر سؤال بود. کار در اختیار نومسلمانان و خشن‌ترین قبایل عرب قرار گرفت. از یازده لشکر مسلمانان در فتوحات اولیه، شش لشکر در اختیار بنی‌امیه قرار گرفت. چرا که بنی‌امیه شعار الحق لمن غلب را قبول داشت. این‌ها راحت دستشان به خون و قتل نفس باز می‌شد. نیروهای اصلی فتوحات اسلامی، بنی‌امیه بودند و بعد یکی از نقاط مهمی که فتح کردند شام بود. برادر معاویه و سپس معاویه و بعد توسط یزید. و پایگاه بنی‌امیه شد. ایران هم توسط سعد وقاص که پسرش در واقعه‌ی کربلا بود فتح شد. پسر سعد برای چه به کربلا آمده؟ برای فتوحات و غنیمت. سعد بن ابی وقاص در زمان امیرالمؤمنین آدم بزرگی است. او جزو قاعدین شد و از حضرت حمایت نکرد.

عمرو عاص، معاویه، ابوموسی اشعری، مغیره ابن شعبه، این‌ها از سرکردگان فتوحات هستند. مغیره کسی است که پدر سیاست است و ولیعهدی یزید را او پیشنهاد کرد. سعید بن عثمان، پسر عثمان. به او می‌گویند برو به ماوراءالنهر و هر چه می‌خواهی غنیمت بیاور ولی یک شرط دارد که با بیعت یزید مخالفت نکنی. سال ۵۶ رفت و سال ۵۷ به همراه غنائم بسیار و چهار هزار اسیر برگشت. و آن‌ها را به کارهای پست در مدینه گماشت و آن‌قدر آنان را اذیت کرد که شورش کردند و او را کشتند. جای پای بخش عظیمی از سربازان اصلی و سرداران اصلی فتوحات را در واقعه جمل و صفین و شکل‌گیری خوارج و بعد در کربلا می‌بینیم. اصلاً خانواده عبیدالله بن زیاد عموماً فرماندهان اصلی فتوحات هستند. یعنی کسانی که بدون این که تربیت شده و آموزش دیده باشند و با منطق اسلام آشنا باشند، این آدم‌های عمل‌گرا که شمشیر

دانش‌شان را تفسیر می‌کرد و تولید می‌کرد نیروهای اصلی فتوحات شدند. هرچند در اثر فتوحات، قرآن به سرزمین‌های فتح شده رسید و بعدها آثار خوبی روی مردم آن مناطق داشت. بخش عظیمی از فقها، فیلسوفان و دانشمندان بزرگ اسلام از میان اعراب نبودند. اما فتوحات برای جامعه اسلامی آسیب‌های فراوانی ایجاد کرد.

امنیت و عدالت برای انسان‌ها مهم است اما اگر بین امنیت و عدالت تعارض ایجاد شد تقدم با کدام است؟ این تفاوت اندیشه شیعه با دیگر فرق است. امیرالمؤمنین در عمل نشان دادند اگر بین امنیت و عدالت تعارض ایجاد شد، تقدم با عدالت است. وقتی امنیت ترجیح پیدا کرد، عدالت رخت برمی‌بندد.

هر کس با شمشیر غلبه پیدا کرد مشروعیت دارد. این در نظرات بخشی از فقهای اهل سنت به تصریح آمده است. مشکل حضرت امیر هم همین بود. در دوره‌ی حکومت علی (ع) مغیره به ایشان گفت با معاویه کاری نداشته باش. دیگران هم گفتند که عطف به ماسبق نکن. امام علی (ع) معتقد بود که

نمی‌توان برای حفظ امنیت، حقوق انسان‌ها را منکر شد. نتیجه آن شد که با این حرف جنگ جمل بر او تحمیل شد. طلحه و زبیر برای گرفتن مقرری آمدند، حضرت گفت مقرری شما با موالی یکی است. بعد آنها جنگ جمل را راه انداختند. در عاشورا چه چیزی رخ داد؟ گفتند حتی اگر نوه پیامبر (ص) قیام کند و امنیت را به خطر بیندازد، حکم او مرگ است. پایه اینها در فتوحات گذاشته شد. بسیاری از مسلمانان توسط مسلمانان به خاطر حفظ امنیت از بین رفتند.

در دوره امیرالمؤمنین (ع) بخش عظیمی از سپاهیان فتوحات آمدند و امت اسلامی را غارت کردند و حکومت امیرالمؤمنین را مورد تعرض قرار دادند. این‌ها در فتوحات تربیت شده بودند. به آدم تربیت نشده شمشیر می‌دهند و دستش را هم باز می‌گذارند. بعد عرب مسلمان متدین که در شعب ابی‌طالب یک خرما را ده نفره می‌خورد، حال کرور

کرور سکه و غنیمت برایش می‌آید. بعد گفتند تقسیم بر سابقه. کسی که سابقه بیشتری داشت، بیشترین ثروت نصیبش شد. جامعه‌ای که تا دیروز مناسبات ساده اقتصادی داشت، میلیون‌ها درهم و دینار برایش می‌آید. طلحه که جانباز نود درصد است چون آن‌قدر در رکاب پیامبر شمشیر خورده که اگر شمشیر دیگری به او بخورد به محل زخم شمشیرهای دیگر می‌خورد فقط یک قلم نصیبش از فتوحات، صدها شتر سرخ‌موی است. این شخص دچار یک نوع اختلال روانی و اسکیزوفرنی نمی‌شود؟ بعد در برابر امیرالمؤمنین (ع) قرار می‌گیرد و حضرت به او می‌گوید به خاطر می‌آوری روزی را که پیامبر (ص) گفت: طلحه! روزی با علی می‌ستیزی و حق با علی است؟ تازه متوجه می‌شود. آدم‌هایی که هیچ نداشتند تبدیل به آدم‌هایی شدند که خیلی چیزها دارند. و چون به صحابه اجازه نمی‌دادند که از مدینه بیرون بروند، این پول‌ها مدام می‌آمد و مجبور بودند این پول‌ها را انبار کنند. پول داشتند و نمی‌توانستند خرج کنند. بعدها راه را برای آن‌ها باز کردند و عقده‌ها گشوده شد. تعجب نکنید که در عاشورا پیراهن غارت می‌کنند. این‌ها جای دیگری برای این کار تربیت شده‌اند. این که می‌بینید وقتی اصحاب امام کشته می‌شوند بر بدن آن‌ها می‌تازند، انسان ناگهانی خبیث نمی‌شود. فتوحات، بستر خبائثت بخش عظیمی از جامعه اسلامی است که تربیت نشده بودند و در این فضای پرتنش راحت آدم کشتند و ثروت پیدا کردند و حق دیگران را پامال کردند.

خوارج محصول فتوحاتند. خشونت خوارج محصول فتوحات است. ویژگی معرفت خوارج چیست؟ ایمان و کفر. هر که گناه کرد و توبه نکرد واجب‌القتل است. به راحتی حکم به قتل دیگران می‌دهند. فتوحات ترور را در جامعه‌ی اسلامی رواج داد. سعد ابن عبادۀ ترور شد، عاملش پیدا نشد، گفتند جنیان او را کشته‌اند.

امیرالمؤمنین (ع) هم که توسط خوارج که پدیده‌ی فتوحاتی بودند شهید شدند. امام حسن (ع) را هم خوارج ترور کردند و خوارج پل پیروزی معاویه شدند. خوارج از معاویه هم زیاد ضربه خوردند، ولی چون دشمنی‌شان با امیرالمؤمنین بیشتر بود، در مجموع



را می‌بینیم. و بعد در فرهنگ شیعه هم آن را می‌بینیم.

غلو نوعی مالیخولیای ذهنی برای آرامش و آسایش است. نمی‌توانستند تحلیل کنند، بنابراین پناه می‌بردند به چیزهایی که آن‌ها را آرامش دهد و رندان هم آن را تقویت می‌کردند. در تاریخ جامعه‌شناسی کوفه هفت قبیله بزرگ در کوفه هست از اموی‌ها، خوارج، شیعه اعتقادی و ... شیعه سیاسی کسانی هستند که به امام علی نگاه اعتقادی ندارند و او را ترجیح می‌دهند بر معاویه ولی حاضر نبودند پای آن شلاق بخورند. ترکیب کوفه، ترکیب بسیار ناهمگنی دارد و مکرر اقبال می‌کند و مکرر ادبار می‌کند. شیعیان هم، همه خیانت نکردند. ولی تعداد آنان زیاد نیست. خود عراقی‌ها تمایل ندارند شامی‌ها بر آن‌ها حاکم شوند و هرگاه فرصت پیدا می‌کردند سعی می‌کردند از حاکمیت شامی‌ها خارج شوند. این ترکیب نامتجانس کوفه محصول فتوحات است. به امام علی (ع) و بعد به امام حسن (ع) اقبال کردند و در نهایت نیامدند. در قضیه حجر بن عدی اقبال کردند و باز نیامدند و در واقعه کربلا اقبال شد و به دلایلی نشد و توابعین و مختار در سال ۶۶ در قضیه زید و یحیی هم همین‌طور شد. البته این جامعه، این مجموعه در کنار هم نشست تا طبیعت جامعه اسلامی تغییر پیدا کرد و معاویه به دلایلی با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) مدارا کردند. یکی از دلایل صلح امام حسن (ع) این بود که گفت اگر من صلح نکنم خون مسلمین ریخته می‌شود. خون مسلمین مهم است. بعد البته امام حسین (ع) را مخیر کردند بین بیعت و مرگ. که امام حسین (ع) قبول نکردند. البته من نمی‌گویم امام حسین (ع) به خاطر بیعت نکردن قیام کرد. امام یک طرحی داشت که پیش از اجرا به دنبال آن و گام به گام پیش آمد و نتیجه خوبی از آن گرفت. در واقعه عاشورا هم امام از کناره‌گیری استقبال نکرد. تا آن‌جا که توانست، خواست خونی ریخته نشود ولی جلوی او را گرفتند.

نتیجه فتوحات این شد: امتزاج عقیده، انحراف اسلامی با سلطنت، ترجیح امنیت بر عدالت، غلبه تکلیف بر حقوق، تقدس استبداد. یکی از شاخصه‌های جامعه اسلامی رشد اخلاق است. اگر می‌خواهید ببینید یک جامعه چقدر رشد کرده، ببینید اخلاق چقدر در

به نفع معاویه عمل می‌کردند. و در سپاه ابن‌زیاد بخشی از خوارج را می‌بینید که شعار می‌دهند ما به خاطر انتقام خون پدرت در این‌جا گرد آمده‌ایم. جریان انحرافی دیگری که ایجاد شد مرجئه بود. در اثر فتوحات و فراوانی ثروت و قدرت، این‌ها خسته شده بودند و وقتی می‌دیدند صحابه پولدار شده‌اند، نمی‌توانستند توجیه کنند، ابهام برایشان ایجاد شده بود. گفتند اصلاً ایمان ربطی به عمل ندارد. ایمان برای روز قیامت است و ربطی به عمل ندارد. مرجئه توسط معاویه ایجاد نشدند بلکه فرهنگ زمانه آنان را تولید کرد اما توسط معاویه تقویت شدند و بعد منطق مرجئه دست خلیفه را برای قتل نفس باز کرد. بنابراین خلیفه می‌توانست هر کار کند، ولی مؤمن باشد. این دنیاگرایی به شدت دنیاگرایی‌های صوفیانه و کنار کشیدن و خوش‌باشی‌ها و انحرافات اخلاقی و دروغ و نفاق را ایجاد کرد. تعجب نکنید به امام نامه می‌نویسند و بعد بی‌وفایی می‌کنند. این که امام سجاد (ع) این همه در صحیفه سجادیه تأکید به وفای عهد می‌کند به خاطر این است که جامعه اسلامی دچار یک آسیب سنگین به واسطه فتوحات شده است. راحت پیمان می‌شکنند، راحت دستش به خون آلوده می‌شود. این‌گونه اشتباهات استراتژیک، اسلام را تبدیل به یک پوستین وارونه کرد، همان‌گونه که امیرالمؤمنین (ع) فرمود. بعد بخش عظیمی از نیروهای فتوحات در جمل و صفین و بخش عظیمی در سپاه معاویه و واقعه کربلا حضور پیدا کردند. طبیعت جامعه دگرگون شد و تدریجاً این جامعه راه خود را جدا کرد. به گونه‌ای که وقتی درباره مناطق مفتوحه صحبت می‌کردند به منطقه سواد یا ماوراءالنهر می‌گفتند این‌جا بستان قریش است. دیدید که چگونه مالک اشتر را ترور کردند. محمد بن ابی‌بکر را کشتند تا این پایگاه‌های قدرت را حفظ کنند. فتوحات منجر به رشد اندیشه قضا و قدری، اعتزال سیاسی و دنیاگرایی و غلو شد. رشد غلو را در همین دوره‌ها داریم.

مسلمانان آمادگی فرهنگی نداشتند، بعد با فرهنگ مانویت و فرهنگ‌های دیگر امتزاج پیدا کردند. در این دوره با رشد غلو و اندیشه‌های انحرافی روبه‌رو هستیم. بعدها هم در نهضت ابن‌مقفع و بابک خرم‌دین این

آن نقش دارد. چقدر وفای به عهد نقش دارد. المؤمن یزنی ولایکذب. چقدر در آن صداقت هست و چقدر مردم در برابر دیگران احساس امنیت می‌کنند. چقدر در آن تهمت نیست. چقدر در آن نفاق و چند چهرگی نیست. یکی از نتایج فتوحات، فقه غلبه است. از این دوران به بعد با فقه غلبه مواجهیم. یعنی بخش عظیمی از فقها غلبه را به رسمیت می‌شناسند. شافعی شخص بزرگی است و به اهل‌بیت (ع) هم علاقه‌مند است ولی امر واقع خود را تحمیل می‌کند. می‌گوید هر قریشی که غلبه پیدا کرد با سیف، او خلیفه است. سیف شد مبنای مشروعیت. بعد هم می‌بینیم در زیدیه که یک انحراف از شیعه است می‌گویند امام وقتی امام است که قیام به سیف کند. در حالی که بزرگ‌ترین شاخصه امام، هدایت است نه قیام به سیف.

بازیگران صحنه‌ی کربلا را ببینید. زیاد بن ابیه کسی است که تا سال ۵۳ در ایران است. عبیدالله بن زیاد فرمانده سپاه کربلا از سال ۵۳ تا ۵۶ در فتوحات ایران است. و چه جنایت‌ها که نکرد. عموی حجاج ثقفی که یکی از نیروهای اصلی فتوحات است و غارت‌های بسیار نموده است. عبدالرحمان بن زیاد (۵۸ تا ۶۱)، مسلم بن زیاد، عبدالله بن عامر و بعد پسرش، کسانی هستند که در کربلا بودند و نقش فعالی در فتوحات داشتند.

* متن سخنرانی دکتر ظریفیان در سلسله نشست‌های عاشورا پژوهی چهل منزل تا اربعین؛ همراه با تلخیص



امیر عیسی ملکی

آئینه داران آفتاب

ندارد. نمی‌توانیم حادثه‌ای دیگر پیدا کنیم و آن را هم‌شأن و هم‌شانه‌ی این حادثه کنیم و بگوییم این‌ها مثل همه‌اند. مثلاً کسی نگفته کربلا مثل احد است. مثل بدر یا احزاب است. درخود قرآن حوادث و غزوات عصر پیامبر (ص) گاهی با تعبیر مثل به کار می‌روند ولی واقعا کربلا مثل هیچ چیز دیگری نیست. خودش است. و چون استثناست، نگاه استثنایی طلب می‌کند. قلم استثنایی طلب می‌کند، رویکرد استثنایی می‌خواهد. این است که باید دیگرگونه آن را دید، تحلیل کرد و باز گفت. به همین خاطر وقتی به واقعه کربلا می‌رسیم، خودمان احساس می‌کنیم زبان‌مان عوض می‌شود. حتی اگر کسی شروع کند به گفتگو درباره حوادث تاریخ، وقتی به حادثه کربلا می‌رسد شکل سخن گفتنش متفاوت می‌شود. این را در خودش حس می‌کند. همین هم باعث شده کسی مثل شیخ جعفر شوشتری که واقعاً مجتهد در عرصه سوگ است، کتابی بنویسد به نام خصائص الحسینیه. یعنی امام حسین (ع) واقعا ویژگی‌هایی دارد که در هیچ کس دیگری مثل پیامبر و امیرالمؤمنین نیست. واقعا وقتی نگاه می‌کنیم همه چیز امام حسین (ع) استثنا می‌شود. خاکش استثنا می‌شود. ولو گرچه بعضی از شیعیان وقتی وارد بقیع می‌شوند متأسفانه از خاک بقیع برمی‌دارند و گاهی می‌خورند. و نمی‌دانند که این ویژگی فقط مختص خاک امام حسین (ع) است. هیچ کس اربعین مکرر ندارد، فقط امام حسین (ع) اربعین مکرر دارد. هیچ کس خاکش این خصوصیت را ندارد و هیچ کسی این‌گونه برای زیارت مزارش دعوت نشده است. همه چیزش استثنایی است. این استثنایی بودن تحلیل و بیان متفاوتی را طلب می‌کند اما در عین حال نباید از تاریخ به معنای تاریخ هم غافل باشیم، و با این مقدمه وقتی سراغ کربلا و اندیشیدن و کار کردن برای کربلا آمدیم، احساس می‌کنیم بود که هر چه آن بار عاطفی بیشتر باشد، تأثیرگذاری هم

– یک سؤال که همیشه در مورد تاریخ‌نگاری، مخصوصاً نگارش وقایع مذهبی یک ملت مطرح است، این بوده که روش مؤلف و متدولوژی مورخ در نگارش تاریخ بر یک روش علمی و آکادمیک مبتنی است یا بر مبنای پیش‌فرض‌های مؤمنانه؟ لذا به عنوان سؤال اول بفرمایید در نگارش آئینه‌داران آفتاب چقدر توانستید از شخص محمدرضا سنگری فاصله بگیرید و به دور از تعلقات و حبی که به اهل بیت (ع) دارید، در جایگاه یک مورخ به نگارش بپردازید؟

– در مورد تقسیم‌بندی که انجام دادید و نسبتاً امروزه مقبول نیز هست یعنی نگاه مؤمنانه یا نگاه علمی به تاریخ، باید این نکته را مطرح کنم که با تمام باورم به آن رسیده‌ام و تردید ندارم که هر کس در این وادی قدم بزند به آن خواهد رسید، و آن، این نکته است که کربلا چیز متفاوتی است. هرچند در تاریخ اتفاق افتاده. یک قطعه تاریخی است که از جنس حادثه‌های دیگر نیست. شاید آن تعبیر رسایی که امام مجتبی (ع) در آخرین لحظاته به امام گفت که لا یوم کیومک یا ابا عبدالله؛ هیچ روزی مثل روز تو نیست؛ محوری باشد برای این موضوع و بحث و رویکرد مرا در نوشتن آئینه‌داران آفتاب، روشن کند که هیچ روزی مثل روز عاشورا، و هیچ جایی مثل کربلا نیست. درست است که همه حادثه‌ها در تاریخ بی‌نظریند یعنی هیچ حادثه و تاریخی در تاریخ عیناً تکرار نمی‌شود. چون خدا تکرار ندارد؛ کل یوم هو فی شأن؛ خدا هر روز در کار تازه‌ای است. به قول فلاسفه لا یقصر من الواحد الا الواحد. و به قول عرفا لا تکرار فی التجلی. در تجلی خدا هیچ تکراری وجود ندارد. ولی حادثه کربلا کفوی



انتشار کتاب «آئینه داران آفتاب» اثر محمدرضا سنگری باعث شد تا بار دیگر نظرات و یافته‌های این عاشورا پژوه را مرور کنیم. سنگری در این کتاب از دل مشغولی‌های خود در این چند ساله می‌گوید و هر کدام از یاران امام را در یک بررسی تاریخی باز می‌نماید. در این گفتگو ابتدا از شیوه تحقیق و نگارش کتاب پرسیدیم و سپس نقد‌های وارد بر مدل پژوهش و تحقیقات سنگری را با خودوی مورد ارزیابی قرار دادیم. شیدایی و شیوایی سنگری هنگام صحبت راجع به امام حسین و یاران وی (که موضوع اصلی آئینه داران آفتاب است) گذشت زمان را فراموش ساخت و مصاحبه را بیش از زمان مقرر طولانی ساخت همین موجب شد گفتگوی ذیل در دو بخش تنظیم گردد که بخش دوم این گفتگو در شماره آتی می‌آید.



بیشتر است. حتی اگر می‌خواهیم تاریخ را بگوییم، این هم باید متفاوت باشد. همین است که وقتی نگاه معصومین به کربلا را پس از کربلا تحلیل می‌کنید، پیش از آن که به تحلیل توجه کنند، به بعد عاطفی آن تکیه کرده‌اند. می‌گویند برای او شعر بگویید. حتی آنجا که وقتی کسی خدمت امام صادق (ع) می‌آید و از کربلا می‌گوید، امام می‌گوید چرا به آن شیوه‌ای که خودتان دارید نمی‌گویید، یعنی صمیمی‌تر و به زبان محلی خودتان. این‌ها نکات قابل توجه و تأملی است و معلوم می‌شود ما ناگزیریم از گذرگاه عاطفه بگذریم. یعنی از منظر عاطفی، این بعد عاطفی را جدی‌تر و قوی‌تر ببینیم.

– آیا این به معنای تعطیل کردن عقل نیست؟

– خیر، به هیچ وجه. تحریک عاطفه برای امام حسین (ع) مقصد نیست. این‌ها تمهید و مقدمه‌ای است برای این که اسوه بودن ابا عبدالله (ع) را بیابیم که ابا عبدالله (ع) گفت: لکم فی اسوه. من برای شما اسوه هستم. یعنی نگاه‌مان به کربلا و جهت‌گیری‌مان نهایتاً به این‌جا برسد که از ابا عبدالله (ع) یک الگو بدهیم، یک سرمشق برای این نسل عرضه کنیم که در زیستن بهتر و در تعامل‌شان با دیگر انسان‌ها در حرکت برای رسیدن به عدالت، آزادی، عزت انسانی، کرامت انسانی. برای رسیدن به حیات طیبه از کربلا بهره بگیریم و استفاده کنیم. و یادمان باشد کربلا هم در این زمینه هیچ چیز کم ندارد. کجای قرآن هست که در کربلا دیده نشود. یکی از بزرگان گفته است که اگر قرآن عالی‌ترین قانون است کربلا عالی‌ترین اجراست. یعنی شما می‌توانید اجرای قرآن را در کربلا ببینید و بیابید. روابط انسانی زیبا در کربلا دیده می‌شود. شما عالی‌ترین تجسم شعائر و عبادات را می‌توانید در کربلا ببینید. عالی‌ترین دفاع از دین در کربلا.

– با توجه به فرمایشات شما پس این نقد که کتاب دارای نگاه مؤمنانه است را می‌پذیرید و لذا روش خود را در نگارش کتاب مؤمنانه می‌دانید؟

– وقتی سراغ اصحاب ابا عبدالله (ع) و کل کربلا آمد، سعی کردم امتزاجی از این دو نگاه را داشته باشم. هم سعی کردم نگاه عالمانه و تحقیقی و پژوهشی داشته باشم و هم سعی کردم آن نگاه عاطفی را به کربلا داشته باشم و همه را با هم درآمیختم. من در هیچ نوشته‌ای بر عاطفه محض تکیه نکرده‌ام. از درون آن سوسو و یا سرانگشت اشاره به سمت آن‌چه باید باشیم، یعنی ابا عبدالله (ع) را

آن بعد حماسی دیده‌اند. گاه نگاه تاریخی محض بوده است. گاه نگاه تاریخی تحلیلی، تطبیقی بوده است. گاه نگاه تطبیقی داشته‌اند و بعضی تحلیلی. خوشبختانه نگاه در این زمانه بسیار زیاد شده است. من سعی کرده‌ام نگاه جمعی از این‌ها باشد. اگر بخواهیم همه این‌ها را خلاصه کنیم در همین دو، یعنی هم سعی کرده‌ام نگاه ذوقی و هم نگاه تحلیلی به کربلا داشته باشم.

– روش‌های علمی نشان می‌دهد که مورخ حتماً باید متد خود را مشخص کند. لذا باید روشن باشد که شما کدام نگاه را در اولویت قرار داده‌اید تا مخاطب شما سر در گم نشود و بتواند با توجه به روشی که شما اتخاذ نموده‌اید کتاب را تحلیل کند و این که شما می‌گویید روش من امتزاجی از این روش‌ها بوده جز حیرت‌افکنی در کار مخاطب و سر در گمی او حاصلی ندارد. لذا بفرمایید در نگارش کتاب کدام دید برای شما اولویت داشته است؟

– من باید خود کتاب را یک بار معرفی کنم، چون به نظر می‌رسد برخی از ابهام‌ها در معرفی دقیق‌تر و درست‌تر کتاب زده می‌شود. من وقتی به مجموعه کتاب‌هایی که در باب ابا عبدالله (ع) نوشته شده، نگاه کردم، متوجه شدم

که نوع نگاه، نگاه قبیله‌ای است. یعنی عمدتاً بر مبنای کتبی است که در گذشته نگاشته می‌شد و تقسیم‌بندی افراد بر مبنای قبیله و هویت قبیله‌ای آن‌ها بوده است. کتاب انصار الحسین و ابصار العین از سماوی همین‌گونه است. مقاتل الطالیین هم از نامش معلوم است که این‌گونه است. بعضی تقسیم‌بندی‌های دیگر هم بودند، مثل معرفی چهره‌ها بر اساس القبا. یا گفته‌اند بنی‌هاشم برترند و اول آن‌ها را آورده‌اند و بقیه را بعدتر آورده‌اند. و حتی چهره‌ها را در آخر آورده‌اند. دیدم این خیلی جفاست و چهره اصحاب را به درستی معرفی نمی‌کند. یا بر مبنای زیارت‌هایی مثل رجبیه که اصحاب را بررسی کرده‌اند. من به نظرم رسید که باید به گونه‌ای دیگر به اصحاب نگاه کنیم. نخستین کار این بود که باید به درستی در تاریخ، این چهره‌ها را پیدا کنیم و بشناسیم و پیش از حادثه هم این چهره‌ها را بشناسیم و کاری نکنیم در پرتو ابا عبدالله (ع) این چهره‌ها گم شوند. گفتم کربلا را این‌ها ساخته‌اند. بالاخره ستاره‌ای در میان این منظومه هست و این ستاره‌ها هم در اطراف آن هستند. ما بیابیم این‌ها را معرفی کنیم. این است که دقیقاً با نگاه تحلیلی تاریخی شروع کردم و اگر کسی کتاب را بخواند، تقریباً ۳۰۰ صفحه اول کتاب که بخش مهمی است، نگاه کاملاً تحلیلی و تاریخی و پژوهشی است. به دقت منابع و مأخذ را ذکر کرده‌ام. این‌ها را با هم

افتاده بر زمین را می‌بینند، در اندیشه غنیمت پیامبر (ص) را تنها می‌گذارند و جان ایشان را کسانی مثل زنی به نام نصیبه محافظت می‌کنند. در خندق که احزاب خیلی مهم‌اند حتی آن‌جا شمشیری زده می‌شود که در روایت‌ها داریم که ضربه علی فی يوم الخندق، افضل من عبادۀ ثقلین. یک ضربه آن‌جا زده شد که از عبادت جن و انس بالاتر بود. آن‌جا وقتی عمرو بن عبدود وارد میدان می‌شود، حضرت می‌گوید که حاضر است به جنگ رود و من بهشتش را تضمین کنم. خیلی بزرگان آن‌جا هستند اما کسی بر نمی‌خیزد. تا بالاخره حضرت علی (ع) بلند می‌شود. آن‌ها مرد می‌شوند و می‌گویند متی نصرالله؛ کی پیروزی می‌رسد. در کربلا امام با آن تصفیه‌ای که کرده است، مجموعه‌ای می‌ماند که ناب ناب‌اند. می‌گویند اگر مرگ هفتاد بار باشد بار هفتادم بهتر از بار اول فداکاری می‌کنیم. کار کمی نیست. کسی آن‌جا دروغ نمی‌گوید. این حرف‌ها مبالغه نیست. اغراق نیست و فضا فضایی شاعرانه نیست. می‌گویند اگر مرا بسوزانند و دوباره زنده کنند و دوباره بسوزانند و زنده کنند هر بار بهتر از بار اول فداکاری می‌کنم. چون می‌دانم نزد چه کسی هستم. امام هم وقتی گفت بروید، گفتند انا علی نیاتا و بصائرنا. یعنی این‌جا نیت عالی‌ترین نیت و بصیرت بالاترین بصیرت است. دو

عنصر لازم برای حرکت هم همین‌هاست و این‌ها در حد کامل این‌ها را دارند. امام هم فرمود این تعبیر خیلی تعبیر مهمی است من نمی‌شناسم بهتر از اصحابم. والله لو بلوئکم؛ والله اگر بیازمایم این‌ها را، خوب‌تر از این‌ها نیست. و هرگاه می‌خواهند در تاریخ مثال بزنند، این را مثال می‌زنند. پس ناب‌ترین و خالص‌ترین حادثه است و بهترین الگویی است که می‌تواند برای هر نسل و تاریخ و دوره‌ای گفته باشند. از این جهت باز بی‌نظیر است که هر کس می‌تواند خود را در این حادثه ببیند. ما حادثه‌ای دیگر نمی‌شناسیم، در تاریخ اسلام که هر کسی بتواند خود را در آن ببیند. آئینه است. همه دوره‌های سنی در آن هست. همه

داستان سیاوش هم یک داستان شبیه داستان عاشورا است و مشترکات داستانی فراوانی با عاشورا دارد و یا مسئله تصلیب حضرت مسیح که یک مورخ مسیحی می‌تواند ادعا کند که هم کفوی در تاریخ ندارد و با رویکرد ذوقی به نگارش آن پردازد که البته در این صورت او یک مبلغ است نه یک مورخ. استدلال شما برای این که حادثه کربلا را بدون هم کفو در تاریخ می‌دانید چیست؟

هیچ تردیدی نیست که بالاخره حادثه‌ها شباهت‌هایی به هم دارد. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: استدلال علی ما لم یکن بما قد کان فان امور اشباه. همیشه برای آن‌چه پیش نیامده از آن‌چه پیش آمده استدلال کن. چون امور مثل هم‌اند. بالاخره حادثه‌ها در طول تاریخ تکرار می‌شوند، زمان و مکانشان عوض می‌شود ولی خیلی شباهت‌ها می‌شود بین آن‌ها دید. همچنان که من پیوند دو فرهنگ را نوشته‌ام و شباهت‌های هشت سال دفاع مقدس را با حادثه عاشورا بررسی کرده‌ام. گفته‌ام اتفاقات زیادی افتاده که شبیه آن حادثه است. اما این که گفته‌ام کفوی ندارد، نگاه من در درون تاریخ اسلام است. از این جهت توضیح هم داده‌ام که این حادثه تنها حادثه‌ای است که اسوه است. برای این که تنهاترین است. این که می‌گویم بی‌نظیر است از این جهات است. در تاریخ معصومین (ع) هیچ‌کدام نگفته‌اند احزاب و بدر الگوهای برای شما هستند. روی الگوی کربلا تکیه کرده‌اند. حتی در جهت‌گیری آخرین حادثه، یعنی ظهور، کربلا مقصد است و این الطالب بدم المقتول بکربلا. این جای تأمل دارد. اینجا اشاره نکرده‌ام ولی در کتاب پیوند دو فرهنگ اشاره کرده‌ام که چرا کربلا الگوست و در تاریخ انقلاب خودمان هم وقتی الگوها را تعریف می‌کنیم، از درون حادثه کربلاست. ما حمزه سیدالشهدا را داریم ولی کسی نمی‌گفت این شهید مثل حمزه سیدالشهدا است. همه الگوهایمان را از درون کربلا پیدا می‌کردیم. این بی‌دلیل نیست. هیچ حادثه‌ای در تاریخ اسلام خلوص حادثه کربلا را ندارد. بدر را اگر بخوانید، در سوره انفال به صراحت آمده که وقتی پیامبر (ص) به دو کاروان برخورد کرد، از یاران پرسید دوست دارید با کدام برخورد کنید؟ یکی کاروان ذات الشوکة بود که سلاح داشتند و یکی کاروان تدارکاتی بود. فرمودند شما دوست داشتید با غیر ذات‌الشوکة برخورد کنید. پشت این نشان می‌دهد که چقدر مقایسه هست با آن‌جا و تازه می‌بینید یک تزلزلی در بعضی هست و بعضی هراسی دارند. بدر اسلام را حفظ کرد. اگر آن‌جا شکست می‌خوردند دیگر چیزی نمی‌ماند. در احد نیز ناخالصی وجود دارد. آدم‌هایی که تا سلاح‌های

تطبیق داده‌ام. زیارت‌نامه‌ها را حتی نقد کرده‌ام. گفته‌ام آنچه به عنوان زیارت ناحیه، که منظور از ناحیه، امام زمان (عج) است، چقدر اشتباهات روی داده که شاید تعدادی از اشتباهات از ناسخان باشد که گاهی ممکن است انسان را مردد کند که من البته با ظرافت و لطافت آن را طرح کرده‌ام. پس بنابراین این کتاب، محکم و متقن است. این حاصل هفت سال و نیم کار مداوم در منابع و مأخذ مختلف است که تمام آن‌ها را در کنار هم چیده‌ام و در نهایت به استنباط‌ها و استنتاج‌ها و اجتهادهایی رسیده‌ام. یعنی کاملاً این کتاب در بخش اولش این‌گونه است. بعد از این که این مقدمه را پشت سر می‌گذاریم، اصحاب امام را به هفت دسته تقسیم کرده‌ام. معیارم معیار زمان شهادت است. یعنی چیدمان کتاب مبتنی بر نقدی است که بر همه چیدمان‌ها و شیوه‌های پیشین وجود دارد و خودم به این شیوه رسیده‌ام که توضیح داده‌ام. یک دسته شهدایی هستند که پیش از وقوع کربلا یعنی در کوفه و بصره به شهادت رسیده‌اند. و بعد از معرفی، جمع‌بندی و تحلیل کرده‌ام که در مجموع چه مقدار سن دارند، چه مقدار رجز خوانده‌اند و... کار، کاملاً تحلیلی است. بعد وقتی رسیده‌ام به معرفی این‌ها، دو کار کرده‌ام. یک کار تحلیلی است یعنی شناسنامه برای آن‌ها تنظیم کرده‌ام و بعد وارد قلمرو ذوقی شده‌ام. یعنی این بخش کتاب این دو نگاه را در کنار هم دارد، هم نگاه تحلیلی و پژوهشی دارد و هم نگاه ذوقی. من آن چهره را در بافت ادبی و داستانی آورده‌ام و سعی کرده‌ام وفادار به تاریخ بمانم. یعنی اگر داستانی است، به گونه‌ای نباشد که شاخ و برگ‌هایی که به موضوع افزوده می‌شود، مسئله را از نظر تاریخی مخدوش کند. لذا به یک ساختار تاریخی رسیده‌ام. در نتیجه کتاب از این جهت یک کار متفاوت است. من این کتاب را یک کتاب تاریخی نمی‌دانم و از اول هم به آن اشاره کرده‌ام. پس یک بخش تاریخی است و یک بخش ذوقی. اگر این شیوه که اتخاذ کرده‌ام، مدت‌ها درگیر بوده‌ام که این کار را بکنم یا نه، بعد احساس کردم این مورد نیاز است. به عبارت دیگر آن جنبه‌های تبلیغی و عاطفی و آن نگاه مؤمنانه وجود دارد ولی برای این که کار مخدوش نشود، آن را جدا کردم تا اگر کسی می‌خواهد این بخش را نگاه کند، یک نگاه مؤمنانه ببیند یعنی این چیزی نیست که به آن استاد کنند. کاری است مثل کارهای آقای شجاعی و پرویز خرسند. این‌ها را پس از هم تفکیک کرده‌ام. اگر کسی قرار باشد نگاه تاریخ مرا در این کتاب ببیند، مقدمه و آن شناسنامه‌ها را می‌خواند. احساس کردم باید کم کم مرثیه مدرن بگویم. نگاه آوانگارد داشته باشیم. از همه ابزار و امکانات نو بهره‌برداری کنیم. لذا بخش دوم را که روایت داستانی است، اضافه کردم.

آدمها و جریانها می‌توانند خود را در آن جا ببینند. حادثه کاملی است. ناقص نمانده، استمرار دارد. از این جهت حادثه بی‌نظیری است، نه از این جهت که قطعاتی از این تاریخ مثل و مانند نداشته باشد. مثلاً سیاوش یک حادثه مظلومانه است. اصلاً امام حسین(ع) در مسیر بارها می‌گفت من مثل یحیی خواهم بود. اما من مجموعه این حادثه را بررسی می‌کنم، از نظرگاه الگوسازی و اسوه دادن در تاریخ. از این جهت می‌گویم بی‌نظیر است نه این که قطعاتی شبیه این وجود نداشته باشد. این گونه کشتن بسیار در تاریخ اتفاق افتاده است. پیش از کربلا، سر حمر بن عمق خزائی را بر نیزه کردند. حادثه سر بر نیزه کردن و اسارت بردن تازه نیست، تشنه کشتن و به اسارت بردن مشابه زیاد داشته است. یعنی اگر اجزای آن را از نظر فیزیک حادثه بررسی کنیم، مثل و مانند بسیار دارد و سخت‌تر از این هم واقعاً در تاریخ کم نبوده. اگر این‌جا صد و بیست و چند نفر کشته شده‌اند قتل عام‌های چند هزار نفری داشته‌ایم در تاریخ. من روح حادثه را می‌گویم.

- اساتید تاریخ اسلام و بعضاً کسانی که در تاریخ عاشورا کار کرده‌اند، معتقدند که از اسناد تاریخی نمی‌توان خیلی از این دقت‌ها که شما استخراج نموده‌اید، از جمله ذکر زمان‌ها، سنین اشخاص و موقعیت‌ها و یا این که اذان صبح عاشورا مثلاً در فلان ساعت و دقیقه بوده و از این موارد، که حتی ممکن است باعث یکه خوردن خواننده شود و کل کار را بی‌اعتبار نماید، به دست آورد. لطفاً بفرمایید چگونه این موارد مندرج در کتاب آیین‌داران آفتاب به دست آمده؟

- بخشی از این اطلاعات، کاملاً علمی است و کسی نمی‌تواند بر آن خدشه وارد کند. مثلاً گاهنامه موجود است، شما می‌توانید برگردید عقب و هر حادثه‌ای را به صورت میلادی، یا هجری و قمری پیدا کنید. من رفتم سراغ مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران. آن‌جا به صورت دقیق و علمی مشخص است که مثلاً ده هزار سال پیش در فلان جا دما چگونه بوده. از نظر علمی کاملاً مشخص است. کما این که پنجاه سال آینده را هم می‌توان مشخص کرد. پس کاملاً کار علمی کرده‌ام. چون رشته تخصصی خودم نبوده از دانشگاه تهران استفاده کرده‌ام. یعنی در فهم حادثه کربلا به خود تاریخ کربلا اکتفا نکرده‌ام. من برای فهم بهتر عاشورا از مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران کمک گرفتم که آن روز دقیقاً چه وضعیتی داشته است. مثلاً دانستم اذان صبح عاشورا ساعت چهار و یک دقیقه گفته شده است. و آفتاب ساعت شش و سه دقیقه در روز عاشورا طلوع کرده است. خود این مطالعات بخشی از مسائل را برای من روشن می‌کرد. من بخشی از گوشه‌های کربلا را در پرتو این مطالعات و تحقیقات و تحلیل‌ها پیدا کردم. مثلاً بررسی می‌کردم که امام این خطبه را خواندند. برای آن زمان می‌گرفتم و بعد این‌ها را کنار هم می‌چیدم و زمان نسبی تیرباران را روشن می‌کردم. چون خوشبختانه یکی از جریان‌هایی که در تاریخ به جزئی‌ترین مسائلش اشاره شده، حادثه کربلاست. من این‌ها را خیلی خوب می‌توانستم بررسی کنم. وقتی می‌دیدم ساعت یازده و چهل و هفت دقیقه روز عاشورا اذان گفته شده است و حبیب پیش از او و قبل از او مسلم بن عوسجه کشته شده. وقتی این‌ها را کنار هم می‌چیدم، خیلی از مسائل برایم روشن می‌شد، یعنی چیزهایی را این‌جا روشن کردم که این مسائل در هیچ کدام از مقاتل و کتبی که از اصحاب هست، موجود نیست، اما نگفتم که این مثلاً استنباط من است. این انتاجی است که از این صغرا و کبراها چیدن‌ها پیدا شده است. از این نکته‌ها کم نیست. شاید بعداً کسانی بیایند و کارهایی بکنند و این را ببینند. کما این که الان که دارم تاریخ کربلا را می‌نویسم، واقعاً دارم خشک خشک می‌نویسم. گفتم یک بار هم باید این‌گونه بینم. الان دارم حادثه به حادثه می‌نویسم و به تمام منابع هم اشاره می‌کنم. یعنی اگر به نکته‌ای اشاره کرده‌ام، منابع آن را آورده‌ام. و گاهی برای یک کلمه سی منبع ذکر کرده‌ام. کاملاً مستند و دقیق بررسی کرده‌ام که بعد از این اگر

کسانی خواستند کارهای ذوقی انجام دهند، مستنداتشان موجود باشد.

الان در این کتابی که می‌نویسم، رجزهای مختلف امام را که در کتاب‌های مختلف آمده، جمع زده‌ام و دیده‌ام تاریخ، با این ساعت نمی‌خواند. یکی یکی این‌ها را چیده‌ام. دیدم که این قسمت قطعاً دیگر از امام نخواهد بود، حالا از سیاق کلام گرفتم، و از ذوق ادبی خودم تحلیل کردم و دیدم امام، زمان این کار را نداشت. در مورد اصحاب هم همین‌گونه بوده است. از قرائن نتیجه می‌گرفتم. مثلاً هیچ‌کس به سن فلان شخص اشاره نکرده است. می‌گوید که حدود بیست ساله بود یا تازه جوان شده بود که در فلان حادثه شرکت کرد. من از این استفاده می‌کنم و می‌بینم سال ۶۱ هم کربلا اتفاق می‌افتد. مثلاً می‌گویند وقتی فلان سال به حضور امیرالمؤمنین (ع) رسید، شش ساله بود. می‌گوید پدرش او را آورد در حالی که کودک بود. از این قرائن هم استفاده می‌کنم که شش ساله بوده است. حالا در کربلا مثلاً ۲۷ یا ۲۸ ساله است. هر جا هم سن را گفته‌ام، گفته‌ام حدود، و هر جا که دیده‌ام نمی‌شود دقیق گفت شناور گذاشته‌ام. مثلاً گفته‌ام چهل تا چهل و پنج. این خیلی کمک می‌کرد که من بتوانم معدل سنی اصحاب را پیدا کنم و تصویر روشن‌تری بدهم و بعضی اشتباهات تاریخی را روشن کنم. این را به استغنا می‌گویم. همه جعفر را که چهار برادر بوده‌اند نوزده ساله نوشته‌اند. کسی به این فکر نکرده که اگر حضرت علی (ع) سال ۴۰ هجری به شهادت رسیده است و واقعه کربلا سال ۶۱ هجری روی داده است. اگر بگوییم این بچه زمان شهادت پدر، تازه نطفه‌اش بسته شده. باید بالای بیست سال سنش باشد، مثلاً بیست و یک. گاهی تعجب می‌کردم که چطور بعضی از محققان ما به این نکات بسیار عادی توجه نکرده‌اند. این البته کار بسیار بسیار سختی بوده است. این که می‌گویم این کتاب را در هفت سال و نیم نوشته‌ام. واقعاً مسئله‌ی شب و روز من این بوده. بعضی‌ها را در هواپیما نوشتم، در سفر، مدام فکر کردم، کار کردم. لحظه خواب، همیشه دفتر و قلم کنارم بوده که اگر نکته خاصی به نظرم رسید، یادداشت کنم. چون همیشه به دوستانم می‌گویم کم‌رنگ‌ترین قلم از پررنگ‌ترین حافظه بهتر است به حافظه‌هایتان اعتماد نکنید.





اربعین چهل منزل تا

سلسله نشستهای عاشورا پژوهی

بهمکاری معاونت فرهنگی سازمان و قاف و مؤخریه
و معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی



قید قرعه کتاب‌هایی با موضوع عاشورا و نهضت امام حسین (ع) به رسم یادبود اهدا می‌شود. در پایان دوره نیز به تعدادی از مخاطبین برتر جوایزی

اهدا گردید.

در این سلسله نشست‌ها سخنرانانی همچون دکتر محمدرضا سنگری، دکتر محمدهادی همایون، حجت الاسلام سید معزالدین حسینی، حجت الاسلام عبدالمجید معادیخواه، دکتر حسن عباسی، دکتر محمد مهدی عبدخدایی، دکتر سید یحیی یثربی، حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه و ... با موضوعاتی همچون عاشورا و انتظار، جریان‌شناسی عصر عاشورا، فلسفه نهضت عاشورا، پیامدهای واقعه عاشورا، درآمدگونه‌ای بر بازخوانی عاشورا و ... به ایراد سخنرانی پرداختند.

مخاطبین نشست‌ها در هر جلسه به طور میانگین یکصد نفر بودند که در این میان حضور بانوان چشمگیر بود. خلاصه‌ی سخنرانی‌های انجام شده و معرفی سخنرانان هم‌اکنون در پایگاه اینترنتی kheimhnews.com در دسترس می‌باشد.

نهایت ایجاد زمینه مساعد جهت همکاری‌های مشترک، خیمه دایره‌ی مخاطبین خود را در میان محققین، پژوهشگران، نویسندگان عرصه عاشورا، مدیران و مسئولین تشکلهای دینی، وعاظ، منبری‌ها، مداحان و نیز مخاطبین منابر وعظ و دوستان و پیروان مکتب عاشورا تعریف کرده بود.

علاوه بر استقبال چشمگیر مخاطبین، برگزاری نشست‌ها، انعکاس وسیعی در رسانه‌ها نیز داشت. به طوری که بیش از ۱۶۵ قطعه خبر از جریان این نشست‌ها در خبرگزاری‌های معتبر منتشر شد.

ستاد برگزاری، برای برقراری ارتباط نزدیک‌تر با مخاطبان خود، هر هفته اقدام به انتشار یک هفته‌نامه با مطالبی همچون معرفی کتاب، مقالاتی پیرامون عاشورا پژوهی، خلاصه سخنرانی جلسه قبل و معرفی سخنران هفته می‌نمود.

همچنین هر هفته به چهارده نفر از مخاطبین جلسات، به

مرکز مطالعات راهبردی خیمه، در راستای اهداف خود، مبنی بر ترویج فرهنگ سیدالشهداء (ع) و پاسداشت مجالس حسینی (ع)، از خردادماه سال ۸۶، اقدام به برگزاری سلسله جلسات علمی و پژوهشی تحت عنوان «چهل منزل تا اربعین» با موضوعاتی همچون «تاریخ عاشورا، جامعه‌شناسی مناسک عاشورایی، فلسفه قیام عاشورا، پیوند عاشورا و انتظار و ...» با سخنرانی اساتید حوزه و دانشگاه به مدت چهل هفته نمود.

در این سلسله نشست‌ها که به صورت سخنرانی و با حضور اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی با گرایش‌های گوناگون اما همه بر محور عاشورا برگزار می‌شد، این امکان فراهم آمده و سعی بر آن شده بود که از میان همه پژوهشگران عرصه عاشورا با هر دیدگاه و نظری نماینده‌ای در این سلسله نشست‌ها حضور یابد و دیدگاه‌های خود را بیان کند. اهدافی که این مرکز از برگزاری این نشست‌ها دنبال می‌کرد، چنین بود:

– منبع‌یابی و مآخذشناسی عاشورا، تدوین روش تحقیق در حوزه‌های عاشورایی، بازخوانی و نگاهی دوباره به عناصر و مفاهیم عاشورایی، ایجاد محیط مساعد جهت گفت‌وگو و تضارب آراء صاحب نظران ارتقای سطح فکری و آگاهی جامعه در مورد موضوعات مرتبط با عاشورا فرهنگ سازی در جامعه پیرامون موضوعات عاشورایی شناسایی و جذب پژوهشگران حوزه عاشورا پژوهی و در



جامعه



محرم خبرهای خوب

گزارشی استاد ساماندهی شؤون فرهنگی

مذهبی اظهار داشت: برنامه‌های امسال صدا و سیما با سال‌های گذشته قابل مقایسه نیست، گرچه برخی از مصاحبه‌ها، تحلیل‌ها و میزگردها نکاتی منفی را در برداشت.

نیروی انتظامی نیز اگر به یاری سازمان تبلیغات و هیأت‌ها نمی‌شتافت، این موفقیت‌ها کسب نمی‌شد. حتی برادران ناجا (در مواردی) مورد توهین واقع شدند اما عکس‌العمل نشان ندادند. عملکرد نیروی انتظامی بسیار خوب بود.

روحانی‌نژاد با اشاره به نقش سازمان تبلیغات اسلامی،

کرده بود کاهش چشمگیر و فاحشی یافته است. امسال قمه‌زنی متفی شد، ابزار آلات غیر متعارف موسیقی در سطح کشور مورد استفاده قرار نگرفت، بحث علم و علامت‌کشی و خیمه‌سوزان هم به حداقل خود رسید. از این رو مسائل حاشیه‌ای بسیار مراعات شد. در مجالس وعظ و خطابه که در حسینیه‌ها برگزار شد، مداحان اهل بیت (ع) به محتوا بیشتر توجه کردند و از نوحه‌ها، مرثیه‌ها و اشعاری استفاده کردند که دارای محتوای خوبی بود. سازمان تبلیغات اسلامی و دستگاه‌های دیگر بر روی بخش محتوایی اشعار بسیار اهتمام ورزیدند و

محرم امسال، تغییرات محسوسی در شیوه‌های عزاداری و اصلاح برخی از عزاداری‌های ناصواب و خرافی به وجود آمد. از این رو ستاد مرکزی ساماندهی شؤون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی با صدور اطلاعیه‌ای ضمن تشکر از امت ایران به سبب رعایت شؤون فرهنگ عزاداری و پرهیز از آسیب‌ها و تلاش جهت ارتقاء بینش و معرفت دینی، از همکاری صمیمانه نهادهای فرهنگی و ارگان‌های انتظامی و سایر دستگاه‌های مرتبط، تشکر کرد. در اطلاعیه این ستاد آمده بود: همچنین جای آن دارد که مراتب تقدیر و تشکر خود را از نقش‌آفرینی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها و سربازان گمنام امام زمان (عج) در وزارت اطلاعات گفت: فعالیت این سازمان‌ها قابل اندازه‌گیری نیست؛ زیرا عملکرد آنها مفهومی بوده و بازخوردشان در گفتمان‌ها، منبرها، اعزام‌ها، جلسه‌های توجیهی و هماهنگی‌ها قابل بررسی و اندازه‌گیری است.

به نقل از روابط عمومی سازمان تبلیغات اسلامی، معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی افزود: امیدوارم ستاد از این پس، از بحث‌های آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی فارغ شده و بیشتر به بحث فرهنگ، محتوا و اثربخشی مراسم دینی بپردازد. نیز باید بنیادهای دینی جامعه را به خوبی تقویت کنیم و همچنین احیای مناسبت‌های مذهبی، برنامه‌ریزی و غنی‌سازی این ایام از اولویت‌های کاری است.

اشعاری نیز در اختیار مبلغین قرار دادند. سازمان تبلیغات اسلامی در محرم امسال بسیار مهم و تأثیرگذار عمل کرد. به طوری که با اعزام ۲۶ هزار مبلغ به سراسر کشور و توجیه آنها نسبت به این مسائل خرافی، توانست عملکرد مؤثر و سازنده‌ای داشته باشد. از سوی دیگر با تشکیل ستاد شؤون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی در مرکز و شهرستان‌ها و برگزاری یک‌هزار همایش در سراسر کشور جهت توجیه مبلغان و تولید اشعار و محتوا توانست نقش به سزایی ایفا کند. بخش‌های مهمی از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (پیرامون ستاد ساماندهی شؤون فرهنگی) به صدا و سیما برمی‌گشت که سازمان تبلیغات اسلامی نیز دیدگاه‌های خود را کتبی به رسانه ملی ارائه کرده است.

وی با اشاره به بررسی و مشاهده ۵۰ ساعت تولیدهای پخش شده رسانه ملی درباره محرم، در پنجمین جلسه مرکزی ستاد ساماندهی شؤون فرهنگی در مناسبت‌های

مسئولان هیأت‌های مذهبی و مداحان اهل بیت (ع) و نیز همکاری صمیمانه نهادهای فرهنگی و ارگان‌های انتظامی و سایر دستگاه‌های مرتبط اعلام داریم.

از دیگر خبرهای خوبی که از محرم امسال رسید، خبر معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی بود که اعلام داشت: قمه‌زنی در برخی استان‌ها به صفر رسید. حجت‌الاسلام حسین روحانی‌نژاد با اشاره به این که مراسم عزاداری امسال با سال‌های گذشته با تفاوت بسیاری همراه بود، اظهار داشت: مراسم عزاداری و سوگواری امسال نسبت به سال‌های گذشته وضعیت مطلوبی داشتند، با تشکیل ستاد شؤون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی بحث عزاداری‌ها و مراسم مذهبی چارچوب قانونی پیدا کرد و بر این اساس تعدادی از دستگاه‌های فرهنگی موظف شدند که بر اساس مصوبه آن، راهکارهای اجرایی ارائه کنند. ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد خرافه‌ها و موهوماتی که در عزاداری‌ها نفوذ پیدا



ارزشهای اخلاقی مناسک آئینی و

فرهنگ روزانه و انکار ناپذیر مردم شده‌اند.

ویژگی‌های مراسم آئینی

از ویژگی‌های مراسم آئینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در انجام دادن هر یک از این مراسم‌ها، تن انسان و اشیاء با مهارت و استادی خاصی به کار گرفته می‌شود، مانند: سینه‌زنی، نخل گردانی، زنجیرزنی.
۲. مردم در طول مراسم، «بر هم کنش» یا تأثیر متقابل دارند و این‌گونه مراسم‌ها اغلب، باعث تشدید این بر هم کنش‌ها می‌شود.
۳. در هر رسم غالباً اشیاء مختلفی به کار برده می‌شوند که معمولاً جنبه نمادین دارند و گاه تمام مراسم، حول همان عنصر نمادین می‌چرخد، مانند:

تکامل افراد خواهند شد و به روابط میان اعضای جامعه، معنا می‌بخشند و آن را نظام‌مند می‌کنند. از طرفی تعالیم دینی باید به گونه‌ای به پیروان ادیان مختلف تعلیم داده شود و به اجرا در آید. وظیفه اجرایی کردن این تعالیم بر عهده مراسم خاصی است که از آن‌ها به عنوان مراسم آئینی (Ritual Ceremony) یاد می‌شود و در اسلام، آنها را سنن، شعائر و مناسک می‌نامیم.

بنابراین، می‌توان مراسم آئینی را نوع خاصی از گفتار و اعمال منظم دانست که از آموزه‌های دینی و ماورایی سرچشمه گرفته و یا برای بیان احساسات دینی و مذهبی به کار گرفته می‌شود و به دلیل قدمت زیادی که دارند در بیشتر موارد با سنت و تاریخ مردمان یک منطقه پیوند خورده‌اند و جزئی از

رفتارهای دینی، نوعی خاص از رفتار هستند که توسط جامعه پذیرفته شده‌اند و به گونه‌ای ارتباط افراد آن جامعه را با پدیده‌های فرامادی یا ماوراءالطبیعه برقرار می‌کنند.

با تحقیق در ادیان مختلف می‌توان دریافت که اعتقاد به یک امر قدسی و فراطبیعی، یکی از اصول تمامی آن‌هاست، به طوری که مؤسس یا پیامبر هر دین، خود فرستاده آن موجود ماورایی می‌داند و پیام‌هایی را که اغلب ایدئولوژی پیروان آن دین به حساب می‌آید، از جانب او به مردم ابلاغ می‌کند. این پیام‌ها که شامل مجموعه‌ای از تعلیمات اخلاقی و رفتارهای خاص است، باعث شکل‌گیری الگوی زندگی پیروان آن مذهب می‌شود که معتقدند این پیام‌ها، در صورت درست اجرا شدن، باعث تعالی و



صلیب، علم و نخل.

۴. ادبیاتی که در مراسم آیینی به کار گرفته می‌شود، معمولاً از نوع خاص بوده و با ادبیات رسمی مردم متفاوت است.

۵. مراسم آیینی غالباً با زمان و مکان خاص ارتباط و پیوند دارد، مانند: محرم، کریسمس، عید پاک.

۶. تحذیر و اجتناب، از عناصر رایج مراسم آیینی است، به طوری که مردم به هنگام اجرای این گونه مراسم‌ها، از اعمال و گفتار خاصی دوری می‌کنند و بدان حالت تقدس بیشتری می‌بخشند، مثل ترک شیرینی و جشن موسیقی و ... در ایام تاسوعا و عاشورا و شب‌های قدر.

۷. موضوعات غیر تجربی و موجودات فوق طبیعی، زمینه بسیاری از این مراسم‌ها را تشکیل می‌دهند. این که این موضوعات و موجودات، نمادهای خدا پنداشته می‌شوند یا موضوعاتی هستند که در پس آنها حقیقت و واقعیتی نهفته است، به نقش اصلی آنها در گرایش دادن احساسات و عواطف شرکت کنندگان، به ماورایی بودن مراسم و حضورشان در محضر خداوند و نظارت روح‌های مقدس و متعالی بر می‌گردد. با این حال، مراسم، ممکن است ظاهری کاملاً دنیوی داشته باشد، مثل مراسم شب برات، که با پختن و خیرات کردن حلوا و حضور بر مزار مردگان در شب جمعه آخر سال شمسی، همراه است.

مراسم آیینی و کارکردهای آن

همان طور که گفته شد، مراسم آیینی، وسیله اجرایی آموزه‌ها و دستورهای دینی و مذهبی در هر جامعه‌ای است، و از آن‌جا که این دستورات، اغلب شامل تعالیم اخلاقی و تعدیل کننده افراط و تفریط‌های رفتاری برای اعضای یک جامعه است، می‌توان به روشنی به ارتباط مستقیم مراسم آیینی با ارزش‌های اخلاقی پی برد، به طوری که در اکثر موارد، نمونه‌های آرمانی و متعالی اخلاقی افراد یک جامعه، در حین برگزاری مراسم آیینی آنها مشاهده می‌شود. احترام به کار و فرهنگ، یاری متقابل (تعاون)، وفای به عهد، نگه داشتن حرمت سالخورده‌گان، مراقبت از کودکان، مردانگی، ثبات، صمیمیت، ایثار و ... نمونه‌هایی از ارزش‌های اخلاقی هستند که از طریق مراسم آیینی منتقل می‌شوند.

البته ناگفته نماند که این گونه مراسم‌ها، همیشه و در همه ادیان و همه جوامع و همه زمان‌ها، باعث اشاعه ارزش‌های اخلاقی در میان افراد جامعه نمی‌شوند، بلکه در مواردی هم ممکن است باعث شوند که یک سری رفتارهای غیرارزشی در میان شرکت کنندگان رواج پیدا کند.

برای مثال قمه‌زنی که در کشور ما و در بعضی دیگر از جوامع شیعی اجرا می‌شود، ترویج خشونت و به هلاکت انداختن خود را به دنبال دارد که

اموری غیر اخلاقی‌اند و چه بسا غیر مسلمانانی که این گونه رفتارها را می‌بینند، انجام دهندگان آنها را افرادی غیر متمدن و حتی به دور از هرگونه فرهنگ و اخلاق انسانی تصور کنند.

دیگر کارکردها

از دیگر کارکردهای مراسم آیینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گرد هم آوردن مردم در فواصل زمانی منظم و حفظ خطوط ارتباط و همکاری آنها، یکی از مهم‌ترین کارکردهای مراسم آیینی به حساب می‌آید که از طریق یکپارچه‌سازی جامعه، باعث اعتبار بخشیدن به وضع موجود و در نهایت، ثبات اجتماعی در سطح جامعه می‌شود.

۲. فراهم آوردن زمینه تقویت و تأیید دوباره پایبندی جامعه به یک رشته ارزش‌ها و باورداشت‌های خاص که ممکن است فراموش یا کم رنگ شده باشند.

۳. ارائه حمایت‌های روانی و کاهش اضطراب، ترس و دلهره در میان اعضای جامعه.

۴. کاهش کشمکش‌های اجتماعی در بین اعضای جامعه.

۵. تحکیم نظارت اجتماعی از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌ها و تشکلهای غیر دولتی و گروه‌های نخبگان و آگاهان.

۶. انتقال غیر مستقیم ارزش‌ها و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر در جریان برگزاری مراسم.



می‌شود.

ایام ماه مبارک رمضان نیز یکی دیگر از مراسم‌های آیینی مسلمانان است که با روزه‌داری (تحمل گرسنگی و به یاد مستمندان بودن)، افطاری دادن، و ... همراه است. در این ماه، مسلمانان همچنین با حضور در مساجد و تکایا و برگزاری مراسم سخنرانی و ختم قرآن و احیای شب‌های قدر را برگزار می‌کنند.

نکته قابل توجه درباره تمام جشن‌ها و مراسم‌هایی که در ایران پس از اسلام برگزار شده، این است که هرگاه یکی از مراسم‌های آیینی و مذهبی با انواع دیگر جشن‌ها و مراسم‌ها تقارن پیدا کرده است، آنچه بیشتر افکار و احساسات جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده، مراسم‌های آیینی و مذهبی بوده است. مثلاً در سال‌هایی که محرم و نوروز با هم تقارن پیدا کرده‌اند، مردم به جای این که ابتدای آن سال را جشن بگیرند، آن را با عزاداری امام حسین (ع) آغاز کرده‌اند و سپس به صورتی تعدیل شده، سنت‌های نوروز را به جا آورده‌اند. که این خود دلیلی بر اهمیت دادن ایرانیان به تعالیم دینی و پایبندی به دستورهای اخلاقی اسلام است.

نمونه‌ای از این گونه مراسم‌ها می‌باشد.

گروه چهارم، آیین‌های منطقه‌ای هستند که مخصوص یک ناحیه یا قوم خاص هستند و در دیگر نقاط کشور برگزار نمی‌شوند. مانند جشن برداشت خرمن یا مراسم شروه‌خوانی و گروه پنجم شامل آیین‌های خانوادگی مربوط به تولد، ازدواج، ختنه، بلوغ، زیارت، مرگ و ... است که در طوایف و خانواده‌های مختلف، به صورت‌های گوناگون برگزار می‌شوند.

هر چند که طبق تعریف، تنها گروه دوم را می‌توان جزو مراسم آیینی به حساب آورد، اما شاید بتوان بعضی از جشن‌های دیگر را نیز جزو این گونه مراسم‌ها به حساب آورد؛ چرا که در آنها نیز نوعی اعتقاد به یک امر قدسی وجود دارد و همراه با یک سری ادعیه و مراسم خاص مذهبی انجام می‌شوند.

از جشن‌های آیینی می‌توان به اعیاد فطر، قربان، غدیر و نیمه شعبان، اشاره نمود که در همه آنها ارزش‌های اخلاقی ای چون: دید و بازدید، کمک به مستمندان و ... رواج دارد.

یکی دیگر از مراسم‌های آیینی، عزاداری ماه‌های محرم و صفر است که شاید بتوان آنها را نمادی از مراسم آیینی ایرانی اسلامی دانست که در آن ارزش‌های اخلاقی ای چون تسلیم نشدن در برابر ستم و ستمگر، شجاعت، ایثار و جوان مردی و امر به معروف و نهی از منکر و ... آموزش داده

۷. یکی دیگر از کارکردهای بسیار مهم مراسم آیینی، ایجاد تعادل اخلاقی در سطح جامعه است. به طوری که مشاهده شده است در بعضی از دوره‌ها، بنا به مقتضیات زمانی و شرایط سیاسی، اجتماعی و حتی بحران‌های اقتصادی حاکم بر جوامع، آن دسته از مراسم‌های آیینی که نقش محرک، خنثی‌سازی و یا تعدیل کننده را در آن بحران بازی می‌کرده‌اند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و با شور و هیجان و گستره عمل بیشتری برگزار می‌شده‌اند و حتی گاهی منشأ و محرک دگرگونی‌ها و انقلاب‌های اجتماعی نیز شده‌اند که نمونه بارز آن را می‌توان در نقش عزاداری ماه‌های محرم و صفر در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی ایران مشاهده نمود.

نمونه‌هایی از مراسم آیینی در ایران

به طور کلی جشن‌ها و آیین‌های ایرانی را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: گروه اول را آیین‌های باستانی، اسطوره‌ای و فصلی تشکیل می‌دهند که شامل جشن‌هایی مانند: نوروز، تیرگان، مهرگان، یلدا، سده و ... هستند.

گروه دوم شامل آیین‌های دینی و مذهبی مانند: عید غدیر، عید فطر، عید قربان، جشن‌های تولد و سوگواری و وفات ائمه و ...

گروه سوم، آیین‌های ملی، میهنی و حکومتی هستند. جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی



عزاداری بانوان آسیب شناسی مجالس

ارزیابی کارشناسان از مراسم عزاداری بانوان

در این مقوله برخورداری زنان از احساس و عواطف سرشار، موضوعی بود که بیشتر کارشناسان آن را زمینه‌ساز ورود آسیب‌هایی از جمله خرافات به مجالس عزاداری امام حسین(ع) می‌دانستند.

«محبوبه مباشری» رئیس دانشگاه الزهرا(س)، با تأکید بر استعداد مجالس بانوان نسبت به بروز آسیب‌ها و انحرافات می‌گوید: طبق آمارها و بررسی‌های انجام شده، زنان بیش از مردان به مسائل مذهبی گرایش دارند و این موضوع درباره همه زنان اعم از مسلمان و غیرمسلمان صدق می‌کند. با این وجود می‌توان گفت که تمرکز زنان بر احساسات و رویکرد آنان در توجه به این مسأله می‌تواند زمینه مساعدی را برای بروز خرافات در این‌گونه مراسم فراهم کند.

«فرحناز قندفروش» مشاور استاندار تهران در امور بانوان، کارشناس دیگری بود که بر این مهم تأکید کرد و برخورداری زنان از عاطفه را یکی از ودیعه‌های الهی دانست که با هدایت صحیح مبلغان آگاه می‌تواند بهترین ظرفیت در تعالی این قشر باشد، البته به شرطی که مداحان و سخنوران از این احساسات به عنوان زمینه‌ای برای ارزش استفاده کنند نه لغزش.

نحوه ارائه مطالب توسط مبلغان از دیگر مباحثی بود که در این کنکاش با کارشناسان مطرح شد و همگان حضور مبلغان آگاه به شرایط روز و

دغدغه‌های فعلی زنان را از ملزومات دانسته و خواستار توجه بیشتر نهادهای ذی‌صلاح در حوزه تربیت مبلغ زن و برپایی کارگاه‌های آموزشی و تفهیم این مطالب به مبلغان شدند.

«زهرا تاجیک» مسئول پژوهشی «جامعه‌الزهر» در قم نیز معتقد است که بخشی از جامعه زنان به دلیل دغدغه‌های زیاد از مسائل فرهنگی جامعه غافل هستند، از همین رو سخنوران باید با گوشزد کردن این مسائل، زمینه آگاهی بانوان از مهم‌ترین رویدادهای جامعه را نیز فراهم کنند.

به اعتقاد وی بازگویی این مفاهیم از دغدغه‌های کاذب زنان می‌کاهد و آنان را وادار به اندیشیدن درباره این مسائل می‌کند.

«فریبا علاسوند» عضو دفتر مطالعات و تحقیقات زنان نیز کمبود نیروی علمی کافی در مقابل کثرت این مراسم را از جمله عواملی ذکر می‌کند که موجب می‌شود تا مبلغان نتوانند پاسخگوی نیازهای مخاطبان باشند که این مسأله خود زمینه‌ساز آسیب‌های جدی در این مجالس است.

وی می‌افزاید: طبیعتاً وقتی نیروی علمی در این مجالس نباشد، توانایی بالقوه موجود در این محافل به هدر می‌رود و یا عقیم می‌ماند. از همین رو تربیت مبلغان توانمند باید در دستور کار مسئولان ذی‌ربط قرار گیرد.

واگذاری اداره مجالس عزاداری به بانوان ناکارآمد از دیگر آسیب‌های طرح شده بود که «مسعود

اشاره: به اعتقاد صاحب‌نظران، پژوهشگران و فعالان در زمینه مجالس عزاداری بانوان، نهادها و مسئولان ذی‌صلاح در امور مذهبی کشور باید با برنامه‌ریزی صحیح به تربیت مبلغان زن بپردازند تا از این رهگذر مراسم عزاداری ویژه بانوان محلی برای افزایش اطلاعات دینی باشد نه اشاعه خرافه و تحریف.

برپایی مراسم عزاداری مصداق مودت به اهل بیت(ع) و تعظیم شعائر الهی است که ریشه در سیره امامان معصوم(ع) دارد و یکی از مهم‌ترین این تأکیدات سوگواری ایام شهادت امام حسین(ع) است که همواره مورد توجه بوده است چنان‌که در بسیاری از روایات آمده که حضرت سجاد(ع) و امامان پس از ایشان اهتمام ویژه‌ای به این مهم داشتند تا از رهگذر آن پیام نهضت حسینی به تاریخ منتقل شود.

ورود خرافات و بدعت‌های مختلف به این مراسم از جمله مسائلی است که در سال‌های اخیر نگرانی مسئولان و متولیان فرهنگی به‌ویژه مراجع تقلید را فراهم کرده است. از همین رو ارزیابی مراسم عزاداری بانوان و شناخت آسیب‌های آن و اتخاذ راهکارهای مرتبط، ضرورتی بود که درباره آن با کارشناسان و متخصصان امر به گفت‌وگو نشستیم.

حاضر، از استقبال مناسب زنان نسبت به حضور در این مجالس به عنوان عاملی برای ارتقای سطح علمی مبلغان نام برد.

با همه این اوصاف تربیت مبلغان توانمند در عرصه تبلیغ دینی مسأله مشترکی بود که همه کارشناسان دینی و جامعه‌شناسی و حتی مخاطبان عمومی به آن اشاره کردند و سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مسئول ساماندهی آن معرفی کردند.

به اعتقاد آنها توجه به این مهم، در حال حاضر امری ضروری است زیرا تحریف وقایع عاشورا به‌ویژه در بیان رسالت حضرت زینب(س) از جمله مواردی است که به وضوح در این مجالس اتفاق می‌افتد و تاکنون اهتمام خاصی از سوی هیچ نهاد و دستگاه دولتی در این رابطه انجام نشده است که عزمی جدی را می‌طلبد.

نیست زیرا مطالب ارائه شده توسط مبلغان، به‌ویژه مداحان، دوگانگی را در ذهن آنها ایجاد می‌کند.

«ژاله محقق» دانشجوی رشته الهیات، یکی از این دخترانی است که با تأیید این مطلب، استفاده از برنامه‌های رسانه ملی را بر حضور در این مجالس ترجیح می‌دهد زیرا معتقد است که برخی از مبلغان با طرح مطالب شبهه‌انگیز باعث سستی اعتقاد وی نسبت به واقعه عاشورا و پیام حقیقی آن می‌شوند. «زهره یگانه» مدرس زبان عربی نیز ترویج مد و آشنایی با آخرین مدل‌های ارائه شده در بازار را از مهم‌ترین دستاوردهای مجالس عزاداری بانوان می‌داند و می‌گوید: «در بیشتر مراسمی که توسط زنان اداره می‌شود سطح آگاهی و اطلاعات مهم نیست و آنچه که مورد توجه است شیک‌پوشی و پای‌بندی به مد روز است».

«مژده ابوطالب» از دیگر مخاطبان ما در تهیه این گزارش مردمی بوده است که با ارزیابی مطلوب سطح کمی و کیفی مراسم عزاداری بانوان در حال

جاور» مدیر بنیاد «دعبل خزاعی» به آن اشاره کرد و از واگذاری مدیریت این مجالس به کسانی که از سطح اطلاعاتی بسیار پایینی برخوردارند انتقاد کرد.

بسیاری از کارشناسان و مخاطبان ما در این سلسله گفت‌وگوها، اقبال بیش از حد زنان به مداحی و استقبال آنان از روایات بی‌مأخذ را که توسط مداحان ارائه می‌شود، موجب بروز آسیب‌های جدی به مجالس عزاداری بانوان عنوان کرد و آموزش مداحان و مبلغان را از جمله راه‌کارهای پیشنهادی برای مقابله با آن دانسته‌اند.

البته در این میان برخورد انفعالی زنان نیز از سوی کارشناسان به عنوان معضل جدی فراروی این مجالس شمرده شد که از جمله این کارشناسان می‌توان به «فرزانه غفاری» مدیر دفتر مطالعات و تحقیقات قرآنی دانشگاه امام صادق(ع) اشاره کرد. این کارشناس معتقد است که ارتقای مجالس عزاداری بانوان تنها به عهده مبلغان و مداحان نیست بلکه زنان باید با افزایش اطلاعات دینی خود از هرگونه برخورد انفعالی با این مسایل بپرهیزند و هر مطلب فاقد منبع و سند را نپذیرند. راه‌اندازی بانک اطلاعاتی درباره این مجالس و دسته‌بندی محتوایی مبلغان، اقدام جدی مراکز فرهنگی همچون فرهنگسراها، مساجد، پایگاه‌های بسیج و ... از دیگر مواردی بود که این کارشناس از آنها به عنوان راهکاری برای ارتقای این مجالس نام برد و از بی‌توجهی مسئولان نسبت به این موارد انتقاد کرد.

حضور طولانی‌مدت زنان در این مجالس و غفلت از وظایف زناشویی، صرف هزینه‌های هنگفت، اتلاف وقت و نبود برنامه‌ریزی صحیح، سودجویی مالی، نداشتن استراتژی واحد و فقدان حضور متولی خاص در کشور، تأثیرات کوتاه‌مدت و هیجانی، خودجوش بودن مراسم عزاداری بانوان و ترویج ناقص مسائل عرفانی توسط برخی از مبلغان از دیگر آسیب‌های موجود در این مراسم است که کارشناسان فعال در این حوزه به آن اشاره کردند و به دلیل تشابه دیدگاه آنها از ذکر نام هر یک خودداری می‌شود.

دیدگاه‌های مردمی

طرح این مسأله در میان عموم بانوان به‌ویژه کسانی که از این مجالس بی‌بهره نبوده‌اند، بخش دیگری از این گزارش بود که در نتیجه آن به این مهم دست یافتیم که مراسم عزاداری بانوان در شرایط کنونی محمل مناسبی برای حضور دختران جوان





خجلیہ [۵۶]



سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه:

پنجاه درصد موقوفات کشور در جهت تبلیغ نهضت عاشورا می باشد



وقف دارایی‌های خود، موجب حفظ، تقویت و اثرگذاری روز افزون حرکت حضرت امام حسین (ع) و ایجاد تحولاتی ژرف و عمیق در زندگی بشریت شده است. حجت‌الاسلام مصلحی، بر لزوم جهت‌دهی موقوفات تأکید کرد و اظهار داشت: تبلیغ و ترویج نهضت عاشورا باید به فضاهای علمی کشیده شود و اساتید، دانشجویان و هنرمندان درگیر تبلیغ این حرکت عظیم شوند. وی افزود: اگر افراد جامعه اهداف نهضت عاشورا را با همه‌ی وجود درک کنند، همواره حافظ آن خواهند بود و همانند دوران دفاع مقدس در مقابل طاغوتیان و ستمگران خواهند ایستاد.

حجت‌الاسلام مصلحی، با اشاره به این که انقلاب اسلامی ایران نیز همانند تمامی حرکت‌های عدالت‌خواهانه، از نهضت عاشورا

نشأت گرفته است، گفت: انقلاب اسلامی ایران گام‌های اولیه را برمی‌دارد و تا رسیدن به قله‌های بلندی که از آرمان‌ها و اهداف حضرت امام راحل می‌باشد، فاصله دارد. نماینده ولی‌فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه، حضور در کلاس درس آزادی و آزادی‌گی امام حسین (ع) را لازمه‌ی تحقق اهداف انقلاب اسلامی دانست و گفت: جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار گرفته است که دنیای اسلام به موفقیت‌های آن در عرصه‌های مختلف به عنوان یک کشور اسلامی افتخار می‌کند.

حجت‌الاسلام مصلحی، از ایران به عنوان قطب حرکت و تحولات جوامع اسلامی یاد کرد و اظهار داشت: این مقام و جایگاه، بدون الهام گرفتن از حرکت‌های اصلاحی و آزادی‌خواهانه سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) میسر نبود.

حجت‌الاسلام حیدر مصلحی، سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه، در دومین کنگره عاشوراپژوهی زنجان با عنوان «عاشورا، انقلاب، انتظار» گفت: خواست و نیت واقفین برای اختصاص بخشی از اموال و مایملک خود، تبیین و تبلیغ فرهنگ عاشورایی، رمز پایداری و ماندگاری هرچه بیشتر این نهضت است. وی یادآور شد: سرمایه‌گذاری مردم از طریق

در ششمین نشست ستاد ساماندهی شئون فرهنگی مطرح شد

لزوم انطباق مراسم عزاداری در ایام فاطمیه با منویات مقام معظم رهبری و علمای شیعه

رضاسکندری نمایندقام‌الاختیارفترتبیلیغات اسلامی حوزه‌های قم حجت‌الاسلام حمیدرضا ارباب‌سلیمانی نمایندقام‌الاختیاروزارفرهنگ وارشاداسلامی هم‌چنین نمایندقام‌الاختیار وزارت اطلاعات حضورداشتند که هر یک طرح‌ها وپیشنهادهای خود درموردچگونگی برگزاری مراسم عزاداری ایام فاطمیه را نه‌دادند. درپایان این نشست که بعدازظهر و گذشته برگزارشد، دکترسیدمهدی خاموشی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی اهدای لوحی پورخی حاضران تقدیرکرد.

فاطمیه وعضی‌اناطق‌گفت:اختلاف درمدت ایام فاطمیه مردم سرگردان کرد است؛ طوری که خیلی از آن‌ها مجبوری شوند بعضی از برنامه‌های خود مثل برگزاری مراسم و سیاحت مدت‌ها به تأخیر بیندازند.

وی ادامه داد: مراسم عزاداری نماطهار(ع) باید به گونه‌ای برگزار شود که مطابق با منویات مقام معظم رهبری و علمای شیعه باشد.

گفتنی است در این نشست، حجت‌الاسلام قاضی‌فاضلی نمایندقام‌الاختیاروزارت کشور، حجت‌الاسلام داورنجبران نمایند نهاد نمایندگی ولی‌فقیه درانشگاه حجت‌الاسلام

در ششمین نشست ستاد ساماندهی شئون فرهنگی مناسبتهای مذهبی علاوه بر رسمی‌پیکری مصوبه‌های پیشین، موردچگونگی برگزاری مراسم عزاداری در ایام فاطمیه بحث و گفت‌وگو شد.

بگزارش روابط عمومی سازمان تبلیغات اسلامی؛ در این نشست حجت‌الاسلام حسین روحانی‌نژاد معاون امور فرهنگی و تبلیغات سازمان تبلیغات اسلامی در سخنانی گفت: متأسفانه ارسال‌های اخیر مراسم عزاداری ایام فاطمیه به کمیت و هو کیفیت‌های متفاوتی بین نقاط مختلف کشور رکز می‌شود و بی‌اشارمطولانی بود، نمدت ایام



درباره محرم و عزاداری نظرسنجی تلفنی از مردم

از میان ۸۱۴ نفر پاسخ‌گو که بعضی از شیوه‌های عزاداری را قبول ندارند، ۳۱٪ سنت‌های غلط (علم‌کشی، قمه‌زنی، سینه زدن با بدن عریان و ...)، ۱۸٪ عدم رعایت حال همسایگان (صوتی و محیطی و ...)، ۱۷٪ مخدوش شدن ارزش‌های دینی (عمدتاً حجاب در ازدحام جمعیت و ۳٪ استفاده از آلات موسیقی جدید را در مراسم عزاداری تأیید نمی‌کنند.

معادل ۵۳٪ از پاسخ‌گویان با روش مداحی فعلی موافق نیستند و ۳۸٪ با روش مداحی فعلی موافق هستند و ۹٪ در این باره نظری ندارند.

معادل ۵۵٪ از پاسخ‌گویان الگوبرداری از موسیقی‌های روز و استفاده از آلات موسیقی نامتعارف، ۲۸٪ عدم تطابق محتوای نوحه‌ها با ارزش‌های اسلامی و غیر معنوی بودن آن‌ها، ۱۱٪ بزرگ‌نمایی‌های بیپه‌وده و ۶٪ فریاد زدن و داد کشیدن مداحان را از اشکالات روش مداحی فعلی اظهار کرده‌اند.

– نظر پاسخ‌گویان درباره اشکالاتی که در مداحی فعلی می‌بینند.

روش نظرسنجی

در این پژوهش، از نظرات عامه مردم به صورت تلفنی (نظرسنجی تلفنی) و به روش پیمایشی و نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است.

چکیده

۳۵ درصد پاسخ‌گویان را مردان و ۶۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

۱۶٪ از پاسخ‌گویان بین ۲۱ تا ۲۵ سال، ۱۵٪ درصد از پاسخ‌گویان بین ۲۶ تا ۳۰ سال قرار دارند و ۹٪ از پاسخ‌گویان بالاتر از ۶۰ سال سن دارند.

۱۶ درصد از پاسخ‌گویان دارای مدرک کارشناسی و بالاتر و ۴۲ درصد دارای مدرک دیپلم و ۶ درصد بی‌سواد هستند.

معادل ۳۷٪ از پاسخ‌گویان با رفتن به هیئات و تکایا، ۲۰٪ با رفتن به مساجد، معادل ۱۵٪ با خواندن دعا، نماز و زیارت‌نامه‌ها و یا از طریق تلویزیون و ۱۱٪ با رفتن به جلسات سخنرانی عزاداری می‌کنند.

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای روزنامه همشهری در یک نظرسنجی تلفنی پرسش‌هایی را با مردم درباره محرم و عزاداری پرسیده است. این گزارش حاصل جمع‌آوری نظرات ۱۲۰۰ نفر پاسخگو به پرسشنامه تهیه شده توسط واحد نظرسنجی تلفنی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای مؤسسه همشهری است. این افراد به صورت تصادفی و بر اساس مراجعه به فهرست شماره تلفن‌ها (از ۲۲۰۰۰۰۰۰ الی ۸۸۹۹۹۹۹۹) انتخاب شدند. در این گزارش نظر کسانی که تمایل به پاسخگویی به تمام پرسش‌های تحقیق را داشته‌اند، منعکس شده است.

اهداف نظرسنجی

نظرسنجی حاضر برای آگاهی از موارد زیر به اجرا درآمد: – پاسخ‌گویان به چه شیوه‌هایی عزاداری می‌کنند. – کدام یک از کارهایی که در محرم انجام می‌شود، مورد تأیید پاسخ‌گویان نیست. – نظر پاسخ‌گویان در مورد روش مداحی فعلی.



یقه بندگان

آئین عزاداری شهر خلخال

حضرت عباس(ع)، عباس گویان در هیأت‌ها و حسینیه‌ها سینه‌زنی می‌کنند.

در این روز بیشتر عزاداران حسینی بر سر و صورت خود گل مالیده و با پای برهنه مسیرهای عزاداری را طی می‌کنند.

گرمای عشق امام حسین(ع) هوای سرد زمستان را در این دیار بر عزاداران بی‌اثر کرده و ساکنان منطقه از پیر، جوان و کودک در خیابان‌های سرد مراغه ساعت‌ها به عزاداری می‌پردازند.

پخش نذورات از جمله شیر، شربت، نان روغنی، کیک و کلوچه توسط مردم در بین عزاداران در این روز نسبت به روزهای گذشته رونق بیشتری می‌یابد.

در مراغه ۱۴۰ هیأت مذهبی در ۳۲۶ مسجد در نقاط شهری و روستایی آیین‌های مربوط به عزاداری سالار شهیدان و یاران با وفایش را برگزار می‌کنند.

شهرستان تاریخی و مذهبی مراغه با ۲۵۰ هزار نفر جمعیت در ۱۴۷ کیلومتری جنوب تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی واقع است.

حاضر شده و مراسم یقه‌بندان را انجام می‌دهد. برخی نیز با مراجعه به محل‌های مزبور و پس از بستن یقه خود شام نذری را برای صرف با خانواده به منزل می‌برند و در این میان شام از دنیا رفته‌گان که نام‌شان از سال‌ها پیش در دفتر منازل ثبت شده به نوادگان آن‌ها تحویل می‌شود.

به گفته‌ی ریش سفیدان و پیرغلامان، بستن یقه پیراهن‌های سیاه عزاداران به معنای پایان ایام عزاداری محرم و ثبت علامتی برای عزاداران تا شروع محرمی دیگر در سال آینده است و این دکمه در سال آینده توسط صاحب پیراهن باز و پوشیده می‌شود.

شهرستان خلخال با ۹۵ هزار نفر جمعیت در ۱۱۵ کیلومتری جنوب اردبیل واقع است.

آیین سنتی «وای عباس» در مراغه

آیین سنتی «وای عباس» همزمان با روز هشتم ماه محرم‌الحرام در حسینیه‌ها و هیأت‌های مذهبی شهرستان مراغه برگزار می‌شود. در این روز که در مراغه تاسوعای کوچک نامیده می‌شود، عزاداران در گروه‌های ۲۰ تا ۳۰ نفری به یاد فداکاری‌های

آیین عزاداری یقه‌بندان به مناسبت سومین روز شهادت امام حسین (ع) و شهادی کربلا در خلخال برگزار می‌شود.

در این آیین بر اساس یک سنت دیرینه در تمام مساجد و حسینیه‌های شهر، شام پخته می‌شود تا هیچ یک از اهالی شهر از این سفره بی‌نصیب نمانند.

اهالی خلخال در حسینیه‌ها، مساجد و منازل که از بدو تولد در آن منزل ثبت نام کرده و جزو اهل دسته آن محسوب می‌شوند، حضور یافته و پس از برگزاری مراسم عزاداری و صرف شام، دکمه پیراهن سیاه یقه آن‌ها توسط پیرغلامان که معمولاً از سادات هستند با راز و نیاز و دعای سلامتی تا سال آینده بسته می‌شود.

شهر خلخال دارای ده‌ها عباسیه، قاسمیه، اصغریه، اکبری و حسینیه است که به ترتیب به نام‌های سقاخانه، مشعلدارخانه، چراغچی‌خانه، پیش‌خدمت‌خانه و فرش‌خانه معروف هستند.

این اماکن مذهبی در دو محله بالا و پایین شهر قرار گرفته و معمولاً هرکس در این شب در منزلی که از بدو تولد در آن توسط پدرش ثبت نام شده،



استاد الشعراء و المادحین مرحوم حاج ملا حسین مولوی



درباره شخصیت حاج ملا حسین مولوی، گفت‌وگویی با غلامرضا سازگار از مداحان اهل بیت (ع) و از شاگردان ایشان انجام داده‌ایم که در ذیل می‌خوانید:

خیمه: شما با مرحوم حاج ملا حسین مولوی چگونه آشنا شدید؟

من از دوران کودکی مداحی شروع کردم و در مورطین که گوناگون شروع کردم همین قدر باید بگویم که از روزی که پدرم را از دست دادم و من و مادر من با هم ماندیم.

حدود ۱۶-۱۷ ساله بود که مسجد آل چوقم که محل تولد خودم هم هست را شب ولادت حضرت بابو الفضل (ع) مرحوم حاج مولوی دعوت بود ندویم آن مجلس خواندیم بعد از این که خواندیم آن قدر پدرانه را حویل گرفتند چونان مردم دوستی و اوضاع هر بانی حاج مولوی در من اثر گذاشت که آن هم شیرینی اش را حس می‌کنم گفتند تو حالا جلو دیه‌ها می‌باید شمایم بنشینم شما باید پیش من بنشینید و این‌ها بزرگوار و فرمود که من شیفته ایشان شدم و آن روز بعد چهل ساله ایشان شرکت می‌کردم. خیمه: کدام خصلت اخلاقی حاج حسین مولوی بارزتر بود؟

خصلت مردم‌داری ایشان بسیار بارز بود در مجلسی که کسی می‌خواست کوچه‌ترین کاری انجام دهد که شأن مجلس نباشد ملائیکه نگاه داشتند ایشان را که با می‌کرد و ایشان ساکت

غلامرضا سازگار، متولد ۱۳۲۰ ساکن تهران؛...

کمتر کسی حاج غلامرضا را به طرز رسمی و شناسنامه‌ای می‌شناسد. از نظر هیأتی‌ها او شاعر و مداح اهل بیت است. شاعری دلسوخته و مداحی مردمی اما فرهیخته. به عبارت دیگر پیش از آن که شاعر یا مداح اهل بیت باشد، نغمه‌پرداز شیفتگی‌ها و دلدادگی‌های خویش است به ساحت مقدس اهل بیت (ع) و از رهگذر این عشق است که از کودکی به مداحی می‌پردازد و سپس شاعری را تجربه می‌کند و هر بار در طی این مراحل، به عنایتی و کنایتی، روشنی راه خویش را - بروشنی - درمی‌یابد. شاید خیلی از جوانهای دیروز، سازگار را با «کربلای ما خودش به کشور» شناختند. از همان زمان، سازگار در ذهن آنان گل کرد و شکوفا ماند. براستی سازگار که در قیاس با برخی مداحان صاحب شهرت، نه آن صدای قوی و جذاب را دارد و نه برخی جذابیت‌های عوام‌پسند عده‌ای از مداحان جوان امروز را، چرا هنوز با طبع مردم سازگار است و مقبول طبع مردم صاحب‌نظر؟! اما آنچه بیشتر ما را به گفتگو واداشت، همزمان شدن اتفاقی جلسه‌ای صمیمی با حضور شاعر و مداح اهل بیت در دفتر ماهنامه خیمه با سیزدهمین سالگرد رحلت شیخ الشعراء و المادحین حاج ملا حسین مولوی بود. سازگار از شاگردان آن پیر روشن ضمیر و از تبار اولاد معنوی اوست.

هم او که روزی مرحوم ملاحسین در رابطه اش در جمعی عنوان کرده بود: روزی او جای مرا می‌گیرد...

این که از این سرمایه معنوی و کسانی دیگر مانند او تا چه حد بهره برده ایم بحثی است و نکته‌ای مهم که بماند برای بعد.

می‌شد. در عین حال که این قدر جذبات به قدری خاکی بود که یاد می‌آید در سن کودکی وقتی به نزد ایشان می‌رفتم و ملا می‌داد می‌گفت اقا سلام علیکم حال شما چطور است یعنی گویی بلی که مداحی هستی و سلام می‌دهی بلی که می‌کنم من خیلی حسن‌ها را به ایشان دیدم و مولی فکوی کنم بارزترینش این بود.

خیمه: در مورد شأن علمی ایشان بگویید. ظاهراً روی سنگ مزار ایشان عبارت شیخ الشعراء و المادحین حک شده است.

ایشان تفسیری گفتند و خیلی از رگال‌آقایان مداح تفسیر ایشان استفاده می‌کردند و بقرآن نیز صورت خاص عنایت ورود داشتند که یک‌گوشه‌های ایشان این بود که هر سخنید (هو) قولی که گفته می‌شد ایشان چند بیت را جمعاً می‌گفت. من حافظ و هو شایان تعجب می‌کردم. خیمه: بیشتر از چه اشعاری استفاده می‌کردند؟ بیشتر اشعار مرحوم حاج چیری اصفهانی حافظ استفاده می‌کردند ولی فقط اشعار یک شاعر

فیاض
حاج هاشم
به یاد



سه سال از
خاموشی هاشم
فیاض، استاد
بزرگ تعزیه
گذشت.

بیست و سوم
اسفند سال

۱۳۸۳ پیکر هاشم فیاض، تنها بازمانده نسل نغزیه‌خوانان قدیمی ایران در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. این مراسم با حضور شخصیت‌هایی چون ناصر تقوایی، داوود فتحعلی‌بیگی، محمدحسین ناصریخت، محمد ابراهیمیان و ... همراه با مراسم شیپورزنی ویژه نغزیه برگزار شد.

مرحوم هاشم فیاض در سال ۱۳۹۵ در محله سنگلج تهران در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود.

آن‌گونه که خود در خاطراتش گفته است، در کودکی و به تشویق مادر، به تعزیه‌خوانی روی آورد. در زمان حکومت محمدعلی شاه، کودکی پنج ساله بود که به دیدن تعزیه علاقه بسیار پیدا کرد.

دوران تحصیل وی به دلیل مشکلات فراوان تا ششم ابتدایی ادامه داشت. فیاض بعدها در محضر استاد آقا سید کاظم از پیشکسوتان تعزیه آن زمان که به میرغم معروف بود، کسب فیض کرد و سپس به مدت دوازده سال زیر نظر استاد مشهودی رضا، تعزیه خوانی را به صورت حرفه‌ای ادامه داد.

مرحوم فیاض از سن نوزده سالگی شروع به



وقت منی رفتیم شیراز و الفاضل زاهدی
نماز خوانم می دید که هر دو هم ولوید نماز
چماعت شرکت کرد و انگیزی می خواست اول
وقت موقع نماز ایشان را بگذاشتند و آنستایشان
در مسجد امام است.

ایشان کی پوری دان حاجیر ربو الفضل زاهدی
 بود ند. حاجیر زانظر شعری ایشان لذت
 می بر نور حو مهلاحسین هم کلمات و انش
 و سواد ایشان.

وعدکها چیر فو تو کردند ایشان مدیگرلما
ارتباط گرفتنه انسیه عباس کاشانی کایشان
الان زنده و در قم هستند.

خیمه: در مورد فوت مرحوم حاج ملا حسین مولوی بفرمایید؟

ایشان شبی که هی خواستنفوت کنند خانه سید عباس آمدن و گفتند اقلیہ عباس من خیلی شما را اذیت کرده ام من را حل کن.

آقای عیسا گفت من فکر کرد مکی ایجاب
من حرفی به جا چه و لویزد ما ست ملاحسین
گفتم ز پرو و این تاق ما را خوانم دید ملا
دیگرد فتم دید مکی هلا تسبیحش در دستش
است و معلو ما ستد جالی که اشت تسبیح

می گفته تکیه به یواراد هجاء بجان آفرین
تسلیم کرد داشت. ملا حسین زمانی که حال
خواندن نماز و وقت ذکر تسبیحاً حضرت
زهر (اس) بود، جان هجاء آفرین تسلیم کرد.
نکته دیگر این که خود آقای سید عباس می گفت
یک شب خوابم روی او دیدم که صدر
دستار دهنبلانداختند و دستش را در می رود.
گفتم که جلدی روی؟ گفت حضرت زهر (اس) هن
دعوت نکرد داشت و هفت اید و شب می روی و مهرای
حضرت زهر (اس) و ضاهام حسین (ع) می خوانم.
خیمه: صحبت با یانی؟

من او جل خیمه را از قایان مداح هلهی خواهم
یک بزکد اشتی که واقعاً بل حاجه لاسیر و
کسانی که هان نیلشان هستن بزکد کنند! شاء
الله تقدیری از ایشان شود.

استفاده می‌کرد و جستجویی که قلب هنرین اشعار
پدیدند این نشان می‌دهد که بسیار اهل مطالعه
بودند و خوب در کمی‌کردن و می‌شنید و هم خوب
بیان می‌کرد و بسیار هم نظر شیخ‌الاماد حین بود
خیمه: و تا بحال تجلیلی از ایشان نشده
است!

بله! تأسف‌ناک‌ترین روزگار، آنست که قدرش را ندانیم؛ آن‌تجلیلی که باید عفو و بخشایشان انجام شود؛ هرگز نشد؛ دست‌نیک‌بزرگداشتیم؛ برای چنین نفر اودا احاد تهران گرفتند؛ کی‌کی‌ای از نه‌ها چ‌مولوی بود؛ من‌وزار تفره‌نگ‌ور شاداسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی تقاضا دارم که بزرگداشتی و بی‌شمار حسین و دُرشان ایشان برگزار کنند. خیمه: به نظر شما این کار چه تأثیری در فضای مداحی و مرثیه می‌تواند داشته باشد؟

یادایشان بخاطر مره‌اند می‌شود لوکسانیکه
دروم حاجه لاجبود هاندایشان ز لی‌شناسند
و این که مداحان جدید از علم و اطلاعات او
بهرمنم می‌شوند و می‌فهمند که چقدر حاجه‌ای
عظیم‌الشانیداشتیم و سعی می‌نمایند بآن ترقیا
بالاتر بروند و از ایشان تاسی کنند.

خیمه: شما گفتید که ایشان به بعضی از رفتارها حساس بودند، در این مورد توضیح دهید.

حساسیت‌شان بعضی وقت‌ها روضه‌هایی که خیلی‌ها و بانی‌ها و اندام‌های شریف و مثلاً امام‌هاست دجله‌ها می‌دادی گفت‌ها و امام حسین (ع) را غنیمت بردند و لایک مرتب‌ها را احتشاد و گفت: غنیمت‌ها را غنیمت چیز زیست که مسلمین از کفای می‌گیرند و غارت‌ها را چیز زیست که هر روز می‌گیرند.

خیمه: ایشان در مسئله مداحی معتقد به صدا و لحن خوب بودند؟

صدای خوله‌شان خوب و نوله‌ای‌گسی‌صدایش خوب نبوده‌اش نمی‌کردن چو می‌دانست صدای سرمایه‌ای نیست که انسان خودش هست بی‌اورد. صدای چیزها است که خداوند به انسان می‌دهد. کسانی بودند که صدای اشتغال نوله‌ای‌گفت‌گر صدای آری می‌توانی بشع و طلب خوب‌گویند کسانی بودند که صدای اشتغال نوله‌ای‌مان‌ه‌رق‌هرمان مداحی می‌دانست‌ه‌ل شیخ‌باس‌ج‌ل‌ک‌ف‌یل‌ی محفوظات داشتند.

خیمه: از مداخلی و خصوصیاتشان بگوئید.
مرحوم حاجه ولوی یکمدا احتمام عیار ووداز
نظرچهر موقدوقا متوصد لوسوا دواطلاعات
واخلاص عالی ووقیدبلاما ودماعتبودندهر



جمع‌آوری نسخه‌های تعزیه میرزا کرد و در زمان حیات خود حدود یکصد نسخه از آن را جمع‌آوری نمود. هاشم فیاض بزرگ‌ترین سعادت زندگی خود را شناخته شدن در سراسر کشور به عنوان ذاکر امام حسین(ع) می‌دانست.

با پشت سر گذاشتن دوره کودکی و بچه‌خوانی، به عنوان تنها بازمانده از تعزیه‌خوانان تکیه دولت، تنها استاد مجالس غریب تعزیه شناخته شد. او پس از کسب مهارت در زمینه‌های موافق خوانی و مخالف خوانی تعزیه به بالاترین درجه تعزیه یعنی «معین‌البکاء» رسید. در دوران مختلف زندگی‌اش به بسیاری از شهرها و روستاهای کشور سفر کرد. در تمام کشور او را به نام عمو هاشم می‌شناختند. در محلات قدیمی او را با عنوان «هاشم شمر» می‌شناختند و به گفته خود فیاض، پیتربروک با معرفی خود به نام «علی بابا»ی فرانسه، او را «علی بابا»ی ایران صدا می‌کرد.

فیاض در بسیاری از کشورهای جهان از جمله فرانسه، آمریکا، ایتالیا و ... به اجرای مجالس مختلف تعزیه پرداخت و توانست توجه بسیاری را به تعزیه ایران معطوف کند. این توجه تا به آنجا پیش رفت که پس از اجرای مجالس تعزیه «حر بن یزید ریاحی» و «امام رضا(ع)»، با معین‌البکائی و تعزیه‌خوانی وی در سال ۱۳۷۰ در فستیوال آوینیون فرانسه، بزرگانی چون «پیتربروک» و «ژان کلود کاریر»، وی را برای آموزش به آوینیون

دعوت کردند و در محضرش به تلمذ نشستند. بسیاری از شمرخوانان امروز مانند «رضا حیدری»، «اسماعیل محمدی»، «علاءالدین قاسمی»، «حاج رضا لنکرانی»، «ابوالفضل احمدی»، «احمد عزیزی» و ... از شاگردان خلف استاد فیاض محسوب می‌شوند. هاشم فیاض تربیت کننده تعزیه‌خوانان بسیاری از نسل‌های مختلف است که در مخالف خوانی، موافق خوانی و بچه‌خوانی و موسیقی، فعال هستند. وی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اسباب‌داران و جامه‌داران تعزیه به شمار می‌آید. با گردآوری ۲۵۰ عنوان نسخه تعزیه و ملزومات و تکنیک‌های اجرایی آن‌ها، آشنا با روش‌های اجرا و موسیقی تعزیه به حساب می‌آید. وی از ابتدای تأسیس کانون نمایش‌های سنتی و آئینی در زمینه تعزیه این کانون را یاری داد و در چند دوره برگزاری همایش تعزیه‌خوانان جوان به عنوان داور حضور داشت و به عنوان اولین عضو مؤسس انجمن تعزیه‌خوانان ایران شناخته می‌شود.

داوود فتحعلی بیگی، یکی از اعضای کانون نمایش‌های آیینی و سنتی درباره هاشم فیاض گفت: او همیشه دوست داشت عزاداری‌اش با عزاداری امام حسین(ع) همزمان شود و به

آرزویش رسید.

وی افزود: مطمئن باشید با خدماتی که هاشم فیاض به هنر تعزیه کرد، هرگز فراموش نخواهد شد. تعزیه، هنر مقاومت است چون پرچمدار کربلاست.

فتحعلی بیگی افزود: پامردی‌ها و ایستادگی‌های افرادی چون هاشم فیاض بود که باعث باقی ماندن تعزیه شد که اگر چنین نبود، امروز چیزی به نام تعزیه وجود نداشت.

به گفته وی، هاشم فیاض با سفر به اقصی نقاط ایران، در جای جای کشور، به تعزیه‌خوانی پرداخت و مردم نقاط گوناگون را با این هنر آشنا کرد. اصغر دشتی از شاگردان استاد فیاض در رابطه با وی گفت: هاشم فیاض همیشه آرزوی مرگ در هنگام تعزیه را داشت و در زمان برگزاری نخستین سوگواره تعزیه حسینی قم که به عنوان داور حضور داشت، بیماری چند ساله کارش را نیمه‌تمام گذاشت و سرانجام در روز جمعه بیست و یکم اسفند ماه ۱۳۸۳ بر اثر بیماری دیابت در بیمارستان شماره دو تهران درگذشت و در روز دوشنبه بیست و سوم اسفند ۱۳۸۳ از محل تالار وحدت تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

آخرین تصویر ثبت شده از یگانه استاد بی‌بدیل تعزیه ایران در نقش همیشگی‌اش در تعزیه، یعنی «معین‌البکاء» با پوششی سپید در فیلم «تمرین آخر»، ساخته ناصر تقوایی به یادگار مانده است.



خبرگزاری



تصویر واقعی اسلام

«فتنه» فاقد وایت کلامی است مستندی است که صرفاً تصویر را اعمال و سخنان مسلمانان را نمایش می‌دهد آنچنانکه این فیلم نمایش داده می‌شود عبارتست از سر بردن اتباع غربی توسط اعضای القاعده / عدم گزند افغان، پاکستانی و قزاقان / قتل و سرکشی شیعیان در عراق و آشور / تآکید بر قوم پرستی و سرکشی کُرانی توسط مادرش / تصاویری از کشته شدن یک کارگر در ان ضد اسلام هلندی توسط یک مسلمان مراکشی و ...

تریدینی نیست که خود را مقرر گرفته این تصاویر و فیلم‌ها را به عنوان یک فیلم مستند یا یک فیلم تآکید بر یادی بزوغ و رختار رخسار آبر سو مسلمانان داشته است. در ادامه گفتگوی داریم به بحث حسن عباسی پیرامون تأثیر آبر سو مآیینی بر تصویر اسلام.

باید خودمان از اسلام و قرآن و رفتار ائمه شروع کنیم و خود را منطبق کنیم، اول این‌ها احیا شود و اول بفهمیم منظور از اسلام چیست. ذهنیت من اسلام نیست، اسلام آن چیزی است که قرآن گفته و رفتار ائمه (ع) است. حالا اسلام شده ذهنیت من و شما و دیگری و بعد پلورالیسم و کثرت اسلام‌ها و قرائت‌های مختلف از اسلام به وجود آمده است. این قرائت‌های مختلف، ذهنیت‌های مختلف من و شماست. چرا؟ چون مفاهیم را غلط فهمیده‌ایم. باید قرآنی حرف بزنیم؛ نه فارسی و نه غربی، نه این که مفاهیم غربی را بیاوریم و با ادبیات قرآنی به صورت فارسی بگوییم. بگوییم human rights حقوق بشر است، آن هم به ایرانی‌ای که نمی‌داند حقوق و بشر قرآنی چیست. وقتی من human rights را حقوق بشر معرفی کردم، به ایرانی، به زبان فارسی، قرآنی و غربی خیانت کرده‌ام. هر چه جای خودش. پس نه تنها سوء فهم نسبت به اسلام در بیرون وجود دارد، در داخل هم وجود دارد. چرا دین‌گریزی در میان جوانان بعضاً وجود دارد؟ برای این که ما دین را معرفی نکرده‌ایم. چه چیزی از دین داریم؟ به مرفطرت انسان‌ها اگر دین، خوب تعریف شود، سخت نیست. حکم دین، سخت نیست، اتفاقاً سهل است. لذا اول داخل و بعد بیرون.

* در این بین، نقش رسانه‌ها و نهادهای تبلیغاتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– نقش رسانه‌ها و نهادهای تبلیغاتی همان نقش مبلغین و مفسرین است. اول باید مفاهیم را در ترمینولوژی اصلاح کنند، و بعد متدولوژی و روش‌شناسی خاص اسلام را ارائه کنند و بعد فراگیرش کنند.

ساعتی که قرآن می‌گوید، ما گرفته‌ایم watch. او زلزله‌ی آخرالزمان را می‌گوید و ما می‌گوییم watch. قرآن می‌گوید «اقتربت الساعة و انشق القمر». علم‌الساعة نزد خداست و هیچ‌کس خبر ندارد؛ ما می‌گوییم ساعت چند است.

مفاهیم از بین رفته است. پس اول ترمینولوژی بعد متدولوژی و بعد روش‌شناسی این موارد در اسلام. گام بعدی این است که این را از طریق رسانه

تعمیم دهید. وقتی من روش خوبی تبیین نکرده‌ام، مفهوم خوبی تولید نکرده‌ام، رسانه چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ فقط حرف غلط مرا می‌تواند گسترش دهد. کار رسانه یک کار اپیدمولوژیک است یعنی فراگیرسازی‌شناسی، مادامی که دو کار اول را انجام نداده‌ام، کار رسانه، مناسب و صلاح نخواهد بود.

* به نظر شما اسلام‌هراسی در غرب و به تبع آن ساخته شدن فیلم‌هایی چون تسلیم و فتنه تا چه حد متأثر از تصویر غرب از مناسک، آداب و رسوم آیینی مسلمانان، به ویژه شیعیان است؟

غربی‌ها تلاش می‌کنند تا بفهمند ما چطور می‌اندیشیم. آن‌ها نگاه ویژه‌ای به برخی از موارد نهی شده در حوزه مناسک آیینی مثل قمه زدن یا موارد عمومی‌تری مثل زنجیر زدن و علم و کتل کشیدن دارند. عموماً انسان غربی که در اسارت لذت اسیر است و بشرگراست درک صحیحی از این ندارد که چرا یک انسان شیعی چنین عملی می‌کند. ادراک ارزش عمل امام حسین (ع) برای این‌ها گم است. با وجود آن که مراکز زیادی برای عاشورا شناسی و امام حسین شناسی دارند اما اخیراً بیشتر به این سمت معطوف شده‌اند. لذا فعالیت‌های سرویس‌های اطلاعاتی و مراکز مطالعات استراتژیک و دستگاه‌های فکری و تحقیقاتی غربی‌ها برای این که بفهمند شاعر ما چه کار کردی دارند و برای این که ما را بهتر بشناسند تا بتوانند مقابله کنند، رشد چشمگیری داشته است اما در مقابل، آن‌جا که بحث اغراض سیاسی است، مناسک آیینی را برای خود خطر نمی‌دانند. اساساً عاشوراگرایی، شهادت‌طلبی، جهاد و این که انسانی حاضر باشد حیات مادی خود را برای یک هدف عالی‌تر نفی کند، را برای سبک زندگی آمریکایی که می‌گوید هیچ بهشت دیگری وجود ندارد و بهشت همین‌جاست خطر می‌دانند. مواردی مثل کریندویر، سلمان رشدی، وایلدز و خود ونگوک نیت‌شان شناخت جهان اسلام و آشنایی با این قضیه نیست و بلکه نیت‌شان سیاسی است.

* به نظر شما این که در مقابل این گونه جریان‌ات اساساً موضع ما واکنشی است و نه پیش‌گیرانه، صحیح است؟

من با این فرض موافق نیستم. اشتباه دوستان این است که ما ایستاده‌ایم و آن‌ها دارند به ما حمله می‌کنند. در حالی که به عکس است، ما رفته‌ایم و آن‌ها دارند واکنش نشان می‌دهند. در واقع اسلام هجوم کرده به غرب و غرب با «جنگجویان خدا» و «فتنه» و کتاب‌هایش دارد واکنش نشان می‌دهد.

در این که باید اسلام را هنری‌تر و زیبایی‌هایش را با اعمال مناسب‌تر و با استفاده از ابزارهای امروزی‌تر ارائه کنیم، شک نیست. پس کوتاهی در گام سوم بوده است. در گام اول کنش، مال ما بوده و اسلام به آن‌جا رفته و آن‌ها دارند واکنش توهین‌آمیز انجام می‌دهند و در گام سوم می‌توان پذیرفت که کوتاهی کرده‌ایم.

* به نظر شما کلیت جامعه غرب غیر سیاسی، تصویر درستی از اسلام دارد؟

– به هیچ وجه، چرا غرب؟ اصلاً خود ما مگر تصویر درستی از اسلام داریم؟ اسلامی که می‌آید و در جامعه‌ی ایرانی و شیعی جنگ و صلح را یکی می‌گیرد و صلح قرآنی را می‌گذارد جای واژه‌ی آشتی فارسی، human rights را ترجمه به حقوق بشر می‌کند، این تصور درستی از اسلام دارد؟ آیا کسی که ملت به معنی دین و آیین را می‌گذارد جای کلمه‌ی nation به معنی مردم و قوم، تصور درستی از اسلام دارد؟ نه؛ ما حتی در خود مسلمان‌ها هم از اسلام سوء فهم داریم. لذا نه تنها بیگانگان، بلکه خود ما هم تصویر درستی از اسلام نداریم. ما ابتدا



حسین سخنور

به پاشند فتنه‌ای دیگر با فتنه

آغاز ماجرا:

سناریوی تکراری توهین از غرب و اروپا و واکنش از سمت مسلمانان و اعراب، بار دیگر در کشورهای مختلف اجرا شد ولی این بار بازیگران، همچون گذشته نبودند. نقش توهین کننده این سناریو، این بار، برخلاف گذشته، یکی از مقامات رسمی کشور هلند، «گیرت وایلدز» نماینده پارلمان هلند و رئیس حزب آزادی بود که پس از چند ماه تبلیغ و اعلان، سرانجام فیلم ضد اسلامی خود را با نام «فتنه» (Fitna) بر روی اینترنت منتشر کرد. وایلدز در همین راستا سال گذشته نیز طرحی داد مبنی بر این که مسلمانانی که می‌خواهند

در هلند اقامت داشته باشند، باید نیمی از قرآن را پاره کنند چرا که نیمی از این کتاب دینی را تعالیم خطرناک و اندیشه‌های تروریستی فرا گرفته است و او بود که برای نخستین بار از قرآن به عنوان کتاب فاشیسم یاد کرد. گیرت وایلدز پیش از این نیز نسبت به افزایش تعداد مساجد در کشورهای اروپایی و افزایش تعداد مهاجران مسلمان به این کشورها به شدت ابراز نگرانی کرده بود. وایلدز، فیلم خود را در واکنش به ماجرای قتل تتو ون گوگ، فیلمساز هلندی در سال ۲۰۰۴ ساخته است. تتو ون گوگ، فیلمساز هلندی به خاطر فیلم ده دقیقه‌ای تسلیم، با ضربات چاقوی یک هلندی مراکشی تبار به قتل رسید. در آن فیلم، تصاویر زنان عربی دیده می‌شد



که بر تن‌شان آیات قرآن حک شده بود.

اما فیلم پانزده دقیقه‌ای «فتنه»، ابتدا ۲۷ مارس در سایت اینترنتی (Live-leak) به نمایش درآمد. در بخش اول این فیلم، به صورت متناوب آیه‌ای از سوره‌های قرآن تلاوت می‌شود و سپس رابطه‌ای میان مضمون آیه با خشونت‌های تروریستی یا اندیشه‌های افراط‌گرایانه برجسته می‌شود. مثلاً در آغاز فیلم صفحه‌ای از قرآن باز می‌شود و آیه‌ای قرائت می‌شود که در آن، مؤمنان ترغیب به دشمنی با دشمنان الله می‌شوند. پس از آن تصاویری از جمله برخورد هواپیماها به برج‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک به نمایش در می‌آید. صحنه‌هایی از بمب‌گذاری‌های لندن و مادرید و قتل کارگردان ضد

اسلامی هلندی نیز در فیلم آمده است. در صحنه‌هایی از این فیلم نیز قمه خوردن کودکان شیعه عراقی توسط مادرانشان در عاشورا و اعدام زنی افغانی توسط طالبان در زمین فوتبالی در کابل نمایش می‌دهد.

فیلم در بخش دوم، بر حضور مسلمانان در هلند و اروپا متمرکز می‌شود و تفاوت باورهای دینی آنان را درباره زناکاران و جهاد و روابط همجنس‌گرایانه برجسته می‌سازد و آن‌ها را به عنوان خطری برای جوامع اروپایی مطرح می‌کند. این بخش اشاره‌ای است مستقیم به یهودستیزی مسلمان و همین‌طور جهاد فی سبیل الله به عنوان حرکتی برای مقابله با یهودیان. حتی در بخشی از یک مصاحبه تلویزیونی با کودکی خردسال و با استناد به صحبت‌های این کودک، یهودیان را از قول قرآن به قومی خوک‌صفت و بوزینه مسلک تشبیه می‌کند. در این هنگام موسیقی ملایمی بر متن حاکم می‌شود و بلافاصله تصاویر دلخراشی از حوادث یازدهم سپتامبر و برخی آموزش‌های نظامی مسلمانان به نمایش در می‌آید.

بخش سوم با تصویر محمد بویری آغاز می‌شود. جوانی که تتودور ون گوگ، فیلم‌سازی که به اسلام توهین کرده بود را به قتل رساند. در این بخش قسمتی از مصاحبه وی را نشان می‌دهد که می‌گوید: اگر فرصت فرار از زندان را داشتم و این موقعیت را داشتم که این کار را دوباره انجام دهم، والله همان کار را دقیقاً انجام می‌دادم. پس از این نما، تصویر برمی‌گردد و پیام در آمادگی کامل ذهنی مخاطب، القا می‌شود:

بعد از پخش فیلم:

«فتنه» پس از آن که در یکی از سایت‌های اینترنتی قرار گرفت، در مدت دو ساعت، بیش از یک میلیون و ششصد هزار بازدید کننده داشت. پس از مخالفت‌های گسترده، شبکه اروپایی EUX این فیلم را جنجال‌برانگیز خواند و هیچ یک از شبکه‌های تجاری، دولتی و خصوصی حاضر نشدند که این فیلم را پخش کنند، «وایلدز» فیلم را از طریق سایت رسمی این فیلم به صورت آنلاین برای کاربران در دسترس قرار داد. پس از این اتفاق، حاشیه‌های فیلم چنان گسترده شد که پیش از هر مقامی، یان پتر بالکنند، نخست‌وزیر هلند در پیام ویژه خود این فیلم را محکوم کرد و در بیانیه‌ای واکنش آرام گروه‌های اسلامی هلند را مایه قوت قلب نامید. نخست وزیر هلند، در دیدار با نیکلاس سارکوزی، رئیس‌جمهوری

شنیده می‌شود اما در تیتراژ پس از این صحنه می‌آید: «صدایی که شنیدید، صدای پاره کردن صفحه‌ای از دفتر تلفن بود».

او در تیتراژ می‌گوید: «دولت می‌خواهد که شما به اسلام احترام بگذارید اما اسلام برای شما احترامی قائل نیست.» در تیتراژ پایانی فیلم پیام‌هایی می‌آید. در قسمت پایانی پیام نهایی (stop slamisation) به مخاطب تزریق می‌شود که باید ایدئولوژی اسلامی را شکست داد، همانطور که ایدئولوژی کمونیستی شکست داده شد.

در مجموع در این فیلم روایت کلامی وجود ندارد و فیلم صرفاً با کنار هم گذاشتن آیات و صحنه‌هایی از فیلم‌های تلویزیونی مختلف و یا بریده روزنامه‌ها روایت خود را پیش می‌برد. همانطور که گفته شد در این فیلم صحنه‌هایی از سر بردن غریبان توسط

درس بگیرید از تئودور ون گوگ

درس بگیرید از نمونه‌ای که شما توانستید ببینید

برای هزینه‌ای که با خون‌تان خواهید پرداخت این قسمت با نمایی از شمشیرهای به خون آغشته و پس‌زمینه‌ی تظاهرات مسلمین در اروپا به پایان می‌رسد.

بخش چهارم اشاره کوتاهی به مقوله برگشتن از مذهب (ارتداد) دارد و همین‌طور مزیت و برتری اسلام بر سایر ادیان از دیدگاه مسلمانان، به صورتی که خروج از این آیین برابر است با مجازات اعدام که در این بخش هیچ منطق و دلیلی برای این موارد ذکر نشده است.

بخش پنجم با سخنان مرحوم آیت‌الله مشکینی در یکی از نمازهای جمعه قم آغاز می‌شود که اسلام را به عنوان دینی که قابلیت مدیریت جهانی را دارد،



فرانسه، بار دیگر تاکید کرد که دولت هلند به طور کامل دیدگاه وایلدز را رد می‌کند. با این حال صحن داخلی ساختمان پارلمان هلند در لاهه بسته شد و به خبرنگاران اجازه ورود داده نمی‌شد. همچنین «بان کی مون»، دبیر کل سازمان ملل متحد به این فیلم واکنش نشان داده و نمایش آن را محکوم کرد و آن را از چارچوب آزادی بیان خارج دانست.

پس از انتشار خبر پخش فیلم فتنه، گروه‌های مختلف اسلامی در هلند در مساجد این کشور گرد هم آمدند تا بتوانند به طور یکپارچه دیدگاه خود را در یک کنفرانس خبری ابراز کنند. از سویی دیگر شبکه‌های تلویزیونی هلند خواستار گفتگو با شخص گیرت وایلدز در مورد این فیلم شدند. اما او از حضور در رسانه‌ها خودداری می‌کرد ولی بالاخره در مصاحبه‌ای با شبکه چهار تلویزیون هلند حضور یافت و گفت: «من با خود مسلمانان هیچ مشکلی ندارم ولی خواستار توقف اسلامی‌سازی هلند

گروه القاعده، سخنرانی‌های شدیدالحن خطبای اسلامی از شبکه تلویزیونی اقرء عربستان سعودی و صحنه‌های مربوط به کشته شدن کارگردان هلندی ضد اسلام، تتو فان خوخ (ون گوگ) به دست یک مراکشی مسلمان گنجانده شده است. در صحنه‌هایی از فیلم نیز یهودکشی و یهودستیزی از زبان امامان مساجد و جمعه که به زبان عربی سخنرانی می‌کنند برجسته می‌شود. فیلم گیرت وایلدز، با تظاهر به آغاز پاره کردن صفحه‌ای از قرآن، که به زعم او حاوی آیات مبلغ خشونت است، موسیقی متن فیلم و چرخش‌های گزینشی دوربین و بخش‌های منتخب از حوادث یازدهم سپتامبر و انفجار قطار در مادرید و تصاویر دلخراشی از قربانیان حوادث مذکور، به نوعی تلاش برای استراتژی مظلوم‌نمایی در برابر اذهان عمومی می‌باشد. فیلم با هشدار نسبت به حوادث تکان‌دهنده آغاز می‌شود.

معرفی می‌کند. در ادامه به قسمتی از سخنان رییس جمهور ایران اشاره دارد که وی هم پیام انقلاب را پیامی جهانی قلمداد می‌کند و این که این پیام در جغرافیا و زمان محدود نمی‌شود. پیام اصلی این قسمت توجه به انتشار سراسری و گسترده اسلام در جهان است که از آن با عنوان پروژه‌ای ضد تمدن غرب یاد می‌شود.

بخش بعدی فیلم از متن قرآن خارج شده، و به آینده اسلام در اروپا و هلند اشاره می‌کند. نمایش آمار جمعیت مسلمین در اروپا که بنا بر ادعای این فیلم به پنجاه و چهار میلیون نفر می‌رسد، و در پس تصویر زنی مسلمان و محجبه در خیابان به مخاطب عرضه می‌گردد. فیلم با پاره کردن سفینه برگی از قرآن و با پیام نهایی توقف اسلام‌گرایی و یا اسلامی‌سازی (stop slamisation) به پایان می‌رسد. محوسازی تصویر پایانی فیلم را، پیش از انجام آن، تمام می‌کند. صدای پاره شدن صفحه

هستم. من هیچ مسئله شخصی با خود مسلمانان ندارم. مشکل من با ایدئولوژی اسلامی است.»

هر چند برخی این نظر گیت وایلدرز را جدی تلقی نکرده و گفتند: ساخت و پخش این فیلم امر مهمی نیست زیرا دست کم هشتاد درصد از هلندیان با آن مخالفاند.

در روزهای بعد تظاهراتی به وسیله احزاب چپ هلند، علیه حرکات نژادپرستانه و نیز محکومیت پخش فیلم کینه‌توزانه «فتنه» در آمستردام برپا شد. در این تظاهرات، یکی از شرکت‌کنندگان، با همراه داشتن پلاکاردی حاوی جملاتی از فیلم «فتنه»، به وسیله پلیس دستگیر و روانه زندان شد. این فرد در پلاکارد خود، عین جملات وایلدرز را آورده و فقط هرجا که وی از «اسلام» نام برده بود، از کلمه «یهودیت» استفاده کرده و به جای کلمه «مسلمانان»، «یهودیان» آورده بود. وی به اتهام توهین به مقدسات، دستگیر و به همین جرم محاکمه خواهد شد.

با اهداف سازنده آن داشته و باعث شده تا مردم آمستردام به کتابخانه‌هایی که کتب اسلامی از جمله ترجمه الکترونیکی قرآن ارائه می‌کند، روی آورند.

خرید گسترده نسخه نرم‌افزاری قرآن به زبان هلندی باعث شده است در مدت دو روز، این محصول در بازار هلند تقریباً نایاب شود.

در ایران چه گذشت؟

پخش فیلم فتنه در ایران نیز همچون سایر کشورهای اسلامی، با واکنش‌هایی روبه‌رو شد. از تجمع بخشی از دانشجویان در مقابل سفارت هلند گرفته تا اعلام نظر برخی از مراجع همچون آیت‌الله مکارم شیرازی. این فیلم واکنش نماینده کلیمیان در ایران را نیز در پی داشت. دکتر موریس معتمد ضمن اعلام انزجار خود و جامعه کلیمیان کشور از پخش فیلم موهن و ضد دینی «فتنه» از سوی یک کارگردان هلندی، خواستار تعامل بیشتر ادیان ابراهیمی

فیلمی با عنوان «پاسخ به فتنه» است که خود درباره این فیلم می‌گوید: فیلم «پاسخ به فتنه» از سوی یک تشکل مردم‌نهاد، برای تبیین و تشریح ارزش‌های اسلام واقعی و در پاسخ به جسارت رهبر حزب راستگرای پارلمان هلند ساخته شده است. این فیلم بدون اهانت به ادیان الهی، قصد دارد چهره دین اسلام را بر پایه مستندات واقعی برگرفته از آموزه‌های قرآنی به گوش جهان برساند تا درک درستی از اسلام واقعی نمایانده شود.

صبحی خاطر نشان کرد: در «پاسخ به فتنه» که مراحل پایانی و صداگذاری آن رو به اتمام است، با استناد به آیاتی از قرآن، عطف و مهریانی اسلام و دوری از خشونت به تصویر کشیده شده است. در عین حال از آیاتی از قرآن که بر برخورد با مفسدان و جنایتکاران تأکید کرده نیز به همراه تصاویری از جنایتکاران جهانی استفاده شده است. در این فیلم تصاویری از آزار و اذیت پیامبر اسلام(ص)، مسیح(ع)



و موسی(ع) گنجانده شده است. همچنین صحنه‌هایی از وقوع جنایات علیه مسلمانان جهان و کشتار و مظلومیت آنان به تصویر کشیده شده است.

وی در پایان ضمن اشاره به جایگاه و منزلت زن در اسلام تأکید کرد: در عین حال نگاهی از توصیه‌های قرآن نسبت به برابری و برادری ادیان، نژادها و اقوام به تصویر کشیده شده است.

از دیگر واکنش‌های سینمایی، موضع‌گیری مدیر عامل «خانه سینما» علیه فیلم «فتنه» بود که رضا میرکریمی در این باره گفت: پناه بردن به فضای توهین و تحقیر، نشانه واهمه از مواجهه استدلالی و منطقی با اسلام است. او فیلم «فتنه» را فاقد ارزش‌های هنری دانست و تأکید کرد این فیلم در جوامع روشنفکری جهان حرفی برای گفتن ندارد. این مستند خام‌دستانه و ابتدایی، صرفاً از یک بغض آلوده به اغراض سیاسی ناشی می‌شود.

در راستای احترام کامل نسبت به یکدیگر و جلوگیری از هرگونه توهین و افترا علیه معتقدات الهی شد. وی با اشاره به این که جامعه کلیمیان کشور مانند همیشه این حرکات‌های وقیحانه را محکوم می‌کند، افزود: ما تنفرمان را از این نوع جریان‌ها در غرب ابراز داشته‌ایم.

معتمد تصریح کرد: کلیمیان ایران در سال‌های گذشته نیز همگام با تمام مسلمانان، موضع‌گیری شدیدی علیه کاریکاتورهای زشت دانمارکی و سایر اقدامات ضد اسلامی داشته‌اند. نماینده کلیمیان در مجلس خواستار اعمال فشار ادیان به دولت‌های اروپایی در راستای محدودسازی رسانه‌ها و مطبوعات غربی برای جلوگیری از ادامه این حرکات‌ها شد.

سینماگران ایرانی از دیگر قشرهایی بودند که ترجیح دادند پاسخ فتنه را با فیلم‌های خود مطرح کنند و از همان ابزاری برای پاسخ استفاده کنند که گیت وایلدرز از آن استفاده کرده است. در این راستا امین صبحی در حال ساخت

در این حال، روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز»، در شماره ویژه آخر هفته خود، گزارش مفصلی درباره سازنده فیلم «فتنه» منتشر کرد و نوشت: فیلم کوتاه و جنجالی نماینده پارلمان هلند که خودش آن را با اصرار، ضداسلامی می‌خواند، به رغم دارا نبودن کم‌ترین استانداردهای حرفه‌ای و جذابیت‌های بصری، به موضوع روز گروه بزرگی از سیاستمداران در سراسر جهان بدل شده است. این روزنامه افزود: رنگ موی «گیت وایلدرز» تا ریشه‌های شخصیت او عمق دارد؛ وایلدرز عضو ضد اسلامی یک حزب جنجال‌آفرین در پارلمان هلند، بیش از دو دهه است که موهای سر خود را به رنگ تحریک‌کننده‌ای که برخی به آن «رنگ افراطی پلاتینی» می‌گویند، درمی‌آورد و همین مشخصه، او را در میان یک جمعیت به راحتی قابل تفکیک می‌کند.

از نکات جالب این جریانات، این که بر اساس گزارش مطبوعات هلند، انتشار فیلم فتنه نتایج معکوسی در مقایسه



رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات کشور:

فعالیت ما قانونی است

خیمه: در حال حاضر فعالیت تان در کدام یک از شهرهای عراق متمرکز است؟

همه عتبات به جز سامرا، سامرا را خود دولت آنجا می دهد و ما پشت صحنه ایم.

خیمه: برای هدایا و نذورات جمع آوری شده چه برنامه ای دارید؟ این مورد واقعاً جزو کمک های عام است و محاسبی هم بازسازی عتبات عالیات داریم برای سامرا که برنامه جداگانه ای داریم نذوراتی که حل هزینه آن مشخص شده است در همان بخش ها بقیه بخش مدیونیت خرج می کنیم.

خیمه: آیا تا به حال گزارشی از مبالغ دریافتی از سوی ستاد منتشر شده است؟

بله سایت stabat.org و گزارش هایی می دهند و مسئولین هم مسئولینی شناخته شده و مردمی هستند میروند و هر روز می بینند.

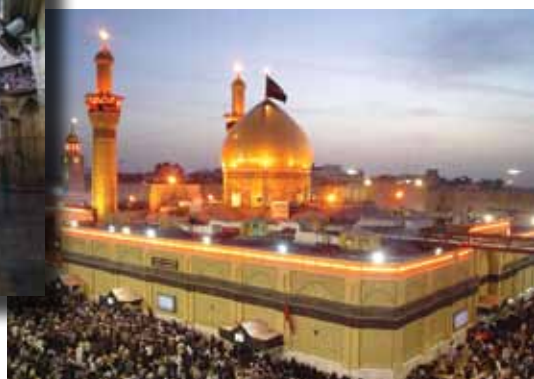
خیمه: طرف قرارداد شما در کشور عراق چه کسی است؟ دولت یا مدیونیت حرم؟ مبلدیریت حرم، انشگاه بخش سیاسی و ترماسیم و گمر و ژنای خواهد در کجای بخش شهری و معماری شهری شود قطعاً مقامات شهری و ستانی و افراد یکدیگر را هستند ارتباط می گیریم. طرح و سحر مام علی (ع) را ستانداری و وزارت شهر داری های عراق در حال پیگیری هستیم و از انشگاه مگو فمیز پشتمیا نمی شود.

در پی بخش اعلامیه هایی از سوی مدیونیت حرم مطهر امام حسین (ع) در بیست و یکمین نمایشگاه کتاب تهران مبنی بر عدم ارتباط مؤسسه ای که در خارج از کشور عراق در زمینه جمع آوری هدایا و نذورات مردمی فعالیت می کنند با حرم مطهر حضرت امام حسین (ع)؛ خیمه، گفت و گویی با منصور حقیقت پور، رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات و پشتیبانی عراق صورت داده که در ذیل می خوانید:

خیمه: لطفاً در مورد ماهیت ستاد بازسازی عتبات صحبت بفرمایید؟ این ستاد را در شب شرکت هبل ثبت رسید و هم کنون ثبت آن به عنوان یک تشکل مردم نهاد (OGN) در ستیگیری است در اسانما این مجموعه پیگیری منویا ترهبری و دولت در خصوص عتبات عالیات نظر گرفته شده است.

خیمه: حوزه فعالیت ستاد عتبات عالیات در کدام شهرها می باشد؟ در تمام شهرها انجام می شود. یعنی ما ۵۰۰ شعبه داریم.

خیمه: مجوز فعالیت ستاد از کجاست؟ استانداری هفرمانداری هفرمانداری هستند و اقصر نظوارت کشور است فرمانداری هفرمانداری هفرمانداری هفرمانداری نا محسوس پشتیبان این ها هستند.



خیمه: در لوح یادبود گنبد امام جواد (ع) که چندی پیش افتتاح شد، اسمی از ایران نیامده است و فقط نوشته‌اند به همت یکی از آقایان آنجا انجام شده است.

روال‌شان هم میراست می‌خواهند نظیر آن جستی که با شما می‌کنند همین اقدامات ولی نه نام ایران در همان گنبد اسم مقام معظم رهبری و نام جمهوری اسلامی رازده‌اند.

خیمه: به نظر شما اگر مبالغ جمع‌آوری شده مستقیماً به مدیریت حرم تحویل داده شود مشکلی پیش می‌آید؟

بله و گاهی باید مطمئن شوید که پول کجاست می‌شود چون هزاران مشکل دارند احتمالاً در پولی که برای ضریح می‌دهیم خرج می‌شود و تفرقه کنند پس مردم را شویق می‌کنیم که پول را بفرستند از تبیل‌پوردهای ملودر و صباست که نوشته ایم که بزرگوارید و می‌خواهید کاری انجام شود، به ستاد بدهید.

خیمه: به نظر شما، امکان انجام اموری مانند ساخت ضریح و ... در داخل کشور عراق وجود ندارد؟

امکان ندارد این اقدامات هنری اقداماتی است که سابقاً به هزار ساله هزار ساله اردو کوتا آمد تنمی توان به چنین هنری دست یافت.

گفتنی است بر و شور و فتنه و فرهنگ و تبلیغات و حرم مطهر امام حسین (ع) آمدن است با هیچ کار و موسسه ایرانی خفد و ایستاد و ترمیم می‌ریز و به هر مقدس امام حسین (ع) و احیاء داد شد است و هیچ جنمی برای تعمیر و بازسازی عتبات مقدسه در خارج از عراق دایر نیست. همچنین در این بر و شور و آشوب این نکته است که به مجموعه‌ای که در ایوان نذورات و متوسطات و نوجمن‌های مختلف در سراسر جهان بود در ارسال آن تاکنون به هر مطهر حسینیه تا کین شد است جهت بازسازی و تعمیرات مجموعه‌ای که در ایوان نذورات عتبات مقدسه کشور برادر جمهوری اسلامی ایران به کشور دیگری هرگونه موسسه را که انجمن می‌لایند می‌وابسته‌اند مدیریت وجود داشت و نه مرجع ذیصلاح این رابطه دفاتر مستقر در حرم مطهر امام حسین (ع) می‌باشند.



برخی فعالیت‌های ستاد بازسازی عتبات عالیات

ستاد بازسازی عتبات عالیات از مورخ ۱۸ ذی الحجه ۱۴۲۶ مصادف با روز عید غدیر خم، با ایجاد و مستقر کردن واحد‌های فنی، مهندسی، معماری و هنری در شهر کاظمین، عملیات اجرایی طلاکاری گنبد امام جواد (ع) را آغاز کرد و با وجود ناامنی و بروز برخی ناهماهنگی‌ها از سوی مسئولین عراقی و تأخیر مکرر در تأمین به موقع ویزا برای اعزام متخصصین و ارسال اقلام مورد نیاز، این پروژه در مورخ ۱۷ ربیع الاول ۱۴۲۹، با موفقیت و با ویژگی‌های منحصر به فرد به پایان رساند. در این گنبد بیش از ۱۱۰ کیلوگرم طلای ناب و ۱۴۰۰۰ کیلو مس در ۹۰۰۰ خشت مسی استفاده شده است.

از دیگر پروژه‌های ستاد بازسازی عتبات عالیات می‌توان ساخت ضریح حرم امام حسین (ع) در قم، ساخت ضریح حرم حضرت ابوالفضل (ع) در تهران، ایجاد سامانه صوتی در حرم امام حسین (ع)، ساخت و نصب ضریح قتلگاه، بازسازی خیمه گاه، تعویض سنگ‌های کف و دیوار صحن حرم حضرت عباس (ع)، احداث دار الشفاء حرم امام حسین (ع)، احداث زائر سرا ی حرم امام حسین (ع)، آینه کاری حرم حضرت عباس (ع)، پروژه حسینیه حرم حضرت امیرالمؤمنین (ع)، طرح توسعه حرم امام علی (ع) و ... نام برد.



گزارش تصویری از ساخت ضریح امام حسین(ع) در قم

قطعه ای واقعی از کربلا در شهر کریمه اهل بیت(ع)

امروز بر خلاف همیشه که اهل قم میهمان کربلای معلی بودند قطعه ای مبارک از بهترین مکان کربلا میهمان محبان ائمه اطهار در شهر کریمه اهل بیت(ع) است.

پس از این که تصمیم تعویض ضریح مقدس امام حسین(ع) پس از ۷۰ سال گرفته شد، افتخار ساخت این ضریح مبارک نصیب مردم ولایت مداری شد که همواره در طول تاریخ تشیع عشق به پیامبر و خاندان پاکش را در دل خود پرورانده بودند و پس از میزبانی با شکوه از کریمه اهل بیت (س)، این بار میزبانی ساخت ضریح سلاله پاک رسول خدا حضرت سیدالشهدا(ع) را بر عهده گرفتند.

پس از انتخاب ایران و شهر مقدس قم برای ساخت ضریح مقدس امام حسین (ع)، از میان ۱۶ مکان برجسته پیشنهادی در قم، این افتخار نصیب مدرسه علمیه معصومیه شده است.





تکمیل دانش نامه پایگاه حوزه درباره امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع)

مسئول ورود اطلاعات پایگاه حوزه، با اعلام این خبر گفت: موضوع امام حسین(ع) در نسخه قدیم دارای پنج شاخه و بین چهل تا پنجاه مطلب بود که این آمار در نسخه جدید به بیست شاخه اصلی، یازده شاخه فرعی و بیش از ششصد مطلب ارتقا یافته است.

ابراهیم سیوندی، «زندگانی امام حسین(ع) قبل از امامت»، «امام حسین(ع) در دوره امامت»، «امام حسین(ع) در کربلا» و «تحلیل واقعه عاشورا» را جزو شاخه‌های اصلی این موضوع عنوان کرد و افزود: هر یک از این شاخه‌ها دارای چند زیرشاخه است که در مجموع حدود ۶۵۰ مطلب در این موضوع گردآوری شده است.

وی موضوع «حضرت ابوالفضل(ع)» را از دیگر موضوعات دانش نامه که ورود اطلاعات آن به پایان رسیده است برشمرد و تصریح کرد: در نسخه قدیم، مطالب پراکنده‌ای درباره علمدار کربلا وجود داشت اما در نسخه جدید، نمایه‌ی مستقلی برای شخصیت عظیم حضرت ابوالفضل(ع) در نظر گرفته شد که هم اکنون بیش از شصت مطلب تحت عناوینی مانند «زندگی‌نامه حضرت ابوالفضل(ع)»، «فضایل و مناقب حضرت ابوالفضل(ع)»، «حضرت ابوالفضل(ع) در شعر ادب و هنر» و «ام البنین(س) مادر حضرت ابوالفضل(ع)» عرضه شده است.



بررسی شخصیت امام حسین(ع) از دیدگاه اهل سنت در یکی از روزنامه‌های آلبانی

همزمان با ایام شهادت سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، روزنامه «متروپول» آلبانی یک صفحه کامل خود را به بیان زندگی‌نامه امام حسین(ع)، اهداف و انگیزه قیام آن حضرت و نیز نتایج این قیام اختصاص داد. از نکات برجسته این مقاله، بررسی تحلیلی شخصیت امام حسین(ع) از دیدگاه اهل سنت است. خاطر نشان می‌شود، این مقاله به همت «محمد قربانپور دلاور» به رشته تحریر درآمده است.



تولید نرم‌افزار «عصر عاشورا» حاوی مجموعه سخنرانی‌های حاج حسین انصاریان

پایگاه اینترنتی عرفان اقدام به تولید نرم‌افزار «عصر عاشورا» شامل مجموعه سخنرانی‌های حاج حسین انصاریان کرده است.

نرم‌افزار «عصر عاشورا» از سوی مرکز دارالعرفان و به صورت VCD تولید شده است.

علاقه‌مندان جهت تهیه این اثر می‌توانند با مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان با شماره ۰۲۵۱-۷۷۳۶۳۹۰ تماس گرفته یا از طریق سایت این مرکز اقدام کنند. همچنین تصاویری از این مراسم در بخش گالری تصاویر سایت دارالعرفان موجود است.



«نیایش امام حسین(ع) در صحرای عرفات» اثر علامه جعفری به عربی ترجمه شد این کتاب توسط عبدالرحمن علوی ترجمه و به وسیله انتشارات بین‌المللی الهدی وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی چاپ و منتشر شد. این کتاب علاوه بر متن به شرح و تفسیر دعای عرفه نیز پرداخته در ۱۵۶ صفحه در قطع رقعی و در شمارگان ۳۰۰۰ جلد به بازار عرضه شده است.



راه اندازی نخستین رادیو و تلویزیون اینترنتی جهان اسلام

رئیس رادیو و تلویزیون اینترنتی لندن اعلام کرد: رادیو و تلویزیون اینترنتی «باران» نخستین رسانه اینترنتی با رویکرد اسلامی است که به شکل حرفه‌ای به چهار زبان و به صورت بیست و چهار ساعته برای علاقه‌مندان برنامه پخش می‌کند و در حال حاضر با استقبال گسترده مخاطبان اروپایی و آمریکایی روبه‌رو شده است.

مدیر رادیو و تلویزیون اینترنتی باران افزود: رادیو و تلویزیون باران به همت اعضای باشگاه جوانان مسلمان زیر نظر مرکز اسلامی لندن فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرده است و در بخش تلویزیون به صورت بیست و چهار ساعته به چهار زبان اردو، فارسی، انگلیسی و عربی برنامه پخش می‌کند و در حال حاضر بخش رادیو به صورت بیست و چهار ساعته به دو زبان فارسی و انگلیسی برنامه دارد. همچنین در گروه‌های مختلفی از جمله گروه فیلم و سریال، گروه بانوان، گروه کودک و نوجوان، گروه قرآن و معارف اسلامی به تولید برنامه‌های متنوعی پرداخته است.

نشانی اینترنتی رادیو و تلویزیون باران www.Barantv.com می‌باشد.



همکاری یونسکو با عراق در بازسازی حریم عسکرین(ع)

یک منبع مسئول از دفتر یونسکو در عراق همزمان با سالروز شهادت امام حسن عسکری(ع) اعلام کرد: این سازمان همچنان بر ادامه همکاری خود با دولت عراق برای بازسازی حریم عسکرین(ع) تأکید دارد.

وی تأکید کرد: طرح پاکسازی و فراهم کردن امکانات لازم برای عملیات بازسازی حریم عسکرین(ع) با نظارت مستقیم این سازمان در حال اجراست. این منبع مسئول اظهار داشت: کارشناسان سازمان گام به گام با مهندسان و کارگران عراقی برای بازسازی حریم در ارتباط هستند.



تولید لوح فشرده «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» توسط نشر اسرا

مجموعه لوح فشرده «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» از سوی مرکز نشر آثار آیت‌الله جوادی آملی (اسرا) تولید و عرضه شده است.

در این لوح فشرده، آیت‌الله جوادی آملی به تبیین شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی پرداخته تا چهره باطنی این نهضت که عقل و عقلانیت اصیل و مستحکم و تثبیت شده با مصباح وحی است، وضوح بیشتری یابد.



معرفی سه هزار کتاب عاشورایی در سایت رهپویان وصال

بخش خواندنی‌های سایت رهپویان وصال با معرفی بیش از سه هزار کتاب عاشورایی که توسط پژوهشکده تحقیقات اسلامی تهیه و به ترتیب حروف الفبا قرار دارند، به‌روز شده است.

دسترسی به این کتابخانه از طریق آدرس rahpouyan.com ممکن می‌باشد.



آموزش سبک‌های مداحی بر روی سایت حوزه هنری استان گلستان

رئیس حوزه هنری استان گلستان با دعوت از همه علاقه‌مندان برای استفاده از این برنامه آموزشی بر روی سایت حوزه هنری استان گلستان www.artgolestan.ir به آدرس گفت: در عزاداری‌ها و به خصوص مداحی‌ها باید شأن و حرمت ائمه (ع) حفظ شود و باید توجه داشت که مطالب غیر واقع و خرافات در مجالس گفته نشود.

خاکپور افزود: آموزش سبک‌های مداحی معتبر و درست، می‌تواند در جلوگیری از ورود آهنگ‌های غیر معتبر و وارداتی به مجالس عزاداری بسیار مؤثر باشد.



آیت الله شیخ علی عاملی کورانی

مہجوریت ارزش‌های محرم نتیجہ عملکرد سلیقہ‌ای خطیبان است



آیت‌الله شیخ علی کورانی عاملی، در سال ۱۹۴۴ میلادی در خانواده‌ای مذهبی در شهر جبل عامل (جنوب لبنان) متولد شد، وی به تشویق آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین دروس حوزوی را آغاز کرد. عاملی در سال ۱۹۵۸ میلادی به نجف اشرف هجرت کرد و دروس «مقدمات» و «سطح» را در محضر آیات عظام محمدتقی فقیہ، سید علاء بحر العلوم، شیخ باقر ایروانی و سید محمدباقر حکیم تکمیل کرد و سپس در درس «خارج» آیت‌الله خونی و شهید سید محمد صدر حاضر شد. آیت‌الله شیخ علی کورانی عاملی با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به حوزه علمیه قم آمد و کار تألیف و تدریس را ادامه داد و با حمایت آیت‌الله گلپایگانی مرکز معجم فقهی و همچنین با حمایت آیت‌الله سیستانی مرکز «المصطفی للدراسات الدینیہ» در زمینه عقاید اسلامی را بنا نهاد.

در ایام محرم، اقدام به ارائه خطابه‌ها و موعظه‌های کلیشه‌ای و سنتی می‌کنند که این مسأله عدم رغبت مردم به منابر و آیین‌های سوگواری امام حسین(ع) را در پی دارد.

خطیبان منابر امام حسین(ع) در طول تاریخ پیوسته، جوانب عقلانی قیام این امام بزرگوار را نادیده گرفته و بیشتر به جنبه عاطفی و احساسی آن توجه کرده‌اند که تندروری و افراط در این زمینه باعث ارائه تصویری خشن از شاعر حسین شده است.

برخی محافل وهابیت، آیین‌های عزاداری و مراسم سوگواری امام حسین(ع) را هدف قرار داده و تلاش می‌کنند این آیین‌ها را اعمالی خشن و غیرمعقول از ناحیه شیعیان جلوه دهند؛ این در حالی است که عزاداری و حزن و اندوه شیعیان در سالروز شهادت سالار شهیدان به علت علاقه قلبی آن‌ها نسبت به این امام بزرگوار است.

ناتوانی مبلغان شیعی در انتقال فرهنگ عاشورا
ما باید به دو بُعد عقلانی و عاطفی قیام امام حسین(ع) اهتمام داشته باشیم و به این مسأله اذعان کنیم که شیعیان و مبلغان تشیع متأسفانه در انتقال فرهنگ و اهداف واقعی قیام امام حسین(ع) ناتوان بوده‌اند.

پیامبر گرامی اسلام(ص) نخستین کسی بود که برای امام حسین(ع) گریه کرد، بنابراین ما شیعیان باید بدون توجه به اظهارات کینه‌توزانه برخی افراد ناآگاه و جاهل در این زمینه، آیین‌ها و شاعر حسین

را احیاء کنیم. رسانه‌های خارجی همه‌ساله با نمایش تصاویر قمه‌زنی تلاش می‌کنند تا آیین‌های سوگواری امام حسین(ع) را برابر با قمه‌زنی قرار دهند و چنین القا کنند که این عمل بخش جدایی‌ناپذیر عزاداری شیعیان است.

ماه محرم و مراسم عزاداری اباعبدالله الحسین(ع) که می‌تواند نمادی از شکوه و عظمت محبان اهل بیت(ع) باشد، با ندانم‌کاری و خرافه‌گویی‌های برخی عزاداران، تبدیل به مجالسی برای توهین و تمسخر شیعیان می‌شود.

نقش رسانه‌های تبلیغاتی در ترویج عقلانیت عاشورا

متأسفانه هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای اسلامی، شیعیان از داشتن یک شبکه تلویزیونی یا رادیویی مستقل محروم هستند و پخش مراسم و آیین‌های سوگواری امام حسین(ع) از رسانه‌های تبلیغاتی شیعی به‌ویژه شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی ایران می‌تواند نقش مهمی در ترویج فرهنگ و ارزش‌های محرم داشته باشد.

آیین‌های سوگواری و مراسم‌های عزاداری اباعبدالله الحسین(ع) باید تابع فتاوی مراجع تقلید و قوانین عمومی کشورها باشد و وجود فرقه گمراه وهابیت و دخالت‌های آمریکا و اسرائیل برای ایجاد تفرقه بین گروه‌های مختلف شیعه و سنی، از مهم‌ترین مشکلات جهان اسلام در حال حاضر است.

برخی خطیبان و مبلغان منابر حسینی تعریف مشخصی برای بُعد عقلانی و عاطفی عاشورا و آیین سوگواری امام حسین(ع) نداشته‌اند و سلیقه‌ای عمل کردن آن‌ها در ارائه خطابه، علت اصلی مہجور ماندن فرهنگ و ارزش‌های عاشورا بین مسلمانان است. منحصر شدن مفهوم عاشورا در میان فرقه‌ای خاص، عدم توجه به عقلانیت این رخداد مهم دینی و فرهنگی و تعصب کورکورانه میان برخی گروه‌ها در جوامع اسلامی، دلیل اصلی مہجوریت ارزش‌های ماه محرم است.

در حال حاضر، برخی خطیبان و مبلغان منابر حسینی



آیت الله العظمی سیستانی

عاشورا است

اشک عنصر مهمی در فرهنگ

به گزارش خیمه، در آستانه فرا رسیدن ماه محرم، آیت الله سیستانی، با انتشار پیامی، روحانیان و مبلغان حوزه‌های علمیه عراق را به تبیین ضرورت انسجام اسلامی در بین مردم دعوت کرد.

آیت الله سید علی سیستانی، مرجع شیعیان عراق در آستانه فرا رسیدن ماه محرم، با صدور پیامی به علما، سخنرانان و مبلغان حوزه‌های علمیه عراق، بر تلاش آنان برای حفظ وحدت و یکپارچگی مردم عراق و تبیین ضرورت انسجام اسلامی تأکید کرد.

وی در این پیام با اشاره به این که مبلغان باید با رفتار و کردار خود مردم را متوجه خدا و اهل بیت (ع) کنند، افزود: روحانیان باید بیش از هر چیز به تبلیغ عملی توجه کنند نه تبلیغ کلامی، چرا که بر اساس سخنان اهل بیت (ع)، تبلیغ عملی اثری بیش از تبلیغ کلامی دارد.

آیت الله سیستانی در ادامه، اشک و ابراز عواطف و احساسات را عنصر مهمی در فرهنگ عاشورا عنوان کرد و ادامه داد: مبلغان باید در سخنان خود از منابع معتبر استفاده و از خرافه‌گویی دوری کنند. سخنان زیبا و جذاب اهل بیت (ع) را از منابع معتبر روایی مانند نهج البلاغه و تحف العقول استخراج و با بیانی شیوا و رسا برای مردم تبیین کنند تا همه از مکتب اهل بیت (ع) بهره‌مند شوند.

این مرجع تقلید در ادامه خاطر نشان کرد: در دوران کنونی که دشمنی با مردم عراق و بویژه شیعیان و دوستان اهل بیت (ع) بسیار زیاد شده است، مبلغان باید دهه‌های محرم را غنیمت شمارند و همه را به حمایت از دولت نوپای عراق فرا خوانند تا دولت با همه قوا با تروریست‌ها و خرابکاران مبارزه کند و امنیت و آرامش را به خانواده‌های

عراقی بازگرداند.

وی از مبلغان خواست تا هدف اساسی مراجع تقلید و علمای حوزه‌های علمیه را که تنها خدمت به ملت است، برای آنان تبیین کنند.

وی افزود: این بدان معنا نیست که روحانیت قصد دارد در همه جزئیات حکومتی و اداره کشور دخالت کند، زیرا این امر امکان‌پذیر نیست و نتایج منفی فراوانی در پی خواهد داشت.

این مرجع تقلید در ادامه افزود: در طول سال‌های گذشته، مرجعیت شیعه نقش مؤثری در مبارزه با تروریسم و ناامنی‌های عراق ایفا کرده است، به گونه‌ای که مردم جهان پی برده‌اند که شیعیان، خشونت طلب نیستند.

آیت الله سیستانی با انتقاد از کسانی که مرجعیت را ذی‌نفع از اموال و دارایی‌های کشور برمی‌شمرد، بیان داشت: مرجعیت به هیچ وجه از دارایی‌های دولت و ثروت‌های عمومی استفاده نمی‌کند و بنده اجازه داده‌ام که حتی حقوق شرعی‌ام را نیز صرف مردم مستحق کنند و به نجف اشرف نیاورند.

وی در پایان پیام خود به نقش زنان در تبلیغ آموزه‌های دینی در جامعه اشاره کرد و اظهار داشت: ارزش فعالیت مذهبی و فرهنگی زنان در سطح جامعه کم‌تر از فعالیت مردان نیست و من برای همه مردان و زنانی که در راستای نشر و گسترش آموزه‌های اهل بیت (ع) تلاش می‌کنند، دعا می‌کنم و از خداوند متعال توفیق روزافزون همه مبلغان و سخنرانان مذهبی در طول ماه محرم را خواستارم.



داود بهلولی

بو گنجہ گلدی فرمان شهادت

آذربایجان و ترکیه دست به دست می‌گشت و اکنون نیز توجه خاصی به وی می‌گردد. صراف شاعری منتقد و اجتماعی نیز بود. از وی اشعاری درباره‌ی دوران استبداد و مشروطه در دست است، گرچه او یک سال پس از مشروطه بدرود حیات گفت.

او اشعاری با مضامین انقلابی و تحرک‌بخش می‌سرود و هنگامی که همشهریانش در کنسولگری انگلیس متحصن بودند، در چکامه‌ای چنین می‌سراید:

ای ملت اسلام! ایوان وقت سحردهی

گوز بیر نه خبردهی

بس دیر گوزون آج سن ده، کسالت نه قدردهی

دور، وقت سحردهی

صراف نه تنها در سخن و شعر، اجتماعی بود بلکه در عمل نیز چنین بود. او مرکزی عام‌المنفعه تأسیس نموده بود و به مردم تبریز که در آن دوره، روزگار اسفباری را پشت سر می‌گذاشتند یاری می‌رساند.

آری، به حق صراف را می‌توان یکی از چهار شاعر بزرگ و مردمی ادبیات مرثیه و شعر عاشورایی صد سال پیش آذربایجان دانست. تمامی مراثی و مدایح صراف، این شاعر آل محمد (ص) در رثا و ثنای اهل بیت (ع) است. در سرتاسر دیوان ۲۵۰۰ بیتی صراف، یک مورد مدح و تملق نسبت به حاکمان و قدرتمندان زمانش یافت نمی‌شود. او در نوحه و رثا نیز زبانی ساده، بیانی دل‌پذیر و عامه‌فهم دارد و البته از تمام عناصر شاعرانه لفظی و معنوی، همچون غزل‌هایش با مهارت تمام بهره می‌برد و شعر را غنی‌تر می‌کند. در مراثی‌اش اغلب، جوشش احساس و عاطفه جان خواننده و شنونده را شعله‌ور می‌کند.

از زبان امام حسین (ع) خطاب به خواهرش حضرت زینب (س) می‌گوید:

بو چۆلده باجی! محنت هجران سنون اولسون

آغلار گۆز ایله زلف پریشان سنین اولسون

عهد ائيله‌میشم بوردا گوزوم تشنه وئرم جان

بو گوندن بیرجه گون اول اؤلئیدیم کاش علی قارداش (ای برادر، علی! مانند خون تو، اشک از چشمان من جاری است / ای برادر، علی! کاش روزی پیش از این مرده بودم)

که زبان حال سکینه خاتون (س) بر سر نعش حضرت علی اکبر (ع) است.

و یا مربعی دیگر با مطلع:

زینب یئتیشوب چون شه گلگون کفن اوسته

گون تک باشینی آچدی او باش سیز بدن اوسته (چون زینب بر بالای سر آن شاه گلگون کفن رسید / همچون آفتاب بر روی آن بدن بی‌سر، سر گشود)

اشعار صراف در میان ترک‌زبانان ایران، جمهوری

ذوالجناح اوستن ییخیلیدی چون صراط‌المستقیم سؤیله‌دی اول دمدہ بسم‌الله الرحمن الرحیم حاج‌رضا صراف تبریزی متخلص به صراف در سال ۱۲۷۱ هجری قمری در تبریز دیده به جهان گشود. او در شمار چهار شاعر بزرگ عرصه شعر مرثیه ترکی است. دخیل مراغه‌ای، قمری دربندی، راجی تبریزی و صراف تبریزی، چهار ستاره درخشان این عرصه‌اند.

صراف گرچه در ترکی و فارسی و در قالب‌های گوناگون و مضامین مختلف متبحر و صاحب ذوق و سلیقه بود اما شهرت او و آنچه خود بدان می‌بالید هنر وی در مرثیه‌سرایی است، مرثیه‌سرایی بر اهل بیت (ع) بخصوص سیدالشهدا (ع).

مرحوم دکتر مهدی مجتهدی، صراف را چنین معرفی می‌کند:

«صراف در صنعت غزل ماهر بود، غزلیات ترکی او شیرین‌تر، لطیف‌تر و عاشقانه‌تر از غزلیات میرزا علی اکبر صابر شیروانی و استاد او سید عبدالعظیم شیروانی است. اما به پایه غزل‌های فضولی بغدادی نمی‌رسد. مضامین بکر اشعار او، شخص را به یاد شاهبیت‌های صائب تبریزی می‌اندازد. وی گاه در بیان مطالب مربوط به عشق، چنان به سادگی و لطافت شعر گفته است که می‌توان غزلیات ترکی او را هم‌ردیف بهترین اشعار عشقی قرار داد و وی را سعدی ترکی‌سرا نامید.

صراف خود را شاگرد سید عبدالعظیم شیروانی می‌دانست اما حافظ محل الهام او در آفرینش مضامین و زبان شعری بود. چنین است که او را باید صراف سخن نامید، کما این که خود می‌گوید: گرچه بو شهرده اولموش هامی اصناف سخن

سنی تأیید حسین ائيله‌دی صراف سخن^۱

صراف همچون دیگر شاعران ترک‌زبان علی‌الخصوص شعرای متقدم، در مراثی خود از قالب‌هایی همچون مربع که اکنون مهجورند بهره برده است. مثلاً مربعی با این مطلع

آخار قانون کیمی آغلار گوزومدن یاش علی قارداش





صراف سخن

مجموعه مقالات همایش بزرگداشت یکصدمین سال وفات
حاج رضا صراف تبریزی
ناشر: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان آذربایجان
شرقی

آثار منتشر شده در این اثر را می‌توان به سه بخش
تقسیم نمود. نخست برگزیده مقالاتی است که اهل
فن از ایران و جمهوری آذربایجان برای شرکت در
همایش گرامیداشت یکصدمین سالگرد وفات حاج
رضا صراف تبریزی ارسال داشته‌اند.

در این مقالات شعر و زبان و درون‌مایه‌ها و بن‌مایه‌ها
و افکار حاج رضا صراف تبریزی به کنکاش گذاشته
شده است و هرکس از زاویه‌ای به این شاعر بزرگ
آذربایجان نگریسته است.

در این بخش مقالاتی از صاحب‌قلمانی همچون
مرحوم محمدعلی صفوت، دکتر سعید قره‌آغاجلو،
دکتر آؤزی نادروف، دکتر ابوطالب الله‌باری و ... به
چاپ رسیده است. از عناوین این مقالات می‌توان به
«سیری در دیوان اشعار و مرثی‌های صراف تبریزی»،
«آذربایجان، مرثیه ادبیاتی و صرافین توتدوغو یئر»،
«۱۹-جو عصر اردوباد ادبی محیط‌پنده لیریکانین
دینی قاینقلاری»، «نگاهی اجمالی بر ادبیات مرثیه
آذربایجان» و ... اشاره کرد.

آنچه که از مجموع این مقالات برمی‌آید این است
که هیچ یک از نویسندگان این مقالات از مقام والای
صراف در مرثیه‌ی ترکی غفلت ننموده‌اند و در قالب
موضوع اصلی مقاله و یا بخش اعظمی از مقاله به نقد
و بررسی مرثیه در شعر صراف پرداخته‌اند.

در یکی از مقالات از قول نویسنده آن می‌خوانیم:

جذبه‌ی حسین آپاردی زینبی دیار شامه
شام شومدن دوباره چکدی وادی سلامه

اگر به مطلع بالا بنگرید، در می‌یابید که حقیقتاً این
شیوه‌ی شعر گفتن در ادبیات نوحه‌ی ترکی یک
نوآوری است. سادگی زبان، سبب شده است تا مردم
این اشعار را بپذیرند و در صندوق سینه خود حفظ

باشسبز بدنیم ایستی قوم اوسته قالا عریان
منله یاتا بو یئرده گرک یتیمیش ایکی جان
(ای خواهر! محنت در این بیابان از آن تو باد /
چشم گریان و زلف پریشان از آن تو باد / عهد
کرده‌ام که در این‌جا تشنه‌ی جان دهم / بدن بی‌سرم
بر روی ریگ‌های صحرا عریان بماند / باید هفتاد و
دو جان با من در این‌جا نقش بر زمین گردند)
از زبان حضرت زینب (س) خطاب به امام حسین
(ع) بعد از شهادت آن حضرت می‌گوید:
بو دیار کربلا، بو سن، خداحافظ حسین
کاروان یوللاندی شامه، من خداحافظ حسین
(این تو و این دیار کربلا، خداحافظ حسین / کاروان
به سوی شام روانه شد، خداحافظ حسین)
و این قطعه برای شب عاشورا که بسیار مشهور
است:

گل گلزار رسالت بو گنجه

شمردن ایسته‌دی مهلت بو گنجه

یاتموب آل علی صبحه کیمی

شیعه یاتسون نجه راحت بو گنجه

شه‌دالر آدینا کلک قضا

یازدی فرمان شهادت بو گنجه

(گل گلزار رسالت، امشب از شمر مهلت خواست /
آل علی (ع) امشب تا صبح نخوابیدند / پس چگونه
شیعه امشب راحت بیاساید / کلک قضا امشب به
نام شهیدان فرمان شهادت را نوشت)

و صدها نمونه‌ی دیگر از ابیات ناب و سوزناک در
موضوع حادثه‌ی کربلا.

صراف را می‌توان در ادبیات عاشورایی بانی مکتبی
نو با شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد دانست. وقتی
مرثی‌ها او را با دیگر شاعران نام‌آور این عرصه،
کسانی چون: راجی، قمری، دخیل، دلریش، انور،
حسینی «سعدی زمان» و استاد عابد تبریزی،
مقایسه می‌کنیم، این ادعا بیشتر ثابت می‌شود.
البته این سخن به معنای تفوق و برتری صراف بر
دیگر اساتید ادبیات مرثیه نیست، بلکه منظور، بیان
جایگاه و شیوه‌ی سخنوری اوست.

* با نگاهی به مجموعه مقالات همایش بزرگداشت یکصدمین
سال وفات حاج رضا صراف تبریزی

پی‌نوشت

۱. شغل حاج رضا صراف تبریزی، صراف‌ی بوده است و
به همین جهت به صراف شهرت یافت.

کنند و در سنت‌های گوناگون محرم تا به امروز تکرار
کنند. در حقیقت پذیرش شعر صراف از سوی مردم و
تکرار آن بدون کهنه شدن آن باعث ماندگاری شعر
صراف شد. چنان است که اکنون اشعار او نه تنها در
ایران و جمهوری آذربایجان، بلکه در مناطقی همچون
جمهوری داغستان روسیه زبانزد مردمان است.

در بخش‌های دیگر کتاب، اشعاری از شعرای برجسته
ترک‌زبان در ستایش از حاج رضا صراف و جایگاه
ارزنده‌ی او آمده است.

در بخش پایانی نیز نمونه‌هایی از نظیره‌هایی که بر
بعضی از اشعار وی از گذشته تا امروز سروده شده،
آمده است.

معراج اندرم

بله‌شیب قانه عجب زلف پریشانین اوغول
اولا کول باشینه سندن سورا دنیانین اوغول

*

سن‌ایدین زینبیمین مطلب و منظورو علی

قوبدون آغلار گؤزوله یاخشی او رنجورو علی

دور گئدک خیمه‌یه ای گؤزلریمین نورو علی

گؤزو یوللاردا قالب خیمه‌ده لیلانین اوغول

سنی لب‌تشنه شهید ائبله‌دی بو قوم عدو

گلشن جسمینه ووردو دم پیکانیه سو

منده ایندی ائدیرم قانیه تجدید وضو

قاریشیر قانیمه بو چؤلده قیزیل قانین اوغول

مرحبا عشقینه ای شبه رسول مدنی

ائتمه‌دین محضر جانانده شرمنده منی

یاخشی الوان ائل‌ه‌دین قانیه بو گول بدنی

سرو تک دوشدی یئره سرو خرامانین اوغول

محفل قریده اؤز جسمیم اولوب غیر منه

کوفه‌دن شامه وئریر جذبه‌ی حق سیر منه

بو کشاکشده علی! منزل اولور دیر منه

اوج ائدر ناله‌سی افلاکه مسیحانین اوغول

سینه‌می ناوک درد و غمه آماج ائدرم

زینبین طاقت و آرامینی تاراج ائدرم

من ده بو چؤلده کسیک باشیله معراج ائدرم

قاب قوسینیم اولور طاقی کلیسانین اوغول

سن وفا گلشنینین بیر گل نورسته‌سی سن

شه‌دا دسته‌سینین عشقه‌ده سردسته‌سی سن

اولمایا من کیمی بیر سلسله پاسته‌سی سن

نگران‌دیر گؤرورم دیده‌ی گریانین اوغول

نوش قیلدین ره جاناندا بلا جامی علی!

چکه‌جک‌دیر بو ایشین شامه سرانجامی علی

بیرجه آچ گؤزلرین ای قلبیمین آرامی علی

گؤر نه احواله سالیبدیر منی هجرانین اوغول



برای او

خوانی هنر مرثیه

کاریا و رکوظا لعلاترا هبردی خیمه باحمايت مسجد مقدس جمکران

اثر حاضر، مجموعه شعری است از تنی چند از شعرا، پیرامون وجود مقدس صاحب الزمان (عج). دو ویژگی، این اثر را از دیگر آثار و مجموعه‌های شعری پیرامون آن حضرت متمایز ساخته است. نخست این که زبان اشعار برگزیده، زبان شعر امروز است، و مضامین به کار رفته در اشعار، حال و هوایی امروزی دارند. خواننده در این اثر با تعبیری تازه و نو که همانا از ذهن یک جوان انتظار می‌رود مواجه می‌گردد. تعبیری که بیانگر نگاهی دیگر است به مهدویت از دریچه شعر امروز. خصیصه‌ی دیگر این مجموعه استفاده از اشعار شعرای جوان می‌باشد. گردآورنده سعی نموده است تا این بار با گذر از زمان، سخن و دل‌گویی جوان امروزی با امام زمان خویش را به نمایش بگذارد. جوانی که بی‌تکلف، آنچه از دوست در دل دارد، به قلم شعر جاری کرده است.

* مهدی عابدی

ای ناگهان تر از همه‌ی اتفاقات
پایان خوب قصه‌ی تلخ فراق
یک جا به شوق آمدن باز می‌شوند
درهای نیمه‌باز تمام اتاق‌ها
یک لحظه بی‌حمایت تو، ای ستون عشق!
سر باز می‌کنند ترک‌های طاق‌ها
بی‌دستگیری‌ات به کجا راه می‌برم
در این مسیر پر شده از باتلاق‌ها
باز آ بهار من که به نوبت نشسته‌اند
در انتظار مرگ درختان اجاق‌ها
ای وارث شکوه اساطیر! جلوه کن
تا کم شود ابهت پرطمطراق‌ها

قیمت به همراه هزینه پست: ۲۵۰۰ تومان
تلفن مرکز پخش: ۰۴-۷۷۵۱۴۲۳-۷۷۵۱-۲۵۱

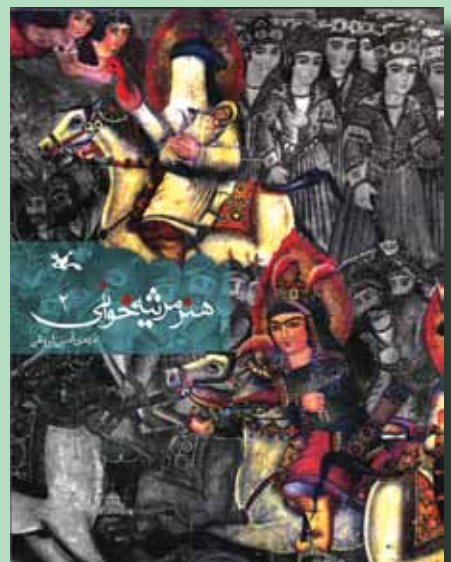
خود را دارد.

امین فروغی در ابتدای این کتاب تاریخچه مرثیه‌خوانی برای سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران وفادارش را بازگو می‌کند و به این نکته می‌پردازد که مرثیه‌خوان‌های قدیمی ایران تسلط زیادی بر موسیقی داشتند و حالت‌های هر یک از الحان و نغمات موسیقی ایران را می‌شناختند. او یادآوری می‌کند که بسیاری از آوازخوانان و موسیقی‌دانان نامی ایران زمانی کار خود را از مرثیه‌خوانی آغاز کرده‌اند یا زیر نظر یک مرثیه‌خوان تعلیم آواز دیده‌اند.

در کتاب «هنر مرثیه‌خوانی» به این نکته هم اشاره می‌شود که در عصر ما میان موسیقی‌دان‌ها و مرثیه‌خوان‌ها فاصله زیادی ایجاد شده و این شکاف تا بدان جاست که مرثیه‌خوان‌ها غالباً با موسیقی آشنا نیستند و موسیقی‌دان‌ها نیز به مرثیه‌خوانی به عنوان کاری بی‌ضابطه می‌نگرند، در حالی که نگاهی به تاریخ موسیقی ایران نشان می‌دهد که تا چه اندازه موسیقی در این سرزمین و امدار مرثیه‌خوانی مبتنی بر اصول علمی و هنری بوده است.

مجموعه ۱۲ جلدی هنر مرثیه‌خوانی در دستگاه‌ها و گوشه‌های مختلف یک دستگاه، نوحه‌ها را به ساده‌ترین شکل آوانگاری کرده تا خواننده با فراگرفتن یک نوحه با چهارچوب دستگاه و آواز مربوطه نیز آشنا شود.

بنا بر گزارش روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۲ جلد این کتاب با قیمت ۴۰۰ هزار ریال برای گروه سنی «۶» مخاطبان عمومی، به ترتیب نوحه‌ها و مرثیه‌های مختلف را در دستگاه‌های ماهور، شور، ابوعطا، بیات ترک (بیات زند)، افشاری، دشتی، سه‌گاه، چهارگاه، همایون، بیات اصفهان، نوا و راست پنجگاه به علاقه‌مندان هنر مرثیه‌خوانی و موسیقی ارائه کرده است.



کتاب هنر مرثیه‌خوانی به قلم مهدی امین فروغی منتشر شد.

این مجموعه ۱۲ جلدی در داخل یک بسته نفیس، در هر یک از دفترهای خود علاوه بر ارائه نوحه‌های اصیل و ماندگار شعرای نامی ایران، دستگاه‌ها و آوازهای مربوط در گوشه‌های مختلف موسیقی را آوانگاری کرده است تا مرثیه‌خوان‌ها با فرا گرفتن قواعد خط موسیقی (نت) بتوانند نوحه‌های ثبت شده را اجرا کنند.

نویسنده کتاب در مقدمه، که به زبان‌های فارسی و انگلیسی نوشته شده است، به این نکته اشاره می‌کند که در سال‌های اخیر نوجوانان و جوانانی علاقه‌مند به مرثیه‌خوانی به منظور بالا بردن سطح علمی کار خود و آشنایی با اصول خوانندگی به مراکز تعلیم آواز مراجعه می‌کنند ولی متأسفانه پس از مدتی کار، گاهی دلسرد شده و گمشده خود را در آن جا نمی‌یابند زیرا اساس کار این مراکز و کلاس‌ها، تعلیم آوازخوانی صرف است در حالی که آشنایی با موسیقی برای مرثیه‌خوانی تعالیم خاص

مشخصات فرستنده :

استان: شهرستان:
خیابان اصلی: خیابان فرعی:
کوچه: پلاک: طبقه:
نام و نام خانوادگی:
کد پستی: صندوق پستی:



شماره پست
جمهوری اسلامی ایران

پست جواب قبول

نیازی به چسباندن تمبر ندارد

هزینه پست براساس قرارداد شماره ۳۷-۳۷۸۴ پرداخت شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهیانه خیمه

پست سفارشی

پست عادی

شش شماره ۴۵۰۰۰ ریال

شش شماره ۳۰۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۹۰۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۶۰۰۰۰ ریال

توجه کنید

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب
سیبا (بانک ملی) ۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱ بنام مرتضی وافی
قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور واریز نمایید .
فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل به همراه اصل رسید بانکی
برای ما ارسال کنید.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

سلام همراه عزیز:

یک صفحه سفید گذاشتیم برای شما
این دو صفحه به صورت پاکت نامه با پست جواب قبول
طراحی شده است و نیازی به تمبر ندارد.
خانمها و آقایان، با هر سنی و با هر علاقه مندی می توانند
در تحریریه خیمه قلم بزنند.
در تمام گونه های نویسندگی اعم از شعر، داستان، مناجات،
یادداشت، مقاله و گزارش می توانید مطلب بفرستید تا به
نامتان، و اگر خواستید با تصویرتان منتشر شود.
منتظریم



خبر